



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شہادت نامی لام نہایت (عج)

بارتھ معصومین (ع) و انبیاء

مجمع جهانی شیعہ شناسی

مؤلف: امیر بہاء الدین علانی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شباهت های امام زمان (عج) با ائمه معصومین علیهم السلام و انبیاء

نویسنده:

عبدالله علائی نیا

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	شباهت های امام زمان (عج) با ائمه معصومین علیهم السلام و انبیاء
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۳	فصل اول: فرمایشات معصومین علیه السلام درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۳	اشاره
۲۴	مقدمه ناشر
۲۵	چند روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله درباره ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۸	مختصری از معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از روایات
۲۸	اشاره
۳۳	الف) روایات عام:
۳۴	ب) روایات خاص:
۴۰	فصل دوم: برخی از صفات و ویژگی های ائمه اطهار علیه السلام و امام عصر
۴۰	اشاره
۴۱	۱ - واجب اطاعه بودن امامان در آیات و روایات
۴۱	اشاره
۴۱	آیه اولوالامر:
۴۱	اشاره
۴۱	روایت اول:
۴۴	۲ - عصمت
۴۶	۳ - علم امام
۴۶	۴ - ولایت تکوینی و تشریحی
۴۶	۵ - اهل ذکر

۴۷	۶ - نشانه های هدایت
۴۷	۷ - صراط مستقیم
۴۷	۸ - شاهدان و گواهان بر خلق
۴۸	۹ - وارثان زمین
۵۰	فصل سوم: ارتباط قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیام امام حسین علیه السلام
۵۰	اشاره
۵۰	دعای ندبه و یاد امام حسین علیه السلام
۵۱	زیارت عاشورا و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۳	اهداف مشترک
۵۳	اشاره
۵۴	الف) اصلاح گری
۵۸	ب) ضرورت نبرد با باطل
۵۸	اشاره
۵۹	مشابهت در زمانه و دشواری حفظ دین
۶۲	نیروها و ویژگی های آنان:
۶۲	۱. مردان با ایمان
۶۲	- یاران امام حسین علیه السلام
۶۴	یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۷	۲. نقش زنان
۶۸	۳. فرشتگان یاور امام حسین علیه السلام، یاوران حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۹	کوفه پایگاه مشترک
۷۰	قیام در روز عاشورا
۷۱	طلب یاری
۷۳	فصل چهارم: شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران
۷۳	اشاره
۷۶	شباهت به نوح علیه السلام

۷۸	شباهت به ادريس عليه السلام
۸۰	شباهت به ادريس عليه السلام
۸۱	شباهت به هودعليه السلام
۸۴	شباهت به صالح عليه السلام
۸۷	شباهت به ابراهيم عليه السلام
۹۴	شباهت به اسماعيل عليه السلام
۹۶	شباهت به يوسف عليه السلام
۹۸	شباهت به خضر عليه السلام
۱۰۷	شباهت به ذو القرنين عليه السلام
۱۰۹	شباهت به موسى عليه السلام
۱۱۹	شباهت به هارون عليه السلام
۱۲۰	شباهت به حزقييل عليه السلام
۱۲۳	شباهت به داودعليه السلام
۱۲۵	شباهت به سليمان عليه السلام
۱۲۷	شباهت به يونس عليه السلام
۱۲۷	شباهت به يحيى عليه السلام
۱۲۸	شباهت به عيسى عليه السلام
۱۲۹	شباهت به خاتم النبيين صلى الله عليه وآله
۱۳۲	فصل پنجم: حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف خونخواه امام حسين عليه السلام
۱۳۲	اشاره
۱۳۵	طول عمر امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف
۱۳۵	فرمایش امام حسين عليه السلام درباره حضرت ولي عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف
۱۳۸	غيبت انبياء عليه السلام
۱۳۸	غيبت حضرت هودعليه السلام
۱۳۸	غيبت حضرت صالح عليه السلام
۱۴۰	غيبت حضرت ابراهيم عليه السلام

- ۱۴۱ ----- غیبت حضرت یوسف علیه السلام
- ۱۴۳ ----- غیبت حضرت موسی علیه السلام
- ۱۴۵ ----- غیبت حضرت دانیال علیه السلام
- ۱۴۵ ----- غیبت حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۴۶ ----- غیبت کبرای حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۴۶ ----- اشاره
- ۱۴۷ ----- نظر مسیحیت درباره عروج حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۴۸ ----- عروج عیسی علیه السلام از نظر قرآن و روایات
- ۱۵۲ ----- نتیجه گیری
- ۱۵۲ ----- اشتراک های غیبت انبیا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۲ ----- اشتراک های غیبت حضرت هود علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۳ ----- اشتراک های غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۳ ----- اشتراک های غیبت حضرت یوسف علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۷ ----- اشتراک های غیبت حضرت موسی با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۵۹ ----- اشتراک های غیبت حضرت خضر علیه السلام با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۰ ----- اشتراک های غیبت حضرت دانیال علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۰ ----- اشتراک های غیبت حضرت الیاس علیه السلام با غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۱ ----- اشتراک های غیبت حضرت یونس علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۲ ----- اشتراک های غیبت حضرت عیسی علیه السلام با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۳ ----- اشتراک های غیبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با غیبت امام حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۵ ----- فصل ششم: فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۵ ----- اشاره
- ۱۶۵ ----- ۱- امتحان مردم
- ۱۶۵ ----- ۲- تحت بیعت هیچ حاکمی نباشد
- ۱۶۶ ----- ۳. خالی شدن صلب های کافران از مؤمنان
- ۱۶۶ ----- ۴. سر غیبت به نحو کامل معلوم نیست و فقط خدا می داند

فصل هفتم: اهمیت وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت ----- ۱۶۹

اشاره ----- ۱۶۹

۱. فواید عام: ----- ۱۶۹

۲) فواید خاص: ----- ۱۷۰

اشاره ----- ۱۷۰

وجه تشبیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید پشت ابر ----- ۱۷۱

فهرست منابع و مآخذ ----- ۱۷۴

درباره مرکز ----- ۱۸۰

شباهت های امام زمان (عج) با ائمه معصومین علیهم السلام و انبیاء

مشخصات کتاب

سرشناسه : علائی نژاد، امیر بهاء الدین، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور : شباهت های امام زمان (عج) با ائمه معصومین (ع) و انبیاء / مولف امیر بهاء الدین علائی نژاد [به سفارش] مجمع جهانی شیعه شناسی.

مشخصات نشر : قم: دارالتهدیب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۷۵ ص.

شابک : ۱۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۱۵-۴-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - فضایل

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Virtues : موضوع

موضوع : پیامبران

Prophets : موضوع

موضوع : ائمه اثنا عشر

موضوع : (Imams (Shiites

موضوع : مهدویت

Mahdism : موضوع

شناسه افزوده : مجمع جهانی شیعه شناسی

شناسه افزوده : The World Center for Shite Studies

رده بندی کنگره : BP۵۱/ع۷۳ش ۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۴۷۰۳۵

ص: ۱

اشاره

فصل اول: ۱۰

فرمایشات معصومین علیه السلام درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰

مقدمه ناشر ۱۱

چند روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله درباره ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲

مختصری از معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از روایات ۱۵

فصل دوم: ۲۷

برخی از صفات و ویژگی های ائمه اطهار علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۷

۱- واجب الاطاعه بودن امامان در آیات و روایات ۲۸

۲- عصمت ۳۱

۳- علم امام: ۳۳

۴- ولایت تکوینی و تشریحی: ۳۳

۵- اهل ذکر ۳۳

۶- نشانه های هدایت ۳۴

۷- صراط مستقیم ۳۴

۸- شاهدان و گواهان بر خلق ۳۴

۹- وارثان زمین ۳۵

فصل سوم: ۳۶

ارتباط قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیام امام حسین علیه السلام ۳۶

ص: ۵

دعای ندبه و یاد امام حسین علیه السّلام ۳۷

زیارت عاشورا و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۸

اهداف مشترک ۴۰

الف) اصلاح گری ۴۱

ب) ضرورت نبرد با باطل ۴۵

نیروها و ویژگی های آنان: ۴۹

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۱

۲. نقش زنان ۵۴

۳. فرشتگان یاور امام حسین علیه السّلام، یاوران حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۵

کوفه پایگاه مشترک ۵۶

قیام در روز عاشورا ۵۷

طلب یاری ۵۸

فصل چهارم: ۵۹

شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران ۵۹

شباهت به نوح علیه السّلام ۶۲

شباهت به ادریس علیه السّلام ۶۴

شباهت به ادریس علیه السّلام ۶۶

شباهت به هود علیه السّلام ۶۷

شباهت به صالح علیه السّلام ۶۹

شباهت به ابراهیم علیه السّلام ۷۲

شباھت به اسماعیل علیہ السلام ۷۸

شباھت به یوسف علیہ السلام ۸۰

ص: ۶

شباھت به خضر عليه السلام ۸۲

شباھت به ذو القرنين عليه السلام ۹۰

شباھت به موسى عليه السلام ۹۲

شباھت به هارون عليه السلام ۱۰۰

شباھت به حزقيل عليه السلام ۱۰۱

شباھت به داود عليه السلام ۱۰۴

شباھت به سليمان عليه السلام ۱۰۶

شباھت به يونس عليه السلام ۱۰۸

شباھت به يحيى عليه السلام ۱۰۸

شباھت به عيسى عليه السلام ۱۰۹

شباھت به خاتم النبيين صلى الله عليه وآله ۱۱۰

فصل پنجم: ۱۱۲

حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف خونخواه امام حسين عليه السلام ۱۱۲

طول عمر امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف ۱۱۶

فرمايش امام حسين عليه السلام درباره حضرت ولي عصر ۱۱۶

غيبت انبياء عليه السلام ۱۱۹

غيبت حضرت هود عليه السلام ۱۱۹

غيبت حضرت صالح عليه السلام ۱۱۹

غيبت حضرت ابراهيم عليه السلام ۱۲۱

غيبت حضرت يوسف عليه السلام ۱۲۲

غيت حضرت موسى عليه السلام ١٢٤

غيت حضرت دانيال عليه السلام ١٢٤

ص: ٧

غیبت حضرت عیسی علیه السّلام ۱۲۶

غیبت کبرای حضرت عیسی علیه السّلام ۱۲۷

نظر مسیحیت درباره عروج حضرت عیسی علیه السّلام ۱۲۸

عروج عیسی علیه السّلام از نظر قرآن و روایات ۱۲۹

نتیجه گیری ۱۳۳

اشتراک های غیبت انبیا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۳

اشتراک های غیبت حضرت هود علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۳

اشتراک های غیبت حضرت ابراهیم علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۴

اشتراک های غیبت حضرت موسی با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۸

اشتراک های غیبت حضرت خضر علیه السّلام با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۰

اشتراک های غیبت حضرت دانیال علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۱

اشتراک های غیبت حضرت الیاس علیه السّلام با غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۱

اشتراک غیبت حضرت یونس علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۲

اشتراک غیبت حضرت عیسی علیه السّلام با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۳

اشتراک های غیبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با غیبت امام حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۴

فصل ششم: ۱۴۵

فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۴۵

۱- امتحان مردم ۱۴۶

۲- تحت بیعت هیچ حاکمی نباشد ۱۴۶

۳. خالی شدن صلب های کافران از مؤمنان ۱۴۷

۴. سرّ غیبت به نحو کامل معلوم نیست و فقط خدا می داند ۱۴۷

فصل هفتم: ۱۴۹

ص: ۸

اهمیت وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت ۱۴۹

۱. فواید عام: ۱۵۰

۲) فواید خاص: ۱۵۱

وجه تشبیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید پشت ابر ۱۵۲

فهرست منابع و مآخذ ۱۵۵

ص: ۹

فصل اول: فرمایشات معصومین علیه السّلام درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص: ۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

السلام عليك يا صاحب العصر و الزمان ، السلام عليك يا بقيه الله الأعظم ،

عقول بشر در آسمان امامت راه یافتی ندارد، متفکران و پژوهش گران در معرفت و شناخت امامان عاجزند، علی رغم تألیفات و مقالات فراوان درباره شخصیت و عظمت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنوز هزاران مطلب ناگفته و نامکشوف درباره ابعاد وجود ملکوتی امام عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد به گونه ای که اگر تمام نویسندگان درباره امام مطلب بنویسند، شاید نتوان حق مطلب ادا شود.

صفات و مناقب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث ائمه علیه السلام علیه السلام همیشه افکار و قلم پژوهشگران را در طول تاریخ به خود مشغول کرده، سخن گفتن درباره مقامات آسمانی امام، بدون شاگردی در مکتب مقدس اسلام امکان ندارد.

شناخت وجود امام معصوم در حد توان ضروری و لازم می باشد، بدون معرفت ولی خدا شناخت خداوند غیر ممکن خواهد بود.

از مؤلف محترم جناب آقای حجت الاسلام امیر بهاء الدین علائی نژاد و همکاران مجمع جهانی شیعه شناسی در انجام کار کتاب شباهت های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با انبیاء متشکریم و خداوند را سپاس گذاریم که معارف دینی را همواره از رهگذر همت مؤلفان حقیقت جو، یاری رسانده است.

كثُرَ اللهُ امثالهم، جزاهم الله عن الاسلام اجرا، ادام الله ظلهم و دامت افاضاتهم.

و السلام عليكم و على جميع اخواننا المؤمنين في اقطار العالم و رحمه الله و برکاته.

مجمع جهانی شیعه شناسی

چند روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله درباره ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیامبر صلی الله علیه وآله در بستر بیماری بودند که حضرت زهرا علیها السلام وارد شدند، حال پدر را که دیدند، گریه کردند. کم کم صدای گریه ی حضرت زهرا علیها السلام بلند شد. پیامبر صلی الله علیه وآله سرشان را بلند کردند و علت را سؤال نمودند، حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: از تباهی و ضایع شدن دین و عترت بعد از شما می ترسم. اینجا بود که رسول اکرم صلی الله علیه وآله، حضرت زهرا علیها السلام را دل‌داری دادند به اینکه مهدی امت از نسل تو ظهور می کند و ریشه ضلالت و گمراهی را می کند.

روایات زیادی در این رابطه وارد شده است (۱).

که به عنوان نمونه به یکی از آنها اشاره می شود.

«علی بن هلال عن ابیه، قال: دخلت علی رسول الله صلی الله علیه وآله و هو فی المال التي قبض فیها، فإذا فاطمه عند رأسه، فبکت حتی ارتفع صوتها، فرفع رسول الله | الیها رأسه و قال: حبیبتی فاطمه فالذی ینبکیک؟ فقالت: أخشى الضیعه من بعدک، فقال یا حبیبتی! أما علمت إن الله عزوجل اطلع علی اهل الارض اطلاعه فاختر منها اباک فبعثه برسالته، ثم اطلع اطلاعه فأختر منها بعلک و اوحی الی ان انکمک اياه، یا فاطمه او نحن اهل بیتک قد اعطانا الله عزوجل سبع خصال لم یعط احداً قبلاً و لا

ص: ۱۲

۱- . رک: به منتخب الاثر، ص ۸۴، ح ۲ و بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۲۸۸ ح ۱۱۰، روایتی از کفای الاثر از ابوذر نقل می کند. و بحار الانوار، ح ۲۸، ص ۵۲، ح ۲۱ و عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۷۹ از سلمان فارسی (روایت زیبایی است) بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷ ح ۱۴۶، از جابر بن عبدالله انصاری و بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۸، ج ۱۸۴، از عمار، و کشف الغمه ج ۳، ص ۲۸۳ البا التاسع.

يعطى احداً بعدنا: أنا خاتم النبيين و اكرم النبيين على الله عزوجل و احب المخلوقين الى الله عزوجل و انا ابوك؛ وصيبي خير الاوصياء و اجلهم الى الله عزوجل، و هو بعلك و شهيدنا خير الشهداء و اجلهم الى الله عزوجل و هو حمزه بن عبدالمطلب عم ابيك و عم بعلك، و منا من له جناحان يطير في الجنة مع الملائكة حيث يشاء، و هو ابن عم ابيك و اخو بعلك، و سبطا هذه الامه، و هما ابناك الحسن و الحسين و هما سيدا شباب اهل الجنة و ابوهما (و الذي بعثني بالحق) خير منهما. يا فاطمه! و الذي بعثني بالحق ان منهما مهدي هذه الامه، اذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و انقطعت السبل و انحار بعضهم على بعض، فلا كبير يرحم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً فبعث الله عند ذلك منهما من يفتح حصون الضلالة و قلوبا غلفا(1).

راوی می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بودند، حضرت فاطمه علیها السلام در کنار سر ایشان مشغول گریه شد که ناگهان صدای ناله اش بلند شد. پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را بلند کرد و فرمود: عزیزم فاطمه! چرا گریه می کنی عرض کرد: پس از شما، از ضایع شدن [دین] می ترسم. فرمود: محبوبه من! آیا نمی دانی که خداوند عزوجل نظری بر اهل زمین کرد و مرا از میان آنها انتخاب نمود و مبعوث کرد؛ در مرتبه دوم که نظر کرد، از بین آنها شوهر تو را انتخاب کرد و به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم. ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت به ما داده، که به احدی قبل از ما نداده و بعد از ما نیز به احدی نخواهد داد؛ من خاتم پیامبران و کریم ترین آنها و محبوب ترین خلق نزد خداوند هستم، و من پدر تو هستم! و وصی من بهترین اوصیاء و

ص: ۱۳

۱- . کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۷، به نقل از اربعون حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۹ به نقل از کشف الغمه.

محبوب ترین آنها نزد خداوند است، و او شوهر توست. و شهید ما بهترین شهدا و محبوب ترین آنها نزد خداوند است، و آن حمزه، عموی پدر و عموی شوهر تو می باشد، و از ما کسی هست که صاحب دو بال است در بهشت که همراه ملائکه پرواز می کند و او پسر عموی پدر و برادر شوهر تو می باشد؛ و از ما خاندان است دو سبط این امت که آنها دو فرزند تو، حسن و حسین علیه السلام هستند، که سرور جوانان اهل بهشتند، و پدر آنها بهتر از آن دو می باشد. ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به رسالت مبعوث نمود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت از آن دو می باشد؛ آن گاه که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد و آشوب ها آشکار گردد؛ راهها بسته شده و برخی، برخی دیگر را به تاراج برند، نه بزرگی بر کوچکی رحم نماید و نه کوچکی احترام بزرگ تر را رعایت کند؛ در آن هنگام خداوند متعال کسی را بر می انگیزد که دژها و قلعه های گمراهی و دل های بسته شده را فتح می کند.

همچنین همزمان با تولد امام حسین علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام خبر داده می شود که حسینش را شهید خواهند کرد. حضرت زهرا علیها السلام ناراحت و گریان می شوند، اما خبر می آید که منجی امت از ذریه ایشان خواهد بود. در این باب نیز روایاتی وارد شده است،^(۱)

که دو نمونه از آنها ذکر می گردد:

«قال الصادق علیه السلام: دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَيْنَاهُ تَدْمَعُ، فَسَأَلَتْهُ: مَا لَكَ؟ فَقَالَ إِنَّ جِبْرِيْلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا، فَجَزَعَتْ وَشَقَّ عَلَيْهَا، فَأَخْبَرَهَا بَمَنْ يَمْلِكُ مِنْ وَلِيَّهَا؛ فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَسَكَتَتْ.»^(۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت فاطمه علیها السلام وارد بر پیامبر صلی الله علیه و آله شدند، دیدند اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری است. سؤال کردند: علت گریه چیست؟ پیامبر فرمودند: جبرئیل به من خبر داد که امت من حسین را می کشند. حضرت زهرا علیها السلام هم شروع به گریه و ناله کرده و این سخن بر ایشان سخت آمد، تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله به او خبر دادند که یکی از فرزندان ایشان

ص: ۱۴

۱- برای تحقیق بیشتر به کتاب کامل الزیارات باب ۱۶، و بحار الانوار ج ۴۳ و ج ۴۴ ص ۲۳۱ مراجعه شود.

۲- منتخب کامل الزیارات، ص ۳۹ و کامل الزیارات باب ۱۶، ح ۱۸، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۴.

[برجهان] تسلط پیدا می کند [و عدل و داد را بر پا می کند و انتقام خون امام حسین علیه السّلام را می گیرد]. آن حضرت خوشحال شدند و سکوت نمودند.

در روایت دیگری امام صادق علیه السّلام می فرمایند:

انّ جبرئیل علیه السّلام نزل علی محمد صلی الله علیه وآله تقتله امتک من بعدک... و یشرک أنه جاعل فی ذرّته الامامه و الولاية و الوصیه، ثم ارسل الی فاطمه علیها السّلام: انّ الله یشترنی بمولود یولد منک تقتله اُمتی من بعدی...: إنّ الله عزّوجلّ جاعل فی ذرّته الامامه و الولاية و الوصیه.

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام می رساند و شما را به فرزندی بشارت می دهد که از فاطمه علیها السّلام متولد می شود، اما امت تو، بعد از تو، او را می کشند... و به تو بشارت می دهد که در فرزندان او امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهم، سپس کسی را نزد فاطمه علیها السّلام فرستاد که: خداوند مرا بشارت داده به فرزندی که از تو متولد می شود، ولی امت من بعد از من او را می کشند... و خداوند در فرزندان او امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهد؛

مختصری از معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از روایات

اشاره

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقیمانده و ادامه ی همه انبیای الهی.

حضرت حکیمه خاتون در ضمن نقل حدیث شب تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: ایشان را خدمت امام عسکری علیه السّلام آوردم؛ امام عسکری علیه السّلام فرمود:

سخن بگو ای حجه الله و بقیه الأنبياء و نور الأصفیاء و غوث الفقراء و خاتم الاوصیاء و نور الأتقیاء...، ای حجت خدا و باقیمانده انبیاء و نور برگزیدگان و پناه نیازمندان و پایان دهنده اوصیاء و نور پرهیزگاران صحبت کن، پس امام زمان

فرمود: اشهد ان لا اله الا الله و... (۱)

بنابراین طبق فرمایش امام عسکری علیه السّلام، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه باقیمانده انبیاء هستند.

ص: ۱۵

خدای تعالی از ابتدا علم همه چیز را به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف داده است:

قال عليه السّلام: حين سقط من بطن امه جاثياً على ركبتيه رافعاً سبابيه الى السماء ثم عطس فقال عليه السّلام: الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد واله زعمت الظلمه ان حجه الله داحضه، ولو اذن لنا في الكلام لزال الشك. (۱)

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقیمانده برگزیدگان و عترت پیامبر است.

در زیارتی که بعد از نماز استغاثه به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، عرض می کنیم:

«سلام الله الكامل التام الشامل العام... علی... سلاله النبوه و بقیه العتره و الصفوه صاحب الزمان» (۲)

سلام کامل و تمام و ... بر سلاله پیامبر و باقیمانده عترت و برگزیدگان، حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بقیه الله است.

روایات زیادی داریم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بقیه الله است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) عمران بن داهی می گوید: مردی به امام صادق علیه السّلام عرض کرد:

«لنسلم علی القائم بامرہ مؤمنین به قال: لا. ذالک اسم سماه الله امیر المؤمنین، لایسمی به احد قبله و لا بعده الا کافر، قال: کیف نسلم علیه؟ قال: نقول، السلام علیک یا بقیه الله، ثم قرأ علیه السّلام «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»» (۳)

ص: ۱۶

۱- . کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۳، باب ۴۶، ذیل ۱.

۲- . بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۴۶. مفاتیح الجنان (استغاثه به حضرت حجه) «علیه السلام».

۳- هود/ ۸۶ و روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۱۰ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲ و ح ۱۶۵ به نقل از منتخب الاثر ص ۵۱۷.

آیا می توانیم به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امیرالمؤمنین درود بفرستیم و بگوییم «السلام علیک یا امیرالمؤمنین»؟ حضرت فرمودند: خیر! آن اسم مخصوص امیر مؤمنان علی علیه السلام است که خداوند او را به این نام نامیده است. هرگز کسی را جز او نمی توان به این نام نامید. هر کس به این نام نامیده شود؛ چه قبل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد، چه بعدش، کافر است.

عرض نمود: پس چگونه بر آن حضرت سلام کنیم؟ فرمود: بگو: «السلام علیک یا بقیه الله»، سلام بر شما ای باقیمانده خدا.

سپس امام صادق علیه السلام آیه ۸۶ سوره هود را تلاوت فرمودند که: «باقیمانده الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید».

ب) احمد بن اسحاق روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند به این مضمون که: خدای تبارک و تعالی از روزی که آدم را آفرید، تا روزی که قیامت به پا شود، زمین را خالی از حجت نگذاشته و نمی گذارد؛ بلکه همواره حجت خدا در روی زمین وجود خواهد داشت که خداوند بوسیله او بلاها را از اهل زمین دفع می کند و به برکت او باران می فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می نماید.

گفتم: پس امام بعد از شما کیست؟ (امام بدون اینکه جوابی بدهد)، با شتاب از جای برخاسته و داخل اطاقی شدند، در هنگام بیرون آمدن کودکی را بر دوش خود آوردند که صورتش چون ماه شب چهارده می درخشید و تقریباً سه ساله بود؛ آنگاه خطاب به من فرمود: اگر منزلت تو در پیش حضرت احدیت و حجت های پروردگار نبود، پسر من را به تو نشان نمی دادم. عرضه داشتم: آیا علامتی هست که من بیشتر مطمئن شوم و دلم آرامش پذیرد؛ پس ناگهان حجت خدا با زبان فصیح و آشکار فرمود: انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه و لا تطلب اثرا بعد عین یا احمد بن اسحاق....^(۱)

یعنی: من تنها بازمانده خدا در زمین هستم و از دشمنان خدا انتقام می گیرم.

ای احمد بن اسحاق! پس از دیدن، دیگر نشانه نخواه.

پ) از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که حضرت در ترسیم روز پر شکوه ظهور می فرمایند: اول ما نطق به هذه الایه: {بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ}، ثم يقول: انا بقیه الله و

ص: ۱۷

حجته و خليفته عليكم؛ فلا يسلم عليه مسلم الا يقول: السلام عليك يا بقيه الله في ارضه. (۱)

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف نخستين چیزی که به زبان می آورند، این آیه شریفه است: باقیمانده الهی برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، سپس می فرمایند: بقیه الله من هستم؛ من حجت الهی و خلیفه الهی بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی در روی زمین بر ایشان سلام نمی کند مگر به این عبارت که: سلام بر شما ای بقیه الله در زمین خدا!

ت) امام هادی علیه السلام در ضمن بیان اوصاف امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف می فرمایند: هو الذي يجمع الكلم و يتم النعم و يحق الله به الحق و يزهد الباطل و هو مهديكم و المنتظر ثم قرأ: «بقية الله خير لكم» و قال: هو و الله بقيه الله (۲) او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند و نعمتها را کامل می سازد. خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد، او مهدی شما و منتظر است. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «بقية الله خير لكم» سپس فرمودند: به خدا سوگند! او بقیه الله است.

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، سيد الخلق است.

عن الحسن بن شاذان الواسطي قال: كتبت أبي الحسن الرضا عليه السلام: اشكو جفاً اهل واسط و حملهم علي، و كانت عصابه من العثمانيه تؤذيني؛ فوق بخطه: إن الله تبارك و تعالى اخذ ميثاق اوليائنا على الصبر في دوله الباطل؛ فاصبر لحكم ربك. فوقد قام سيد الخلق قالوا: «يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون». (۳)

ص: ۱۸

۱- همان.

۲- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۸۵ به نقل از دوازده منبع. نجم الثاقب، ص ۴۰.

۳- ۸۲ / یس / فروع کافی، ط دار الاضواء ج ۸، ص ۲۰۷، ح ۳۴۶.

حسن بن شاذان می گوید: نامه ای نوشتم خدمت امام رضاعلیه السّلام و از جفا و یورش و اذیت اهلِ واسط که جمعی از عثمانیان بودند، بر خود شکایت کردم. حضرت رضاعلیه السّلام به خط مبارک جواب فرمودند:

خداوند از دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کنند؛ تو هم صبر کن (نگران نباش)، وقتی که سید الخلق (یعنی آقای مخلوقات) قیام کند، دشمنان می گویند: «وای بر ما! چه کسی ما را از قبورمان مبعوث کرده؟ این همان است که خداوند وعده داده بود و فرستادگان الهی راست می گفتند.

مرحوم علامه مجلسی می گوید: مراد از سید الخلق، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس دشمنان اهل بیت علیه السّلام در آن زمان رجعت می کنند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند. پس دشمنان می گویند: «یا ویلنا..(۱).

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارک هستند.

در ضمن لقب هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن حضرت شمرده اند، همین لقب مبارک است.(۲)

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن بیاناتی که آخر الزّمان را ترسیم می کنند، می فرمایند: «لا یزال ذلک البلاد علی اهل ذلک الزمان، حتی إذا یسوا و قنطوا و اسأوا و الظنّ الّما یفرّج عنهم؛ إذا بعث الله رجلاً من اطایب عترتی و ابرار ذرّیتی عدلاً مبارکاً زکياً».(۳)

این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود تا هنگامی که مأیوس و ناامید شوند و تصوّر کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری نخواهد فرمود؛ آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاک ترین عترت من بر می انگیزد که سرا پا عدل و برکت و پاکی است.

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محدّث(۴) است.

ص: ۱۹

۱- .مراه العقول، ط دار الکتب ج ۲۶، ص ۲۱۷.

۲- .در شباهت سوم، گذشت.

۳- .روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۵، به نقل از الملاح و الفتن ص ۱۰۸.

۴- .محدّث؛ یعنی کسی که از جانب خداوند، خبرهای تازه به او داده می شود. (محقق)

در این زمینه دو دسته روایات داریم؛ یک دسته از آنها به طور عموم دلالت می کند که کل ائمه (ع) محدث هستند و دسته دیگر روایاتی است که دلالت می کند حضرت مهدی محدث است.

الف) روایات عام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مِنْ وَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَقِيْبًا، نَجَبَاءَ مَحْدَثُوْنَ مُفَهَّمُوْنَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دوازده نقیب از اولاد من هستند که همه شان نجیب، محدث و صاحب فهم هستند که آخرین آنها قائم به حق است.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَحْدَثًا، السَّابِعِ مِنْ وَلَدِي الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ». (۲)

دوازده محدث از ماست؛ که هفتمین فرزند من، همان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

امام جواد علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند که حضرتش به ابن عباس فرمود: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَأَنَّ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَوَلَاةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

فقال ابن عباس: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: «أَنَا وَاحِدٌ عَشْرٌ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةٌ مَحْدَثُونَ». (۳)

حضرت علی علیه السلام به ابن عباس فرمودند: شب قدر در هر سال هست و در آن شب امور سال نازل می شود؛ و برای این برنامه، والیانی بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: من و یازده فرزند من، که همه پیشوا و محدث هستیم.

در روایتی امام صادق علیه السلام تفسیر آیه (تنزل الملائكة و الروح فيها...) (۴)

را این گونه بیان می فرمایند: «أَيُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّهِمْ عَلِيُّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ». (۵)

ص: ۲۰

۱- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۴ به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴.

۲- همان، ص ۸۸ به نقل از کشف الغم، ج ۳، ص ۲۹۷.

۳- اصول کافی، باب ماجا فی الاثنی عشر و النصر علیهم، ح ۱۱.

۴- سوره قدر.

۵- تفسیر برهان، ذیل آیه، ح ۲۰ و ح ۲۳.

یعنی ملائکه و روح از جانب خداوند بر محمد و آل محمد علیها السلام نازل می شوند.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا شما شب قدر را می شناسید؟ فقال: و کیف لا نعرف و الملائکه یطوفون بنا فیها. (۱)

چگونه شب قدر را نشناسیم؛ در حالی که ملائکه در آن شب در اطراف ما طواف می کنند.

ب) روایات خاص:

امام رضا علیه السلام ضمن برشمردن صفات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

يكون اعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و احلم الناس و اسخن الناس و اعبد الناس.... و یری من خلفه كما یری من بین یدیه و لا یكون له ظل... و تنام عینا، و لا ینام قلبه و یكون محدثاً. (۲)

او داناترین مردمان، حکیم ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین مردم است؛ که پشت سرش را می بیند، همان گونه که پیش رویش را می بیند؛ سایه ندارد، دیدگانش در خواب فرو می رود، ولی دلش همیشه بیدار است و از جانب خدا خبر داده می شود.

امام جواد علیه السلام در ضمن بیان سیره آن حضرت می فرمایند:

«ثم یدخل الکوفه فیقتل فقاتلیها، حتی یرضی الله عزوجل... ثم قلت: و ما یدریه، جعلت فداک منی یرضی الله - عزوجل؟ قال: یا ابا الجارود! ان الله اوحى الى أم موسى و هو خیر من أم موسى و اوحى الله الى النحل و هو خیر من النمل». (۳)

او وارد کوفه می شود و جنگ کنندگان را می کشد، تا خداوند راضی شود...، عرض کردم: چگونه متوجه می شوند که خداوند راضی شد؟ حضرت فرمود: خداوند به مادر موسی (۴) وحی کرد؛ در حالی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهتر از مادر موسی است.

ص: ۲۱

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲ به نقل از الزام الناصب، ص ۹.

۳- حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۰۰.

۴- قصص، ۷، و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه.

امام جواد علیه السلام با استشهاد به این آیه از قرآن می خواهند بفرمایند که: خداوند به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، وحی می فرماید.

۷. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ستاره درخشان هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن بیان مشاهدات خود در معراج می فرمایند: خداوند انوار ائمه اثنی عشر را به من نشان داد و فرمود:

يَا مُحَمَّدُ ارْفَعْ رَأْسَكَ فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَجَّهِ يَتَلَأَلُ مِنْ بَيْنِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَقُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هَذَا قَالَ يَا مُحَمَّدُ هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِكَ الْمُطَهَّرُونَ مِنْ صُلبِكَ وَ هَذَا الْحَجَّةُ الَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ. (۱)

ای محمد! سرت را بالا بیاور، وقتی بالا را نگاه کردم، نور علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن الحججه را دیدم که ایشان (حجه بن الحسن) در بین آنها مانند ستاره درخشان می درخشید. پس عرض کردم: خدایا! اینها چه کسانی هستند و این نور چه کسی است؟ خطاب شد: ای محمد! اینها امامان بعد از تو، از صلب تو هستند که پاک و مطهرند؛ و این شخص که می درخشد، حجتی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند و دلهای مؤمنین را آرامش می دهد.

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منصور است.

خدای تعالی همه امکانات را در اختیار امام عصر ارواحنا فداه قرار داده است و با قدرت خودش آن حضرت را یاری نموده است تا آنچه خواست خداست به وسیله ایشان به وقوع

ص: ۲۲

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۲ شبیه این روایت، در عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۴۷.

بپیوندد، و در زمان ظهور با یاری خدای تعالی هر چیزی را در جایگاه خودش قرار دهد و ستمگران را به سزای اعمالشان برساند و مؤمنین و متقین را وارثان زمین قرار دهد.

در زیارت عاشورا می خوانیم: فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک أن یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمدصلی الله علیه وآله. (۱)

از خداوند می خواهیم که به ما توفیق بدهد در کنار امام منصور (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) خون خواهی امام حسین علیه السلام را بکنیم.

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید: القائم منا، منصورٌ بالزَّعب، مؤیدٌ بالنصر. (۲)

حضرت قائم از ما، یاری شده به وسیله ترس (در دل دشمنان) و تأیید شده به وسیله یاری است.

و بالاخره در دعای ندبه می خوانیم: این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری. (۳)

کجاست آن کسی که یاری شده است بر علیه کسی که نسبت به او تعدی کرده و افترا بسته است؟

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صابر هستند.

در حدیث لوح آمده است که: علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب. (۴) امام عصر ارواحنا فداه دارای کمال حضرت موسی و بهاء حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب هستند.

مؤید این مطلب آن است که یکی از فقهاء و مراجع بزرگوار نقل می کرد که: یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیراً در عالم رؤیا خدمت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده؛ نوشته ای را روی سینه مبارک آن حضرت دیده، که روی آن نوشته شده بود: انا صابرٌ علی هذا الامر و لکن أندبونی، أندبونی، أندبونی.

من بر این امر [غیبت] صبر می کنم؛ و لکن بر من ندبه نمایند و بلند بلند بر من گریه کنید. بلند بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید. (۵)

ص: ۲۳

۱- . مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۲- . روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۷۸ به نقل از کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴، و ده منبع دیگر.

۳- . مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۴- . کمال الدین، ب ۲۸، ذیل، ح ۱.

۵- . مطلع الفجر، ص ۱۸۲، به نقل از راهی به سوی نور، ص ۱۸۰.

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نور آل محمد علیها السلام هستند.

سید بن طاووس می گوید: از مهمات بعد از نماز ظهر، آن است که همانند امام صادق علیه السّلام برای حضرت مهدی دعا کنیم.

راوی می گوید: بعد از تمام شدن دعای حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: ایس قد دعوت لنفسک جعلت فداک، آیا این چنین نیست که برای خودتان دعا کردید؟ حضرت فرمودند: دعوت نور آل محمد و سائقهم و المنتقم بأمر الله من اعدائهم... (۱)

(خیر) دعا کردم برای نور آل محمد علیها السلام و پیش برنده ی آنها و انتقام گیرنده از دشمنانشان به دستور خدا.

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فریادرس هستند.

در زیارت آل یاسین می خوانیم: السلام علیک ایها العَلَمُ المنصوب و العِلْمُ المَصبوب والغوث و الرحمه الواسعه. (۲)

سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش ریزان و پناه و رحمت واسعه حق!

در دعای فرج عرض می کنیم: الهی عظم البلاء و برح الخفاء... یا مولای یا صاحب الزّمان الغوث الغوث الغوث، (۳)

ای مولا و آقای من! ای صاحب الزّمان! به فریادرس، به فریادرس، به فریادرس!

و در عریضه ای که خدمت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسیم، آمده است: کنت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا... فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک. (۴)

یعنی: من ای مولایم (که صلوات خدا بر شما باد)، پناهنده به شما هستم، پس ای مولای من! (که صلوات خدا بر شما باد)، به فریاد من برس!

توجه: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: و هو غیاث و کھف لمن استغاث به، او فریادرس و پناه هر کسی است که به او پناه ببرد و فریادرسی بخواهد، نفرمود فقط غیاث شیعیان و محبین است؛ بلکه

ص: ۲۴

۱- . فلاح المسائل، ط دفتر تبلیغات، ص ۱۱۷ و ط دفتر تبلیغات با تحقیق، ص ۳۰۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱. توفیق ۵ به نقل از احتجاج. مفاتیح الجنان.

۳- . مفاتیح الجنان، دعای فرج حضرت حجت.

۴- . منتهی الآمال، آخر فصل ششم.

غیاث همه است. چه بسیار کسانی که شیعه نبودند، اما وقتی به حضرتش استغاثه کردند، حضرت به فریاد آنها رسید که در این مورد قضایای بسیاری نقل شده و یکی از آنها را ذکر می کنیم:

عالم فاضل ربّانی، میرزا حسین نوری، نقل می کند که: دانشمند بزرگوار شیخ علی رشتی، از شاگردان استاد اعظم میرزای شیرازی می گوید: در یکی از سفرها که از زیارت امام حسین علیه السلام به سوی نجف اشرف از راه فرات بازمی گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا- و طویرج بود، سوار شدم. مسافران که اهل حله بودند به بازیگری و مزاح مشغول شدند؛ جز یک نفر که هر چند با آنها هم غذا و همسفر بود و بر مذهب او خرده می گرفتند و او را سرزنش می کردند، با کمال متانت نشسته بود و هیچ شوخی نمی کرد. از این وضع در تعجب بودم، تا اینکه به جایی رسیدیم که آب کم بود و به ناچار پیاده شدیم. در کنار نهر که می رفتیم، از او پرسیدم: چرا از آنها کناره گیری می کنی و آنها بر مذهب تو خرده می گیرند؟ گفت: اینها از عامه و خویشاوند من هستند؛ پدرم نیز از ایشان است؛ ولی مادرم از اهل ایمان است. من نیز مذهب آنها را داشتم ولی به برکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعه شدم.

از چگونگی شیعه شدن او سؤال کردم؟ جواب داد: اسم من یاقوت و شغل من روغن فروشی است. در یکی از سالها برای خریدن روغن از شهر حله بیرون رفتم تا از صحرا نشینان روغن بخرم. تا آن مقدار که می خواستم خریدم و به اتفاق عده ای از اهالی حله باز گشتم و در یکی از منزلگاهها فرود آمدیم و خوابیدم. وقتی بیدار شدم، دیدم همه رفته اند و من در صحرای بی آب و علفی که درندگان زیادی داشت، تنها مانده ام، به راه افتادم ولی راه را گم کردم و متحیر ماندم و از طرف دیگر از تشنگی و درندگان ترسان شدم. در آن حال به خلفا و مشایخ استغاثه کردم و از آنها کمک و شفاعت خواستم تا خداوند فرجی برایم برساند ولی نتیجه ای نداد.

با خود گفتم: از مادرم شنیده ام که می گفت: ما امام زنده ای داریم که کنیه اش ابوالصالح است؛ «یرشد الضّالّ و یغیث الملهوف و یعین الضعیف»، به فریاد گم شدگان می رسد و درماندگان را پناه می دهد و ضعیفان را کمک و یاری می کند. با خداوند پیمان بستم که به او استغاثه می کنم؛ اگر نجاتم داد، به مذهب مادرم درمی آیم. پس او را صدا کردم و به او پناه بردم. ناگهان در کنار خود کسی را دیدم که عمامه سبزی بر سر داشت و همراه من راه می رفت. به من دستور داد که به مذهب مادرم درآیم و کلماتی فرمود؛ و به من فرمود: به زودی به آبادی می رسی که آنجا همه

شیعه هستند. گفتم: ای آقای من! شما با من به آن آبادی نمی آید؟ فرمودند: نه «لانه استغاث بی الف نفس فی اطراف البلاد اُرید ان اُغیثهم»، چون هزار نفر در اطراف بلاد به من پناهنده شده اند؛ می خواهم به فریاد آنان برسم. یکباره از نظرم غایب شد. کمی راه رفتم و به آبادی رسیدم؛ در صورتی که مسافت زیادی تا آنجا بود که همسفرهایم روز بعد به آنجا رسیدند. از آنجا به حلّه برگشتم و به نزد سید الفقهاء سید مهدی قزوینی رفتم و جریان را به او گفتم. او احکام و مسائل مذهب شیعه را به من آموخت. از او سؤال کردم: چه عملی انجام دهم که بار دیگر خدمت آن حضرت برسم؟ گفت: چهل شب جمعه به زیارت امام حسین علیه السّلام برو. من هم شبهای جمعه به زیارت قبر آن حضرت می رفتم. در شب جمعه سی و نهم، وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم، مأمورین ظالم از مردم گذرنامه می خواستند و خیلی سخت می گرفتند، من هم که نه گذرنامه داشتم و نه قیمت آن را، چند بار خواستم به طور قاچاقی از میان جمعیت وارد شوم؛ ولی نشد. در همین اثناء حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که داخل شهر است، به او استغاثه کردم و کمک خواستم. بیرون آمد و مرا همراه خود از دروازه داخل شهر کرد و کسی مرا ندید.

وقتی وارد شهر شدیم، یکباره دیگر او را ندیدم و با حسرت و تأسف در فراقش ماندم. (۱)

ص: ۲۶

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۹۲ و مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۷، به نقل از جنّة المأوی، ص ۲۹۲.

فصل دوم: برخی از صفات و ویژگی های ائمه اطهار علیه السلام و امام عصر

اشاره

ص: ۲۷

اشاره

همان طور که می دانیم؛ امامت، خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، در نگهداری دین و حفظ حوزه مسلمین است تا از طرف خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم را راهنمایی کرده و آنها را به مقصد مطلوب برساند. این مطلب به وضوح در آیات و روایات بیان گردیده است که اجمالاً به آنها اشاره می شود:

آیه اولوالامر:

اشاره

یک دلیل بر امامت آن بزرگواران از نظر قرآن، آیه زیر است:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} (۱)

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و پیامبر و اولوالامر از میان خودتان را اطاعت کنید.

در این آیه، اطاعت از پیامبر به اطاعت از خداوند عزوجل عطف گردیده و اطاعت از اولی الامر به اطاعت از پیامبر، و هیچگونه قیدی هم به کار نرفته تا اطاعت به مورد خاصی معطوف گردد، بلکه امر به اطاعت بی چون و چرا از طرف خداوند نسبت به اولی الامر شده است و این نشان دهنده این است که خدای تعالی از مؤمنین می خواهد تا همان گونه که در تمام امور موظف به اطاعت از خداوند و رسولش می باشند، از اولی الامر که طبق تفاسیر؛ منظور انوار مقدسه ائمه اطهار علیه السلام هستند، چنین اطاعت و پیروی در تمام امور داشته باشند.

روایاتی که منظور از اولوالامر در آنها بیان گردیده است:

روایت اول:

جابر بن عبدالله انصاری در توضیح آیه شریفه فوق می گوید: «وقتی این آیه شریفه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناختیم، اولوالامر که خداوند اطاعتشان را همراه اطاعت شما قرار داده، چه کسانی هستند؟ فرمود: ای جابر! آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمین پس از من هستند، اول ایشان علی بن ابیطالب است و پس از وی حسن و حسین و

ص: ۲۸

علی بن الحسین علیه السلام و فرزند علی، محمد که در تورات به باقر معروف است و تو او را خواهی دید. وقتی دیدی سلام مرا به او برسان. سپس صادق، جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و بعد، هم نام و هم کینه من که حجت خدا و باقیمانده ی او در روی زمین و نزد بندگان است و فرزند حسن بن علی، که خدا به دست او مشرق و مغرب زمین را خواهد گشود و کسی است که از شیعیان و دوستان خود پنهان خواهد شد، به امامت وی کسی پابرجا نخواهد ماند مگر آن کسی که خدا قلبش را به ایمان آزموده باشد.

جابر می گوید: پرسیدم: یا رسول الله! آیا شیعه در غیبت او از وی استفاده خواهند برد؟ فرمود: آری! سوگند به کسی که مرا به پیامبری فرستاده، از نور وی روشنایی می گیرند و از ولایت وی در غیبتش منتفع می شوند مانند استفاده مردم از خورشید، گرچه ابر آن را پوشانده باشد، ای جابر! این از اسرار مخفی خداوند است و از غیر اهلش پنهان ساز.» (۱)

حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی - صاحب ینابیع الموده - می نویسد: در دوران خلافت عثمان روزی جمعی از مهاجرین و انصار در مسجد نشسته بودند و امیرالمؤمنین علیه السلام در میان آنان بود. هر کس درباره فضائل خود سخن می گفت و آن حضرت ساکت بود. وقتی بیان فضائل آنان به پایان رسید، رو به امام کرده و گفتند:

«یا ابا الحسن تکلم. فقال: یا معشر قریش والانصار اسئلكم ممن اعطاکم الله هذا الفضل، ابانفسکم أو بغيرکم؟ قالوا: اعطانا الله ومنّ علينا بمحمدصلی الله علیه وآله...».

ای ابوالحسن! سخن بگو! آن حضرت فرمود: ای گروه قریش و انصار، از شما می پرسم این فضائل را خداوند به سبب خودتان به شما داده است یا به واسطه دیگری؟ گفتند: خداوند به واسطه محمدصلی الله علیه وآله بر ما منت نهاد و این فضائل را به ما عطا کرد.

سپس حضرت بخشی از آیاتی را که درباره خودش نازل شده بود، بیان می کند و از آنان اقرار می گیرد که این آیات درباره او نازل شده است.

ص: ۲۹

۱- . تفسیر المیزان، ترجمه (محمدرضا صالحی کرمانی و سید محمد خامنه ای).

آن گاه فرمود: «أنشدكم بالله اتعلمون حيث نزلت اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم و... امر الله عزوجل نبيه ان يعلمهم ولاة امرهم وان يفسر لهم من الولاية كما فسر لهم من صلاتهم وزكاتهم وحجهم، فنصبتى للناس بغدير خم.» (۱)

شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید هنگامی که آیه «اولی الامر...» و آیات دیگر نازل شد خداوند پیامبرش را مأمور کرد که متولیان امور امت را به آنان معرفی کند و ولایت را برای امت توضیح دهد، همان طور که نماز، زکات و حج آنان را برای آنان شرح داده است. به دنبال این مسائل رسول خداصلی الله علیه و آله در غدیر خم مرا به امامت مردم نصب کرده است.

محدث حافظ ابراهیم بن محمد جوینی مؤلف کتاب فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول والسبطين همین جریان را با تفصیل بیشتری نقل کرده و می‌نویسد: در دوران خلافت عثمان روزی در مسجد میان انصار و مهاجرین درباره فضائل هر یک بحث آغاز شد. در این مناظره که حدود دویست تن از سران دو گروه حضور داشتند و از صبح تا ظهر به طول انجامید، قریش تمام فضائلی را که از رسول خداصلی الله علیه و آله درباره آنان بیان شده بود یاد کردند. از سران مهاجرین در جلسه افرادی مثل عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، مقداد، ابوذر، هاشم بن عتب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر و... حضور داشتند و پس از آن انصار نیز خدمات خود به اسلام و پیامبر و نقش خود در گسترش اسلام و حمایت از مسلمانان را بیان کردند که از سران گروه انصار نیز افرادی مانند ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابو ایوب انصاری، ابو هیثم بن تیهان، قیس بن سعد بن عباده، جابر بن عبدالله، انس بن مالک، زید بن ارقم و... حضور داشتند که پس از پایان گفت و گو از امام تقاضا کردند تا سخن بگوید. امام نیز پس از ذکر آیاتی از قرآن از جمله آیه «اولی الامر منکم» به حدیثی از رسول خدا اشاره کرد و فرمود:

«قال الناس يا رسول الله خاصة في بعض المؤمنين، ام عامه لجمعهم. فامر الله عزوجل نبيه صلى الله عليه وآله ان يعلمهم ولاة امرهم وان يفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم وزكاتهم وحجهم، فنصبتى للناس بغدير خم.» (۲)

ص: ۳۰

۱- . ینابیع الموده، باب ۳۸، ص ۱۱۴.

۲- . فرائد السمطين، ج ۱، باب ۵۸، ص ۳۱۲.

مردم پرسیدند: ای رسول خداصلی الله علیه وآله آیا این آیات درباره بعضی از مؤمنان نازل شده است، یا این که شامل همه می شود که خداوند رسولش را مأمور کرد تا متولیان امور امت را به آنان بشناساند و ولایت را برای آنان شرح دهد، همان طور که نماز و زکات و حج آنان را شرح داده است؛ پس رسول خداصلی الله علیه وآله مرا در غدیر خم به عنوان امام مردم پس از خود، منصوب کرد.

روزی مردی خدمت امام رسید و از او پرسید:

«اخبرنی بافضل منقبه لک، قال ما انزل الله فی کتابه؟ قال وما انزل الله فیک؟ قال... وقوله اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم و...»^(۱)

برترین امتیاز خود را برای من بگو؟

امام فرمود: برترین امتیازات من چیزهایی است که خداوند در کتابش بیان کرده است.

- : خداوند در کتابش درباره ات چه گفته است؟

امام: خداوند چندین آیه درباره من نازل کرده است که آیه اولی الامر یکی از آنهاست.

«عن الحسين بن ابی العلاء قال ذکرک لابی عبدالله قولنا فی الاوصیاء ان طاعتهم مفترضه قال فقال: نعم هم الذین قال الله تعالی اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم...»^(۲).

حسین بن علاء می گوید: نظر خود را درباره جانشینان پیامبرصلی الله علیه وآله به امام صادق علیه السلام گفتم که اطاعت آنان واجب است.

حضرت فرمود: آری! آنان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است: از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید.

۲- عصمت

از نظر شیعه تنها کسانی صلاحیت دارند زمام رهبری امت را در دست بگیرند و محور دین و دنیای آنان واقع شوند، که از مطلق خطا و گناه محفوظ باشند.^(۳)

ص: ۳۱

۱- . احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲- . همان، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- . معارف اسلامی، (دوره کاردانی تربیت معلم) ص ۸۹.

در قرآن کریم آیات زیادی بر این عقیده یعنی عصمت امامان دلالت می کند که در اینجا تنها به توضیح یک آیه می پردازیم؛
خدای تعالی می فرماید:

«و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما فقال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین» (۱)

هنگامی که خدا حضرت ابراهیم را به وسیله اموری امتحان کرد و او آنها را به اتمام رساند (و از آنها پیروز بیرون آمد)، به او فرمود: تو را امام مردم قرار می دهم. حضرت ابراهیم عرض کرد: از نسل من نیز کسی به امامت می رسد؟ خداوند فرمود: پیمان من (امامت) به ستمگران نمی رسد.

از این آیه استفاده می شود که ظالم به طور کلی به منصب امامت که منصب خدایی است برگزیده نخواهد شد.

اکنون باید دید ظلم در لغت عرب چه معنایی دارد و بر چه شخصی صادق است؟

ظلم (در مقابل عدل)؛ به معنی قرار دادن چیزی در غیر جای اصلی اش می باشد و عدل؛ نهادن چیزی است در جای خودش. اگر کسی طبق نظام آفرینش و قوانین و دستورات الهی عمل کرد، عادل شمرده می شود و گرنه ظالم شناخته می شود، و از نظر قرآن، ظلم بنده یا نسبت به خداست مانند کفر و شرک و نفاق و دروغ بستن به خدا، یا ظلم بر انسانهای دیگر است، یا ظلم انسان نسبت به خودش می باشد. ظلم در قرآن در این سه معنا به کار رفته است، لیکن با دقت بیشتری می توان گفت: در نوع اول و دوم نیز ظلم به نفس صادق است، زیرا در تمام موارد، در واقع انسان بر نفس خودش ستم نموده است.

کسانی که از اول تا آخر عمر معصیت می کنند و یا کسانی که در ابتدا گناه می کنند و نیز کسانی که در اول عمر گناه نمی کنند ولی در آخر دست خود را آلوده می کنند، مصداق ظلمند و مقام امامت شایسته آنان نیست و ائمه اطهار علیهم السلام باید طبق آیه مورد بحث، از هر گونه ظلمی مبرا بوده و معصوم باشند.

ص: ۳۲

امام تمام احکام و قوانین دین را که برای سعادت دنیوی و اخروی مردم ضرورت دارد و نیز آنچه را که دانستن آنها برای ارشاد و هدایت انسانها و اداره ی امور دنیوی و اخروی آنها لازم است باید بداند و از همه قوانین و احکامی که از جانب خدا نازل شده باید با اطلاع باشد. (۱)

روایات متعددی در این باره وارد شده است؛ از جمله:

علی بن ابیطالب علیه السلام در مورد ائمه فرموده اند: «نفایس قرآن نزد اهل بیت است، آنان گنج های علوم خدایی هستند؛ اگر لب به سخن گشایند راست می گویند و اگر سکوت اختیار کنند کسی نمی تواند بر آنان سبقت جوید». (۲)

۴- ولایت تکوینی و تشریحی

امام می تواند در جهان خلقت به اذن خدا دخل و تصرف کند. انواع معجزاتی که از امامان (ع) دیده شده و موارد فراوان آن که در مدارک اصیل و معتبر درج گردیده است، ناشی از همین قدرت ماوراء طبیعی آنهاست. این نوع ولایت را «ولایت تکوینی» می نامند.

همچنین امام از جانب خدا حق قانون گذاری و دخالت در امور مردم را دارد. البته اختیارات امام در این مورد، در محدوده قوانین و احکام الهی است. در مسائل مربوط به زمامداری مسلمین، باید از دستورهای امام که در ارتباط با امور جامعه است اطاعت کرد. از این نوع ولایت امام، به «ولایت تشریحی» تعبیر می شود.

۵- اهل ذکر

در روایات متعددی که از طریق اهل بیت علیه السلام در مورد آیه «فاسئلو اهل الذکر...» (۳) وارد شده، می خوانیم که: «اهل ذکر» امامان علیه السلام هستند؛

الف) امام رضا علیه السلام فرمودند: «ما اهل ذکریم و از ما باید پرسش شود». (۴)

ص: ۳۳

۱- همان، ص ۲۲۴ - ۲۳۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۳- نحل / ۴۲.

۴- تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۱، ص ۲۴۳.

ب) امام باقر علیه السلام فرمودند: ذکر؛ قرآن است و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اهل ذکرند و از آنها باید سؤال شود.

۶- نشانه های هدایت

خدای تعالی در قرآن می فرماید: «و علامات و بالنجم هم یهتدون؛ (در زمین) علاماتی قرار داد و (شب هنگام) آنها بوسیله ستارگان هدایت می شوند».(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ستاره اشاره به پیامبر صلی الله علیه و آله است و «علامات» امامان هستند».(۲) در روایتی؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند: «تو یکی از علامات و نشانه ها هستی».(۳)

۷- صراط مستقیم

خدای تعالی در قرآن می فرماید: «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ؛

و آنان که به آخرت ایمان نمی آورند از راه راست بر می گردند».(۴)

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «خداوند، ما رهبران دینی و الهی را درهای وصول به معرفتش و صراط و طریق و جهتی که از آن به او می رسند قرار داده است، بنابراین کسانی که از ولایت ما منحرف گردند، یا دیگری را بر ما برگزینند، آنها از صراط حق منحرفند».(۵)

۸- شاهدان و گواهان بر خلق

خداوند می فرماید: «و كذلك جعلناكم امة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً... این چنین شما را امت میانه ای قرار دادیم تا گواه بر مردم باشید».(۶) از ائمه علیه السلام

ص: ۳۴

۱- . نحل / ۱۶.

۲- . تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۹.

۳- . تفسیر نمونه ج ۱۱، ص ۱۸۸.

۴- . مؤمنون: ۷۴.

۵- . تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۲۷۸ - ۲۷۹.

۶- . بقره: ۱۴۳.

روایت شده که فرموده اند: «ماییم امت میانه و ماییم گواهان خدا بر خلق و حجت های او در زمین، ماییم گواهان بر مردم. غلو کنندگان باید به سوی ما بازگردند و مقصران باید کوتاهی را رها کرده و به ما ملحق شوند».^(۱)

۹- وارثان زمین

خداوند می فرماید: «قال موسى لقومه استعينوا بالله و اصبروا انّ الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبه للمتقين؛ موسى به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کسی بخواهد واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است».^(۲)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «در کتاب امام علی علیه السلام دیدم که آن حضرت در ذیل این آیه فرموده اند: من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند زمین را به ما به ارث داده و ماییم پرهیزگاران».^(۳)

ص: ۳۵

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۸.

۲- . اعراف / ۱۲۸.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۶، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

اشاره

زمانی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمایند، ما بین رکن و مقام در کنار خانه خدا می ایستند و می فرمایند:

«ألا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛ آگاه باشید ای جهانیان! که منم امام قائم»؛

«ألا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که منم شمشیر انتقام گیرنده»؛

«ألا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که جد من حسین علیه السلام را تشنه کام کشتند»؛

«ألا یا اهل العالم! انّ جدی الحسین طرحوه عریاناً؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که جد من حسین علیه السلام را عریان روی خاک افکندند»؛

«ألا یا اهل العالم! ان جدی الحسین سحقوه عدواناً؛ آگاه باشید ای جهانیان! که جد من حسین علیه السلام را از روی کینه توزی پامال کردند»^(۱)؛

بنابراین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن معرفی وجود مبارکش، خود را منتقم خون امام حسین علیه السلام معرفی می نمایند.

دعای ندبه و یاد امام حسین علیه السلام

یکی از دعا‌های بسیار مهم و با ارزش در میان شیعه، دعای ندبه است که عاشقان حضرت ولی عصر هر صبح جمعه دور هم گرد آمده و با خواندن آن، با حضرتش تجدید عهد و پیمان می کنند. این دعا سندی صحیح دارد^(۲).

و بخش عمده و چشمگیر آن، التجاء به حضرت ولی

ص: ۳۷

۱- الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب ج ۲، ص ۲۸۲ به نقل از پور سید آقایی، مسعود، عاشورا و انتظار، ص ۱۷.

۲- فصلنامه انتظار ۲، ص ۱۸۰.

عصر و تأسف از غیبت و دردمندی از فراق آن بزرگوار است و بخش هایی از این دعا مربوط به جد بزرگوار امام زمان سالار شهیدان است مانند:

«این الحسن؟ این الحسین؟ این ابناء الحسین؟ امام حسن کجاست؟ امام حسین کجاست؟ فرزندان امام حسین کجایند و چه شدند؟» قسمت دیگری از این دعای شریف «أین الطالب بدم المقتول بکربلا؟ کجاست آن طالب خون شهید کربلا؟ می باشد که از حساسیت فوق العاده‌ای برخوردار است.

ندبه کنندگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتظران منتقم آل محمدند تا تقاص خون به ناحق ریخته‌ی فرزند حضرت فاطمه علیها السلام را بگیرد و موجب شادی و بهجت قلب نازنین رسول خداصلی الله علیه وآله شود.

آری! صبح جمعه و دعای سوزان ندبه در فراق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاد سید الشهداء علیه السلام است و چه بسا همین یاد امام حسین علیه السلام، در صدق و صفای دعا کننده اثری ژرف به جای نهد.

زیارت عاشورا و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

زیارت عاشورا که از سوی امام محمد باقر علیه السلام به شیعیان و شیفتگان تعلیم داده شده است مضامین والایی دارد.

در یکی از قسمت های زیارت چنین آمده است: «أن یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله؛ همانا از خداوند می خواهم خونخواهی تو را در کنار امام یاری شدن از خاندان پیامبر | روزیم گرداند». زائر در این فقره، مشارکت در خونخواهی امام حسین علیه السلام بوسیله امام زمان را طلب می کند چرا که مقصود از امام منصور، دوازدهمین پیشوای شیعیان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و علت اینکه او را منصور نامیده اند این است که ایشان در طلب خون جدشان یاری می شوند.

امام محمد باقر علیه السلام در شرح آیه شریفه «من قتل مظلوماً...»^(۱) فرمودند: «سمی المهدی المنصور كما سمی احمد محمداً كما سمی عیسی المسیح»^(۲)

مهدی منصور نامیده شد، همان طوری که احمد به محمد | و عیسی به مسیح علیه السلام نامیده شد. محمد بن مسلم می گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام فرمودند: «قائم، منصور به رعب و مؤید به نصر است»^(۳)

جلوه ای دیگر از ارتباط دو فرزند حضرت زهرا علیها السلام، روز عاشورا است که دل عزاداران باید به عشق ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بتپد و ذکر قیام ابا عبدالله با یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توأم باشد. صالح بن عقبه از پدرش نقل می کند که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «هر کس حسین بن علی علیه السلام را در روز دهم محرم زیارت کند تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، خداوند - تبارک و تعالی - ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد به او عطا کند که ثواب آنها مثل ثواب کسی است که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرين علیه السلام حج و عمره و جهاد کرده باشد. راوی می گوید عرض کردم: فدایت شوم، کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد که در مثل این روز نزد قبر آن حضرت رود، آیا برای او ثوابی است؟

امام علیه السلام فرمود: هر گاه چنین باشد به سوی صحرا یا بر بلندی بام خانه خود رود و به سوی حضرت اشاره کند و سلام دهد و در نفرین بر قاتلان وی جدیت نماید و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند. این کار را در اوایل روز انجام دهد و خود بر امام حسین علیه السلام بگرید و کسانی را که در خانه اش هستند نیز بر گریه آن حضرت وا دارد و یکدیگر را به اینکه در شهادت امام حسین علیه السلام مصیبت زده شده اند، تعزیت گویند و هر گاه چنین کنند، همه آن ثوابها را برای آنان ضامنم، عرض کردم یکدیگر را چگونه تعزیت بگویند؟ حضرت فرمودند: بگویند: «اعظم الله اجرنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را

ص: ۳۹

۱- اسراء / ۳۳.

۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ح ۵۱، ص ۲۸.

۳- همان، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

از کسانی قرار دهد که به همراه ولی (خون) امام حسین علیه السلام، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از آل محمد صلی الله علیه و آله طلب خون آن حضرت کرده و به خونخواهی او برخیزیم. (۱)

اهداف مشترک

اشاره

مقصود از «هدف قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف» چیزی است که آن حضرت برای دست یافتن و تحقق آنها، حرکتی جدی را آغاز خواهد کرد. نمونه هایی از اهداف مقدس به این صورت است که ذکر می کنیم:

احیای اسلام و سنت نبوی و سیره علوی، تأمین قسط و عدل و حاکم ساختن حق و نیروبخشیدن به حق پرستان، آگاه ساختن مسلمانان و افشای ماهیت واقعی جتّاران و تأسیس یک مکتب عالی تربیتی و شخصیت بخشیدن به جامعه، که همه اینها در اندیشه و عمل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران و سربازانش جلوه گر خواهد بود. (۲) اهداف مذکور همان اهداف عاشورا است (۳)، زیرا امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشوایان یک مکتب اند. اما مهم ترین و شاخص ترین هدفی که خلاصه تمام اهداف حضرت مهدی می باشد، نجات انسانها از بردگی فکری و برداشتن زنجیرهای اسارت از آنان است.

امام باقر علیه السلام نیز می فرمایند: «اذا قام القائم ذهب دوله الباطل؛ (۴) هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می رود». هدف امام حسین علیه السلام نیز در زیارت اربعین چنین بیان شده است:

«وبذل مهجه فيك ليستنفذ عبادك من الجهاله وحيره الضلاله؛ خون خود را در راه تو تقدیم کرد، تا انسان ها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد». پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش هاست.

ص: ۴۰

- ۱- قبل از زیارت عاشورا، شیخ طوسی، مصباح المتعجب، المحرم و شرح زیارت الحسین علیه السلام، ص ۷۱۴-۷۱۳ به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۸۱.
- ۲- فرهنگ موعود، ص ۳۹.
- ۳- فرهنگ عاشورا، ص ۶۲.
- ۴- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو اصلاح کننده جامعه هستند. تحقیق و بررسی که در مسیر تاریخ بشر به عمل آمده و چگونگی حیات پیامبران الهی و اوصیای بزرگوار آنان، نشان می دهد که در جهان ما تاکنون حکومت الهی که عدالتش در همه جای عالم گسترش یابد و همگان از نعمت برابری و برادری و دادگری برخوردار شده باشند، تشکیل نیافته و اوضاع و شرایط زندگی آنان - که برای اصلاح بشر، به امر خدا از میان جمعیت برخاسته اند - آمادگی برای شکل گرفتن چنین نظامی را نداشته است. گرچه در راه رسیدن به این پیروزی بزرگ، لحظه ای از مبارزه با طاغوتیان و تجاوزگران غفلت نورزیده و تا هنگام مرگ در انجام مسئولیت خویش کوشیده اند؛ لکن مجال به وجود آمدن چنین حکومت برتری را به دست نیاورده اند.

از طرفی، قرآن یکی از عالی ترین و اساسی ترین هدف های پیامبران خدا را به دنبال درس توحید و یکتاپرستی، عدالت اجتماعی در سطح جهانی و اقامه قسط و برابری در اثر تکامل جامعه می داند. (۱)

در قیام امام حسین علیه السلام نیز سه عامل نقش داشت:

۱. تقاضای بیعت یزید از امام حسین علیه السلام.

۲. اتمام حجت از سوی مردم کوفه که توسط دعوت نامه ها و در نظر گرفتن شرایط گذشت بیست سال از صلح امام حسن علیه السلام و... محرز شده بود.

۳. فساد عملی حکومت (عامل امر به معروف و نهی از منکر) امام حسین علیه السلام در باره عامل سوم می فرمایند:

«وَأِنِّي لَمْ أَخْرُجْ إِشْرَافاً وَلَا بَطْرَافاً وَلَا مَفْسَداً وَلَا ظالماً وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ...؛ و من نه از روی خودخواهی و یا برای خوش گذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می کردم؛ بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر است و خواسته ام از این

ص: ۴۱

۱- (ولقد ارسنا رُسُلنا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ). حدید / ۲۵.

حرکت، اصلاح مفسد امت و احیا و زنده کردن سنتِ جدّم رسول خدا | و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب است...» (۱) این همان عامل امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی قطع نظر از اینکه از امام حسین علیه السّلام بیعت می خواستند و او حاضر نبود بیعت کند، و قطع نظر از اینکه مردم کوفه او را دعوت کرده بودند و اتمام حجّتی بر امام حسین علیه السّلام شده بود و او برای اینکه پاسخی به آنها داده باشد، آمادگی خود را اعلام کرد، مسئله دیگری وجود داشت که امام حسین علیه السّلام تحت آن عنوان قیام کرد و آن مسأله امر به معروف و نهی از منکر بود. مسئله اینکه معاویه در مدت بیست سال خلافتش کارهای بسیاری بر خلاف اسلام کرده بود. لذا حاکمی جائز و جابر است؛ احکام اسلام را تغییر داده است، بیت المال مسلمین را حیف و میل کرده است و خون های محترم را ریخته است، حالا هم بزرگ ترین گناه را مرتکب شده و بعد از خودش پسر شرابخوار و قمارباز و سگ باز را به عنوان ولیعهد تعیین کرده و به زور جای خودش نشانده است و او می خواهد اساس اسلام را نابود کند. اعتراض به او لازم است؛ چون پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مِنْ رَأْيِ سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا عَهْدَهُ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ» (۲)

اگر کسی پادشاه جابری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان او را شکسته، با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کرده، در مورد بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل کرده؛ پس با عمل و سخنش به او اعتراض نکند، سزاوار است خدا او را به همان جایگاهی داخل کند که آن حکمران ستمگر را وارد کرده است...».

امام حسین علیه السّلام نیز برای طلب اصلاح در حکومت فاسد قیام کردند و با وجود اینکه به ظاهر شکست خوردند، زمینه مناسبی برای ترقی فکری و رشد عقلی جامعه اسلامی به وجود آوردند. تاکنون تکامل روحی و تعالی روانی و رشد عقلی که استعداد پذیرش حکومت عدل را داشته باشد، در مردم جهان پدیدار نگشته است. روایات اسلامی ترقی فکری و رشد عقلی بدین

ص: ۴۲

۱- سخنان حسین بن علی علیه السّلام، از مدینه تا کربلا، ص ۳۶ - ۳۷.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۰، به نقل از شهید مطهری، مرتضی؛ سیری در سیره ائمه اطهار علیه السّلام، ص ۹۵.

پایه را مربوط به دوران حکومت دوازدهمین و آخرین جانشین رسول خداصلی الله علیه وآله که جهان شیعه به انتظار اوست، می دانند.

امام محمد باقرعلیه السلام فرمود: «ایجاد تمرکز فکری و تعالی اندیشه ای در جامعه از مختصات حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد»^(۱).

به برکت وجود حضرتش، خداوند بر قدرت اندیشیدن مردم می افزاید و رفاه فکری و نیروی ژرف اندیشی در شناخت حقایق اسلامی و دریافت کمالات انسانی در همگان پدیدار می شود و سرانجام به دست توانای او فسادها و تباهی ها و از هم پاشیدگی های عقیدتی اصلاح می گردد. خداوند نابسامانی هایی که در نسل و اقتصاد جهان پدید آمده و عقب گرایی هایی که در جهت های مختلف حیاتی بشر نمودار گشته و پراکندگی های ناشی از جهالت و طاغوت پرستی را با عقل و اندیشه الهی او سامان بخشیده و هم بستگی و یگانگی را در ابعاد گوناگون به وجود می آورد.

همچنین آن حضرت به عمران و آبادی جهان اقدام کرده و سلطه و قدرت ایشان سرتاسر شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و گنجینه های کره زمین را ظاهر ساخته و با نظر کیمیایی خویش، خرابه های ستم و بیدادگری و ویرانه های قلوب اندوهگین را آباد نموده و حیاتی نو می بخشد. در زمان رهبری امام ارواحنا فدا، انسانیت در پرتو عدل و فضیلت، به طرف سعادت و کمال مطلوب خود حرکت خواهد کرد.

انسان به خاطر اجتماعی بودن، فطرتاً خواستار حکومت عدالت و فرمانروایی عادلانه می باشد؛ استواری جوامع بشری نیز در پرتو روابط عادلانه اقتصادی و اجتماعی و حفظ ارزش های اصیل انسانهاست. داشتن چنین روابطی - که بر اساس عدالت اجتماعی به وجود می آیند و دوامشان نیز بستگی به همین گونه نظام حیاتی دارد - تنها در زمانی خواهد بود که قوانین و مقررات حاکم بر مردم بر مبنای صلاح و رستگاری مردم تدوین شده باشد نه بر اساس هوی و هوس های آنها.

به عبارت دیگر؛ زمانی جامعه ای به کمال واقعی و رفاه و آرامش حقیقی می رسد که دارای دو اصل اساسی و انسانی باشد: یکی قانون و دیگری عدالت. البته نه هر قانونی؛ بلکه قانونی که به دست انبیا در جهان پیاده می شود، زیرا تنها انبیای الهی هستند که از رهگذر مصلحت و سعادت،

ص: ۴۳

۱- . منتخب الاثر، ص ۴۸۳، به نقل از خلجی، محمد تقی، تشیع و انتظار، ص ۱۱۲.

بشر را به عمل کردن به مقررات و قوانین دعوت می کنند و نه هر عدالتی، بلکه عدالتی که آنان در زمینه تکامل اجتماعی به کار می برند.

از آنجایی که وجود انسان با تعدادی غرائز و تمایلات آمیخته شده است و گاهی عقل و اندیشه اش در نبرد با آنها مغلوب می شود، امکان انحراف از مسیر حق و راستی را دارد. لذا در مواقع سرپیچی از قانون و عدالت، حکومت خدایی از شمشیر که حامی و نگهبان این دو می باشد استفاده کرده و سرکشان و کسانی را که زیر بار قانون نمی روند، به وسیله آنان مطیع و تسلیم مقررات و سنن اجتماعی می نماید.

خداوند در آیه مبارکه {لقد ارسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فيه بأس شديد} (۱) به هر سه اصلی که سعادت و تکامل هر جامعه مرفقی را در بردارد، اشاره می کند و برای امت اسلامی بیان می کند که فرستادگان ما با براهین و معجزه به همراه کتاب که مجموعه قوانین و مقررات الهی است و نیز ترازو، که نشانه عدالت و دادگری در حکومت و تساوی مردم در برابر قانون و همچنین شمشیر که همان آهن نیرومند و قوی است آمدند و از آمدن آنها غرضی داشتیم. (۲)

دیدیم که امام حسین علیه السلام درباره اصلاح که در همه زمینه ساری و جاری است، فرموده اند: «انما خرجت لطلب الإصلاح» (۳)

تنها برای اصلاح (امور مسلمانان) قیام کردم». که همین مطلب نیز در مورد حضرت مهدی، آمده است؛ «ليصلح

الامه بعد افسادها» (۴)

خداوند به وسیله حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، این امت را پس از آنکه تباه شده اند اصلاح می کند».

ص: ۴۴

۱- . حدید / ۲۵.

۲- . خلجی، محمد تقی، تشیع و انتظار، ص ۱۱۲.

۳- . ابن اعثم، الفتوح، ج ۳، ص ۲۳؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، به نقل از پور سید آقایی، مسعود.

۴- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه وآله.

درگیری بین حق و باطل و ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چرا که باطن و حقیقتِ ایمان، حرکت و پویایی و رویش است، در صورتی که خصلت کفر؛ ایستادگی، رکود و ماندگی است. ساده اندیشی است، اگر فکر کنیم مسائل و مشکلات تنها با گفتگو حل می شوند؛ چون ممکن است باطل، زیر بارِ حق نرود و بخواهد بر ظلم خود باقی بماند. آن هنگام چه باید کرد؟ آیا باز هم باید به گفتگو ادامه داد؟

امام حسین علیه السلام در زمان معاویه قیام نکردند و به صلح تحمیلی بر برادرشان صبر کردند. ایشان به یاران خود می فرمودند: وضع معاویه در زمان وی مقتضی قیام نبود. امام در این مدت صبر کردند و سکوت پیشه نمودند؛ ولی تضاد بین ایشان و معاویه برقرار بود و آن حضرت، معاویه را به حال خود رها نمی کردند. در قسمتی از جواب نامه امام حسین علیه السلام به معاویه می خوانیم که: «فعلاً در فکر جنگ و مخالفت با تو نیستم؛ ولی به خدا قسم! در ترک جنگ با تو از خدا می ترسم و گمان ندارم که خدا بدون عذر به ترک جنگ راضی باشد. آری! جنگ با تو و با آن ستمگر ملحد، حزب ستمگران و دوستان شیطان» (۱).

در ادامه باید بگوییم که به محض مرگ معاویه (لعنه الله علیه) و روی کار آمدن یزید، امام مقدمات جنگ و نبرد را فراهم کردند؛ چرا که نبرد با باطل یک ضرورت است و با توجه به سخنان خود حضرت، در صورت برطرف شدن عذر، خداوند راضی به سکوت و صبر در مقابل باطل نیست. نبرد امام حسین علیه السلام با یزید و جنگ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با مستکبران، نبرد حق و باطل است که یکی در محدوده کربلا- و دیگری در وسعت کره زمین صورت می گیرد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی ظهور می کنند که ظلم همه جا را فرا گرفته باشد و گفتگو حاصلی نداشته باشد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: «یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل»؛ (۲)

(یاران قائم) شمشیرهای خویش را بر زمین نمی نهند تا اینکه خدای عزوجل راضی شود».

۱- قرشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، ص ۳۳۹.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.

بعد از شهادت حضرت علی علیه السّلام و به خلافت رسیدن معاویه در سال چهارم هجری، سیاست تهدید و قتل، با شدت و قدرت اجرا شد؛ مخصوصاً در کوفه پایگاه شیعیان علی علیه السّلام، زیاد بن سمیه، یاران علی علیه السّلام را مورد تعقیب قرار داد و هر کس را پیدا کرد، به قتل رساند یا دستها و پاهای آنها را قطع نمود و بر شاخه های درختان خرما به دار آویخت یا نابینا ساخت. به طوری که احدی از شخصیت های معروف شیعه در عراق باقی نماند. به تعبیر ابن ابی الحدید، آنقدر اختناق شدت یافت که افراد، به خادم و همسر خودشان نیز اعتماد نداشتند و اگر می خواستند حرفی به آنها بزنند، قبلاً آنها را قسم می دادند که مطالب را به حکومت منتقل نکنند.^(۱)

معاویه، «سمره بن جندب» را به فرمانداری بصره منصوب کرد. این مرد خون آشام، چنان قتل و کشتاری به راه انداخت که به حساب نمی آید. کسی از انس بن سیرین پرسید: سمره چند نفر را کشته بود؟ وی جواب داد: مگر قابل شمارش است؟! سمره در مدّت کوتاهی هشت هزار نفر را کشت. وقتی نزد «زیاد» آمد، گفت: باکی ندارم که هشت هزار نفر دیگر را هم بکشم!!^(۲)

ابو سوار عدوی گوید: «سمره چهل و هفت نفر از بستگان مرا که همه حافظ قرآن بودند در یک روز به قتل رسانید!»^(۳)

«زیاد بن سمیه» در اواخر عمر، اهل کوفه را در دار الاماره جمع کرد و آنها را به سب علی علیه السّلام وادار کرد، هر کس از لعن علی علیه السّلام خودداری می کرد، می کشت و خانه اش را ویران می ساخت.^(۴)

این سیاست وحشیانه معاویه تا آنجا پیش رفت که هر کس اهل بصیرت و تقوا بود، گرفتار آن شد.

ص: ۴۶

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۱۶ - ۱۱۷.

۲- ابن طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۳۲، به نقل از عبدالمحمّدی، حسین، ص ۲۵۰.

۳- همان.

۴- عبدالمحمّدی، حسین، زمینه های قیام امام حسین علیه السّلام، ص ۲۵۰.

امام حسین علیه السلام زمانه خود را چنین توصیف می کند: «ألا ترون الحق لا يعمل به وإن الهوى لا يترك عنه؛(۱)»

آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل خودداری نمی گردد».

«فإن السنه قد أميتت و إن البدعه قد أحيت؛(۲) همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر از بین رفته و بدعتها زنده شده است».

«وعلى الاسلام السلام اذا قد بليت الامه براع مثل يزيد؛(۳)»

اگر حاکم امت، فردی همچون یزید باشد، پس باید فاتحه اسلام را خواند».

پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بر آن اساس که پیش بینی کرده اند و هم بر آن گونه که اینک طلعه اش پیدا است، جهان در وضع و موقعیت خاصی اداره می شود؛ غرور و خودبینی، سران جهان را چنان فرا گرفته است که جز خود کسی را نمی بینند، و حتی گویی عده ای فراموش می کنند که بر روی زمین زندگی می نمایند. هرزه گی نیروها آنها را به سستی، بیهودگی و بطالت کشانده آن چنان که حتی نمی توانند خود را دریابند.

عده ای از زمامداران؛ بنام ولی و قیم ملل ضعیف، حمایت و رعایت آنها را بر عهده گرفته ولی بعد به دریدن و بیچاره کردن آنها سرگرم می شوند؛ بنام کمک می کشند تا آخرین رمق را از مردم بستانند و بیشترین فشار خود را بر مردم تحمیل نمایند.

در جنبه معنوی، انسانها در حال تلاطم اند؛ حرص ها عنان گسیخته اند، آرامش درون وجود ندارد، انسان، طالب وفور نعمت و تنوع و تمتعات گوناگون است.(۴)

حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند: زمانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است: «يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا القرآن على الرأى ويحيى وميت الكتاب والسنه؛(۵) چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۴۷

۱- ابن شعبه، تحف العقول، ص ۲۴۵، به نقل از همان، ص ۲۵۰.

۲- ابن طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷، وقعه اللطف، ص ۱۰۷، به نقل از پور سید آقایی، مسعود.

۳- ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۲۴، رسول محلاتی، سید هاشم، زندگانی امام حسین علیه السلام، ص ۱۵۸، به نقل از زمینه های قیام امام حسین علیه السلام، ص ۲۵۰.

۴- قائمی، علی، قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه جامعه شناسی نهضت ها، ص ۵۲.

۵- نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

قیام کند، خواهش های نفسانی را به هدایت آسمانی، باز گرداند، پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس باز گردانده باشند و آراء و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آنکه قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند... پس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت».

زمانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسین علیه السلام، در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه یکدیگر است. مشابهت در زمانه، ابعاد متعددی دارد؛ از تبلیغات جبهه باطل گرفته تا حاکمیت خلفای جور و غربت دین در عرصه زندگی و جامعه. تبلیغات بنی امیه و معاویه علیه اهل بیت و امام حسین علیه السلام، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست ها علیه جهان اسلام به ویژه علیه ایران اسلامی دارد.

در دوران امام حسین علیه السلام، ارزش دین از بین رفته و توجهات نسبت به سمت دنیا برگشته بود که از دلایل آن، بدعتها و خلافتکاری های خلفا و تبلیغات بنی امیه ذکر شده است.

امام حسین علیه السلام می فرماید: «الناس عبید الدنیا والدین لعق علی الستتهم یحوظونه مادرت معایشهم، فاذا مخصوا بالبلاء قلّ الدیانون»؛ (۱)

مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می باشد، تا هنگامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود؛ اما همین که در بوته امتحان قرار گرفتند، دینداران کم خواهند بود».

در عصر انتظار و دوران غیبت هم، حفظ دین از مشکل ترین کارهاست. امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «یأتی علی الناس زمانٌ یغیب عنهم امامهم، فیاطوبی للثابتین علی امرنا فی ذلک الزمان»؛ (۲) روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوایشان از (چشم) آنان غایب می گردد، پس خوشا به احوال کسانی که در آن زمان ثابت قدم و استوار می مانند».

ص: ۴۸

۱- . تحف العقول، ص ۲۴۹، به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۶۰.

۲- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۵.

حضرت در ادامه، فضایل بسیاری برای پایداران در دین بر می شمارند و می فرمایند: «اللَّهُمَّ لَقْنِي اخوانی... اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنه غبراءِ فظلمه؛(۱) خدایا! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... ایشان چراغهای هدایت هستند. خدا آنها را از هر فتنه تیره و تاریک می بخشد».

نیروها و ویژگی های آنان:

۱. مردان با ایمان

— یاران امام حسین علیه السلام

قیام امام حسین علیه السلام به همراه یاران از جان گذشته خود به وجود آمد و به وسیله اسیران به ثمر رسید. یاران و اهل بیت امام علیه السلام چنان اوج گرفتند که آن حضرت در رابطه با آنها فرمودند: «فأنتی لا اعلم اصحاباً أوفی ولا خیراً من اصحابی ولا اهل بیت ابر ولا احوال من اهل بیتی؛(۲)

اینها حتی از اصحاب جدم و پدرم نیز بهتر و بالاترند آنها با احتمال مرگ در حمایت پدرم و جدم ماندند؛ ولی اینها با علم به اینکه کشته می شوند از من دست نکشیدند».

امام سجاد علیه السلام هم فرمودند: «پدرم در شب عاشورا اهل بیت و یاران خویش را جمع کرده و سپس فرمودند: «... اما بعد، من اصحابی بهتر و باوفا تر از اصحاب خود و اهل بیتی نیکوکارتر و موصل تر از اهل بیت خود نمی دانم. خداوند از جانب من به شما جزای خیر بدهد، من خلافتی از این مردمان گمان ندارم، لذا به شما اجازه دادم همه بروید و از تعهد نسبت به من آزادید. تاریکی شب را فرا گرفته، آن را به حکم مرکبی به حساب آورید و... در این هنگام، یاران شروع به صحبت کردند».(۳)

دقت در حالات و سخنان یاران امام و رجزهایی که در عاشورا خوانده اند، نشان می دهد که همه مردان فضیلت و اهل بصیرت و معرفت بوده اند. آنان در قیام خویش و شهادت در رکاب

ص: ۴۹

۱- همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۲- قرشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، ص ۳۷۰.

۳- ارشاد مفید، ص ۲۱۴، به نقل از قرشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، ص ۳۷۰.

فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله بینایی کامل داشته و بسیار نیکو به وظیفه خود آشنا بودند. آنان تا لحظه آخر ایستادگی کردند، با اجازه امام به میدان رفته و به شهادت رسیدند و دست از یاری نکشیدند... .

در اینجا نمونه ای از سخنان حضرت عباس بن علی علیه السّلام را بعد از فرمایشات امام حسین علیه السّلام در شب عاشورا - که نشان از شدت محبت دارد، ذکر می کنیم:

«لم نفعل ذلک؟ لنبقی بعدک؟! الا ارانا الله ذلک ابدأ؟» (۱)

چرا برویم؟ برای آنکه بعد از تو زنده بمانیم؟ خدا هرگز چنین روزی را نصیب ما نکند که تو کشته شوی و ما بمانیم». به کاروان حسین علیه السّلام کسانی پیوستند که اصلاً امید پیوستنشان نبود. مانند: حرّ و زهیر، که یکی فرمانده سپاه عمر سعد بود و دیگری عثمانی بود و در صفین بر علیه امام علی علیه السّلام شمشیر زده بود. از سخنان زهیر به امام علیه السّلام منقول است که عرض کرد: «به خدا قسم دوست دارم که کشته شوم و سپس زنده شوم و هزار بار این عمل در من تکرار شود و این وسیله ای باشد که خدا تو و این جوانان بنی هاشم را از کشته شدن حفظ کند...» (۲)

حضرت علی علیه السّلام نیز در حدیث معروفی درباره عظمت روحی افرادی که در کنار ابا عبد الله علیه السّلام به شهادت رسیدند چنین فرمودند: «مناخ رکاب ومصارع عشاق الشهداء لا یسبقهم من کان قبلهم ولا یلمقهم من بعدهم»؛ (۳)

اینجا (اشاره به نینوا) بارانداز سواران و قتلگاه عاشقان است. شهدایی که نه پیشینیان بر آنان سبقت جسته اند و نه آیندگان به مقام آنها دست یابند».

با کمی دقت در سخنان یاران و حتی خود امام علیه السّلام، به راحتی می توان شدت محبت و اطاعت را در یاران نظاره کرد. ایثار و از خود گذشتگی، اطاعت محض و فدایی امام شدن، همه از

ص: ۵۰

۱- همان.

۲- قرشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، ص ۲۷۳.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، نزول علی بکربلاء، ج ۳، ص ۱۷۱، به نقل از صفاتی، زهره، زیارت در پرتو ولایت، ص ۵۶.

محبت و عشق سرشار آنها به امام علیه السلام سرچشمه می گیرد که خود نتیجه معرفت و رشد آنهاست. هر کدام از آنها در نهایت اشتیاق بارها و بارها شهید شدن را آرزو می کرده اند تا فقط لحظه ای جان امام علیه السلام حفظ شود.

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بزرگ ترین جنبش تاریخ بشریت و از عمیق ترین آنهاست. عمق آن به بلندای اهداف و بزرگی آرمانهاست. از شعارهای پرزرق و برق و اهداف کم مایه روی گردانده و انسانها را به سوی رشد و تعالی حرکت می دهد و آنها را به سمت معنویت هدایت می نماید. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است. همه چیز را جلوه او دیده و جز یاد او، سخن دیگران در نظرشان بی لطف و جاذبه است. ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آن بیگانه است. (۱) در شناخت حقیقت به مرتبه یقین رسیده اند و حقایق را بدون پرده مشاهده می کنند. (۲)

شوق دیدار محبوب، دل‌هایشان را به وجد آورده و در اشتیاق وصل او، شب و روز نمی شناسند. امام صادق علیه السلام در باره اینان می فرماید: «رجال کان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله... كالمصاييح كان قلوبهم، القناديل و هم من خشية الله مشفقون يدعون بالشهادة يتمنون ان يقتل في سبيل الله، شعارهم يا لثارت الحسين؛ (۳)

مردانی که گویا دل‌هایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدا، خاطرشان را نمی آلاید... همانند چراغهای فروزان اند، گویا دل‌هایشان نورباران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند. شعارشان (یا لثارات الحسين) ای خونخواهان حسین است».

ص: ۵۱

۱- . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸، به نقل از حوزه (ویژه حوزه های دینی)، ص ۲۹۹.

۲- . همان، ج ۱، ص ۲۹۱، به نقل از حوزه، ص ۲۹۹.

۳- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

امیر مؤمنان علیه السّلام، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گنجهایی آکنده از معرفت خدایی می دانند: «رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدي في آخر الزمان؛(۱) مردانی که خدا را آنچنان که شایسته است، شناخته اند. آنان یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان هستند».

امام باقر علیه السّلام می فرمایند: «اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم؛(۲) چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقتان را به کمال برساند».

عمق این حرکت نشانگر عمق باورها و ژرفای نگاه هاست. مگر می توان بدون برخورداری از اعتقادات و نگاه های عمیق، اهداف به این حد بزرگ و وسیع داشت و نگاه ها را به افق های چنین بلند دوخت؟

آن قدر با صلابت و استوارند که مرارت ها و مصیبت ها در آنان خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات، آرامشان را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سؤالات در آنان رخنه ای ایجاد نمی کند. آنان از سرچشمه توحید ناب، سیراب شده اند و به حق - آنچنان که شایسته است - اعتقاد دارند: «فهم الذين وحدوا الله حق توحيده؛(۳) آنان به وحدانیت خداوند، آنچنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند». و در حریم امن دلهاشان، جز خدا راه ندارد و بت های نفس و ثروت و مقام، هرگز آن ها را آلوده نمی کند. این بینش ها در آنان، ایمان و تقوا به بار می آورد و این دو را با هم، هم در چهره عبادت ها و راز و نیازهایشان می تواند دید (ذکر)،(۴)

و هم در آینه تلاش که در طریق بندگی و اطاعت دارند (تلاش)،(۵)

ص: ۵۲

-
- ۱- ینابیع الموده، ص ۴۴۹، به نقل از حوزه (ویژه حوزه های دینی)، ص ۳۰۰.
 - ۲- منتخب الاثر، به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۷۵.
 - ۳- امام علی علیه السلام، یوم الاخلاص، ص ۲۴۴، به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۷۷.
 - ۴- ذکر: لهم فی اللیل اصوات کاصوات النواکل خرنا من خشیه الله، در دل شب از خشیت خدا ناله هایی دارند مانند ناله مادران پسر مرده.
 - ۵- تلاش: مجدون فی طاعه الله، در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاش اند.

در مورد یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وارد شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَخْرُجُ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَدَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عَبْدِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ»؛^(۱)

هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، از امر ولایت او کسانی بیرون می روند که همواره به نظر می رسید از یاران او باشند و به امر او در می آیند کسانی که شبیه خورشید پرستان و ماه پرستان اند.

بسیاری از افراد، هنگام ظهور حضرت به ایشان می پیوندند و آنها کسانی هستند که از ایشان انتظار نمی رفت. بیچاره کسانی هستند که مشهور به یاوری اند، ولی آن هنگام روی برمی گردانند. مسلماً ضمیرهای پاک، جذب حضرت شده و آنان که ناخالصی دارند، از گروه خالصان جدا می شوند. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَه فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا... وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ... وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَاخْرَجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرّاً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي»؛^(۲) خدایا! من در صبح امروز با او تجدید پیمان می کنم... و مرا از یارانش و شهیدان در مقابلش قرار ده... مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم پیچیده و شمشیرم کشیده است.

یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با تزکیه نفس و پیمودن صراط مستقیم، اعتقادشان در ژرفای وجودشان ریشه دوانده و سراسر جانشان را فرا گرفته است. معرفت آنان، معرفت شناسنامه ای نیست؛ بلکه معرفت به حق است، یعنی فهم این حقیقت که او از من به من نزدیک تر و سزاوارتر است و از مادر به من مهربان تر است.

نتیجه این بینش، اطاعت و محبت است. در خصوص محبت در روایات آمده است: «يُحْفُونَ بِهِ وَيَقُونَهُ بَأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ»؛^(۳) در جنگ، گردش می چرخند و با جان خود از او محافظت می کنند. در خصوص اطاعت گفته شده: «هُمْ اطوع له من الأمة لسَيِّدِهَا»؛^(۴) آنها مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند. آنان نیک می دانند که حق با امام است و او با حق است. چه دیگران بپذیرند و چه نپذیرند، آنان مطیع اند و خود را برای آرمان های او به آب و آتش می زنند.

ص: ۵۳

۱- . نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۱، به نقل از فرشی، علی اکبر، خاندان وحی.

۲- . دعای عهد.

۳- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- . همان.

یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با تأمل در خویشتن و استعدادهای خویش، عظمت قدر خویش را در می یابند و از اینکه دنیا و معبودهای دنیایی آنان را بی نیاز نمی کند، می فهمند دنیا مسیر حرکت است و آنان سالک این مسیر، آنان مشتاق شهادت و لقای الهی اند: «ویتمنون أن یقتلوا فی سبیل الله؛ آرزو می کنند در راه خدا به شهادت برسند».

۲. نقش زنان

نقش زنان در هیچ حرکت و جنبشی از جنبش های اسلامی و شیعی به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است. «عاشورا» تنها صحنه ای است که در آن «زن» در متن جریان قرار دارد.

همیشه زنان نقششان کم رنگ و در حاشیه بوده؛ ولی در عاشورا، نه تنها در حاشیه نیست، بلکه نقشی پررنگ و پر حضور است. و شاید یکی از رازهای جاودانگی آن هم همین باشد. خصوصاً نقش حضرت زینب علیها السلام (این شیرزن دریا دل کربلا) و دختران و همسران امام علیه السلام به عنوان پیام آوران واقعه عاشورا از جایگاه خاصی برخوردارند. در واقع این اسرا بودند که این حرکت عظیم را ثمر بخشیدند و به بار نشانند.

در قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است و زنان از جایگاهی عظیم برخوردارند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «ویجئ والله ثلاث مائة وبضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة»؛^(۱) به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می آیند که ۵۰ تن از آنها زن هستند».

ام سلمه هم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل می کند که: «در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می برند به سوی او جمع می شوند تا اینکه در نزد او ۳۱۳ نفر گرد آمده که برخی از آنها زن می باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده ای پیروز می گردند».^(۲)

ص: ۵۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵، به نقل از فصلنامه انتظار، ص ۵۹.

۳. فرشتگان یاور امام حسین علیه السلام، یاوران حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی های قیام یوسف زهرا علیها السلام، برخورداری از نصرت الهی به وسیله فرشتگان است. شیخ صدوق رحمه الله در روایت ریان بن شیبب از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کند: «ولقد نزل الى الارض من الملائكة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قره ضعت غبر الى ان يقوم القائم فيكونون من انصاره وشعارهم يا لثارات الحسين؛(۱)»

به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت اقامت کردند و هم چنان هستند تا اینکه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام کند، و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت

خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسين است».

در آیه دوم سوره حشر نیز در مورد لشکریان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم که: «سه لشکر او را یاری می کنند: «الملائكة

والمؤمنون والرعب؛(۲) فرشتگان و مؤمنان و ترس و وحشت که در دل دشمنان نفوذ می کند».

به راستی چه ارتباطی میان این دو کوكب درخشان آسمان ولایت که مُلك و ملكوت، عرش و فرش، همه از یگانگی آن دو سخن می گویند وجود دارد. هر کجا امام حسین علیه السلام است، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست و هر کجا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، امام حسین علیه السلام نیز می باشند. ذکر و نام آن یکی، با یاد و نام دیگری قرین و عجین است. از امام زمان سیدالشهدا علیه السلام را می طلبند و از سیدالشهدا علیه السلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را.(۳)

ص: ۵۵

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵، مجله خان جهان، ص ۳۵.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۹۸.

۳- فوادیان، محمد رضا، مقاله حسین و مهدی، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۸۰.

یکی از رابطه های دقیق میان این دو امام و قیامشان، مرکز حکومت آن دو است. امام حسین علیه السلام از مکه به جانب کوفه رهسپار بودند و شاید با رسیدن به کوفه، مانند پدر بزرگوار خود آنجا را مقر حکومت خویش قرار می داد، ولی سپاهیان یزید راه را بر آن حضرت بستند و ایشان در دوّم محرم، در کربلا منزل گزیدند.

زمانی که خورشید تابناک مکه ظهور کند، کوفه را به عنوان مقرّ حکومت خود برخواهد گزید. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند و به سوی کوفه می رود و منزلش را آنجا قرار می دهد». (۱)

همچنین می فرمایند: «هنگامی که قائم ما قیام کند و به کوفه برود، هیچ مؤمنی نخواهد بود مگر آنکه در آن شهر، در کنار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سکونت می گزیند، یا به آن شهر می رود». (۲)

ابوبکر حضرمی می گوید: «به امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام عرض کردم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش بافضیلت تر است؟ فرمود: «ای ابابکر! سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده اند. آنجا عدالت الهی پدیدار می گردد و قائم به عدل و قیام کنندگان پس از او همان جا خواهند بود. آنجا جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است». (۳)

امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد کرده و فرموده اند: «آن، خانه صاحب ما (مهدی موعود) است؛ زمانی که با خاندانش در آنجا سکونت گزیند». (۴)

از مجموع این روایات به دست می آید که شهر کوفه، پایگاه اصلی فعالیت ها و مرکز فرمانروایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. پایگاهی که زمانی مقرّ حکومت امیر مؤمنان علیه السلام بود و

ص: ۵۶

۱- . راوندی، قصص الانبیاء، ص ۸۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵، غیبه شیخ طوسی، ص ۳۷۵.

۳- . کامل الزیارات، ص ۳، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶، چشم انداز، ص ۱۷۰، به نقل از فصلنامه انتظار، ص ۴۹.

۴- . کافی، ج ۳، ص ۴۱۵، ارشاد، ص ۳۶۲، التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳.

امام حسین علیه السّلام به آن سو می رفت. امام حسین علیه السّلام از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقرّ حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد. یعنی راه سیدالشهدا علیه السّلام را ادامه داده و به پایان خواهد رساند. (۱)

قیام در روز عاشورا

درباره روز قیام و ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات مختلفی وارد شده است که در آنها روز عاشورا، شنبه و یا جمعه، روز ظهور معرفی شده است... آنچه مهم است اینکه قیام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در بعضی روایات، مصادف با روز شهادت سیدالشهدا علیه السّلام است و این مطلب ما را به ارتباط ویژه صاحبان این دو قیام رهنمون می سازد.

ارتباط بین روز عاشورا و قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یک رابطه ملموس و قابل درک برای هر انسان عاقل است؛ چرا که راه و هدف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان هدف امام حسین علیه السّلام در ابعاد وسیع و گسترده جهان است.

امام باقر علیه السّلام می فرمایند: «لیس شأنه بالسیف» (۲)؛ یعنی هدف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هدایت و دستگیری از گمراهان می باشد نه جنگ و خونریزی.

عاشورا دغدغه ای نهفته در وجود انسان های مسلمان است و انتظار فرج و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم چیزی است که با سرشت آنان عجین شده است. اگر واقعه عاشورا با مقدماتی تلخ و کارشکنی های یاران یزید به وقوع پیوست، قیام قائم هم با خروج سفیانی ها و دجال ها که موانع اجرای احکام الهی هستند به منصفه ظهور خواهد رسید و عاشورای حسینی نمونه بزرگی برای قیام بزرگ تر حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. (۳)

ص: ۵۷

۱- فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۴۹، به نقل از مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۳، به نقل از پور سید آقایی، ص ۴۱.

۳- کریم شاهی، حسین، فرهنگ موعود، ص ۱۵۳.

امام محمد باقر علیه السّلام فرموده اند: «کائی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن والمقام و بین یدیه جبرئیل ینادی: البیعه لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً»^(۱)؛ گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه، بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند و بیعت برای خداست. پس زمین را پر از عدل می کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده بود».

امام جعفر صادق علیه السّلام در این زمینه می فرماید: «ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه ليله ثلاث وعشرين ویقوم یوم عاشورا، یوم قتل الحسین بن علی علیه السّلام»^(۲).

به درستی که قائم - که درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام شریفش ندا می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیه السّلام در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری امام حسین علیه السّلام، هنوز هم به گوش می رسد: «هل من ناصرینصرنی؟»^(۳) هل من معین یعیننا؟! هل من ذابّ یدبّ عن حرم رسول الله؟!^(۴)

فریاد استنصار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همیشه بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را یاری کند؟ آیا کسی هست که عشق مهدی را در دلها زنده کند و انسان های بریده را با او پیوند بزند؟ «آن حضرت در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده می فرمایند: ای مردم! ما از خداوند یاری می جوییم، هر که می خواهد ما را اجابت کند... اهل باطل حَقمان را گرفته و بر ما افترا بسته اند. خدا را درباره ما در نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید که خداوند شما را یاری می کند»^(۵).

ص: ۵۸

۱- شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۷۴.

۲- همان.

۳- گرچه مشهور است که این سخن از امام حسین علیه السّلام، است اما هیچ مأخذی برای آن نیافتیم.

۴- همان.

۵- علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

فصل چهارم: شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران

اشاره

۱. شباهت به نوح علیه السلام
۲. شباهت به ادريس عليه السلام
۳. شباهت به هود عليه السلام
۴. شباهت به صالح عليه السلام
۵. شباهت ابراهيم عليه السلام
۶. شباهت به اسماعيل عليه السلام
۷. شباهت به يوسف عليه السلام
۸. شباهت به خضر عليه السلام
۹. شباهت به الياس عليه السلام
۱۰. شباهت به ذو القرنين عليه السلام
۱۱. شباهت به شعيب عليه السلام
۱۲. شباهت به موسى عليه السلام
۱۳. شباهت به هارون عليه السلام
۱۴. شباهت به حزقيل عليه السلام
۱۵. شباهت به داوود عليه السلام
۱۶. شباهت به سليمان عليه السلام
۱۷. شباهت به عُزير عليه السلام
۱۸. شباهت به يونس عليه السلام

١٩. شباھت به یحیی علیه السّلام

٢٠. شباھت به عیسی علیه السّلام

٢١. شباھت به خاتم النبیین صلی الله علیه وآله

ص: ٦٠

وفى الوسائل فى قوله الله عزوجل (يحيى الارض بعد موتها) عن ابى ابراهيم موسى بن جعفر عليه السلام قال ليس يحييها بالقطر، ولكن يبعث الله رجلاً فيحيون العدل فتحى الارض لآحياء العدل ولإقامه الحد فيه انفع فى الارض من القطر اربعين صباحاً. (١)

وفيه عن النبى صلى الله عليه وآله قال ساعه امام عادل افضل من عباده سبعين سنه وحد يقام لله فى الارض افضل من مطر اربعين صباحاً. (٢)

هذا والى متى وحتى متى اقول: آدم والقائم وما خلق آدم الآ- لأجل القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف اين خبر را رئيس المحدثين شيخ صدوق در كمال الدين آورده است.

ص: ٦١

١- . وسائل الشيعه، ج ١٨، ص ٣٠٨، باب ١، ح ٣.

٢- . وسائل الشيعه، ج ١٨، ص ٣٠٨، باب ١، ح ٤.

نوح شيخ الانبياء است. از امام صادق و امام هادي عليه السلام روايت است كه حضرت نوح عليه السلام دو هزار و پانصد سال عمر كرد.

ص: ٦٢

١- . باب شبهاته عجل الله تعالى فرجه الشريف بنوح عليه السلام شيخ الانبياء. فعن الصادق والهادي عليه السلام انه عاش خمسمائة والفي عام. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف شيخ الاوصياء فانه ولد كما في الكافي للنصف من شعبان سنة خمس وخمسين ومأتين (الكافي، ج ١، ص ٥١٤، باب مولد صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف) فعمره الشريف الان، وهذا يوم الأحد عاشر ذى القعدة الحرام من سنة احدى وثلثين وثلثمائة بعد الألف من الهجرة، يكون الف وواحد وثمانين سنة وخمسا وثمانين يوماً وعن سيد العابدين عليه السلام ان في القائم مائة سنة من آدم و نوح وهى طول العمر. (كمال الدين، ج ١، ص ٣٢٢) (نوح) طهر الارض من الكافرين بكلامه فقال رب لا تذرع على الارض من الكافرين دياراً. (نوح/٢٦) القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يطهر الارض من الكافرين بحسامه، حتى لا يبقى منهم آثاراً. نوح عليه السلام صبر ألف سنة الخمسين عاماً. قال الله (فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاماً فأخذهم الطوفان وهم ظالمون). (عنكبوت/١٤) القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف صبر متداول امامته الى الان ولا ادري الى متى يصبر مولانا صاحب الزمان (نوح) من تخلف عنه غرق. (في البحار عن النبي صلى الله عليه وآله، قال: لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم منا وذلك حين باذن الله له ومن تبعه بخي ومن تخلف عنه هلك الله عباد الله فأتوه ولو على الثلج فانه خليفه الله وخليفتي) القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف من تخلف عنه هلك. (بحار الانوار، ج ٥١، ص ٦٥، ح ٢٦) (نوح) اخر الله فرجه وفرج اصحابه، حتى رجع عنه اكثر القائلين به. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يؤخر الله تعالى فرجه وفرج اوليائه حتى يرجع عنه اكثر القائلين به كما عن العسكري عليه السلام. (كشف الغم، ج ٣، ص ٣١٦) (نوح) كان يبلغ صوته شرق الارض وغربها حين ندائه وصيحته وكان هذا احد معجزاته كما في زبدة التصانيف. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يقف بين الركن والمقام حين ظهوره، فيصرخ صرخه، فيقول: يا معاشر نقبائي، واهل خاصتي، ومن ذخرهم الله لنصرتي، قبل ظهوري، على وجه الارض، إيتوني طابعين فترد صيحته عليه السلام عليهم، وهم في محاربيهم، وعلى فرشهم، في شرق الارض وغربها فيسمعونه في صيحه واحده، في اذن كل رجل، فيجيئون نحوها، فلا يمضى لهم الا كلمحه بصر حتى يكون لهم بين الركن والمقام كما في حديث مفضل عن الصادق عليه السلام. (بحار الانوار، ج ٥٣، ص ٧)

و حضرت قائم علیه السّلام شیخ الاوصیاء است (بنا به روایت کافی)، در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری متولد شد. (۱)

پس عمر آن حضرت تاکنون روز یکشنبه دهم ذی القعدة الحرام سال هزار و سیصد و سی و یک هجری هزار و هشتاد و پنج روز می شود.

و از امام زین العابدین علیه السّلام روایت است که فرمود: در حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی از آدم و از نوح هست و آن طول عمر می باشد. (۲)

نوح علیه السّلام زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و گفت: پروردگارا! بر روی زمین از کافران بر جای مگذار. (۳)

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز زمین را با شمشیر از لوث وجود کافرین پاک می گرداند تا جایی که هیچ اثری از آنها باقی نماند.

حضرت نوح علیه السّلام، نهصد و پنجاه سال صبر کرد، چنانکه خداوند می فرماید: (فلبث فیهم الف سنه الاّ خمسين عاماً فأخذهم الطوفان وهم ظالمون)؛ (۴) «پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال به سر برد، آن گاه طوفان آنان را فرا گرفت، در حالی که ایشان ستمکار بودند.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از اول امامتش تاکنون صبر کرده و نمی دانم تا کی صبر خواهد کرد.

هر که از نوح علیه السّلام تخلف جست، هلاک شد.

هر که از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تخلف جوید، نیز هلاک می شود. چنانکه در حدیث آمده. (۵)

ص: ۶۳

۱- اصول کافی، ۱/۵۱۴.

۲- کمال الدین، ۱/۳۲۲.

۳- نوح/۲۶.

۴- عنکبوت/۱۴.

۵- در بحار الانوار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مروی است که فرمود: قیامت برپا نخواهد شد مگر اینکه قائم از ما به پا خیزد و آن هنگامی است که خداوند به او اجازه دهد. هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر آنکه از او تخلف جوید هلاک گردد. ای بندگان خدا! خدا را، خدا را، که به سوی او بیایید هر چند بر روی برف و یخبندان باشد که او خلیفه خدا و خلیفه من است.

فَرَج نوح علیه السَّلام و اصحابش را خداوند آنقدر به تأخیر انداخت تا اینکه بیشتر معتقدین به آن حضرت از او برگشتند. فَرَج حضرت قائم را نیز خداوند آنقدر به تأخیر می اندازد که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او برمی گردند، چنانکه در حدیثی از امام عسکری علیه السَّلام آمده است. (۱)

ندهای نوح به شرق و غرب عالم می رسید و این یکی از معجزات آن حضرت بود چنانکه در کتاب زبده التصانیف آمده است.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هنگام ظهور، بین رکن و مقام می ایستد و فریادی برمی آورد و می گوید: ای نُقبا و سرداران من و ای خواص من و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور، آنان را بر روی زمین برای یاری من ذخیره کرده، با خواست و رغبت به سوی من آیید. پس صدای آن حضرت به آنها می رسد در حالی که در محرابها و بر فرشها و رختخوابهایشان باشند و با یک فریاد، همه صدای او را می شنوند و هر یک از آنها به گوشش می رسد، و به سوی آن صدا اجابت می کنند و یک چشم بر هم زدن نمی گذرد که همگی آنها بین رکن و مقام قرار می گیرند. چنانکه در حدیث مفضّل از امام صادق علیه السَّلام آمده است. (۲)

شبهت به ادیس علیه السَّلام

ادیس علیه السَّلام جد پدر نوح علیه السَّلام است که نامش اخنوع بوده، خداوند او را به جایگاه بلندی بالا برد.

ادیس علیه السَّلام از قومش غایب شد هنگامی که می خواستند او را بکشند، چنانکه در حدیثی از حضرت باقر علیه السَّلام آمده است.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین طور هنگامی که دشمنان می خواستند آن حضرت را بکشند، غایب شد.

ص: ۶۴

۱- . کمال الدین، ۲/۳۸۵.

۲- . بحار الانوار، ۵۳/۷.

غیبت ادریس علیه السلام به طول انجامید به حدی که پیروانش به منتهای سختی و فشار و مشقت واقع شوند. در بحار از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: پیوسته وضع شما چنین خواهد بود تا اینکه در میان فتنه و جور، کسی متولد شود که مردم او را شناسند، آن گاه زمین به حدی از ظلم و ستم پر شود که هیچ کس نتواند الله بگوید [و نام حق ببرد] سپس خداوند عزوجل مردی از من و از عترت من برانگیزد که او زمین را پر از عدل سازد، همچنان که قبل از او آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند. (۱)

و از امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که فرمود: البته زمین پر از ظلم و ستم (جور) می شود تا جایی که کسی - جز مخفیانه - الله نگوید: سپس خداوند قومی صالح را می آورد که آن را پر از قسط و عدل نمایند چنانکه پر شده است از ظلم و جور وقتی غیبت ادریس علیه السلام به طول انجامید، مردم بر توبه اتفاق کردند و به سوی خدا بازگشتند خداوند متعال هم او را ظاهر ساخت و شدت و بدی را از آنان دور کرد.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین طور است که اگر مردم بر توبه اتفاق کنند و تصمیم قطعی بر یاری اش داشته باشند، خدای تعالی او را ظاهر ساخت.

ص: ۶۵

ادريس عليه السلام جد پدر نوح عليه السلام است که نامش اخنوع بوده، خداوند او را به جایگاه بلندی بالا برد.

ادريس عليه السلام از قومش غایب شد هنگامی که می خواستند او را بکشند، چنانکه در حدیثی از حضرت باقر علیه السلام آمده است.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین طور هنگامی که دشمنان می خواستند آن حضرت را بکشند، غایب شد.

غیب ادريس عليه السلام به طول انجامید به حدی که پیروانش در منتهای سختی و فشار و مشقت واقع شدند. در بحار از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود: پیوسته وضع شما چنین خواهد بود تا اینکه در میان فتنه و جور، کسی متولد شود که مردم او را شناسند، آن گاه زمین به حدی از ظلم و ستم پر شود که هیچ کس نتواند الله بگوید [و نام حق ببرد] سپس خداوند عزوجل مردی از

ص: ۶۶

۱- باب شبهات به ادريس عليه السلام ادريس عليه السلام وهو جد ابي نوح عليه السلام واسمه اخنوخ، رفعه الله مكاناً علياً (ادريس) غاب عن قومه لما عزموا على قتله كما في الحديث، عن ابي جعفر عليه السلام القائم غاب عن قومه لما عزموا على قتله. (ادريس) طال غيبته حتى وقع شيعته في غايه العسر والضيق والشده. (القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) يطول غيبته حتى يقع شيعته في غايه العسر والضيق والشده. ففي البحار عن النبي صلی الله علیه وآله قال لا يزال بكم الامر حتى يولد في الفتنه والجور من لا يعرف عندها، حتى تملأ الارض جوراً فلا يقدر احد يقول: الله، ثم يبعث الله عزوجل رجلاً مني ومن عترتي فيملأ الارض عدلاً كما ملأها من كان قبله جوراً. وعن امير المؤمنين عليه السلام انه قال لتملان الارض ظلماً وجوراً حتى لا يقول احد: الله الا مستخيفاً، ثم يأتي الله بقوم صالحين يملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. (ادريس) لما طال غيبته اتفق الناس على التوبه الى الله فاطهره الله تعالی وكشف عنهم البؤس والشده. القائم لو اتفق الناس على التوبه الى الله تعالی في امره وعزموا على نصره لا ظهره الله تعالی ادريس عليه السلام لما ظهر ذل له الملك الجبار واهل قريته.

من و از عترت من بر انگیزد که او زمین را پر از عدل سازد، همچنان که قبل از او آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند. (۱)

و از امیرالمؤمنین علیه السّلام مروی است که فرمود: البته زمین پر از ظلم و ستم می شود تا جایی که کسی - جز مخفیانه - الله نگوید: سپس خداوند قومی صالح را می آورد که آن را پر از قسط و عدل نمایند چنانکه پر شده است از ظلم و جور.

وقتی غیبت ادریس علیه السّلام به طول انجامید، مردم بر توبه اتفاق کردند و به سوی خدا بازگشتند خداوند متعال هم او را ظاهر ساخت و شدت و بدی را از آنان دور کرد.

حضرت قائم نیز همین طور است که اگر مردم بر توبه اتفاق کنند و تصمیم قطعی بر یاری اش داشته باشند، خدای تعالی ایشان را ظاهر خواهد ساخت.

شباهت به هود علیه السلام

شباهت به هود علیه السلام (۲)

نام هود علیه السلام عابر است، و نوح علیه السلام ظهورش را بشارت داد.

در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السّلام آمده که فرمود: هنگامی که وفات نوح نزدیک شد، پیروان خود را فرا خواند و گفت: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که طاغوتها ظاهر می شوند و البته خداوند عزّ و جلّ به وسیله قیام کننده ای از فرزندانم که هود نامیده می شود بر شما گشایشی می رساند. او هیبت و سکینه و وقار دارد، و در خلقت و اخلاق شبیه من است، و خداوند هنگام ظهور او دشمنان شما را به وسیله باد هلاک می کند. پس پیوسته منتظر و مراقب ظهور و قیام هود بودند، تا اینکه مدّت بر آنها طولانی شد و دل بیشترشان را قساوت گرفت. سپس خداوند متعال پیغمبرش هود را فرستاد بعد از اینکه آنها نومید شده بودند و بلا و گرفتاری وجودشان را پر کرده بود و دشمنان به وسیله باد بدون نفع هلاک شدند، بادی که خداوند متعال آن را در قرآن چنین توصیف کرده است: (ما تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالرَّمِيمِ) (۳) بر هیچ چیزی

ص: ۶۷

۱- بحار الانوار، ۵۱/۶۸.

۲- باب شباهته به هود علیه السلام.

۳- هود علیه السّلام قبل اسمع عابر بشر بظهوره نوح علیه السلام. روی فی کمال الدین عن الصادق علیه السلام قال: لما حضرت نوحاً الوفاده دعی الشیعه فقال لهم: اعملوا انه سیکون من بعدی غیبه تظهر الطوغیت، وان الله عزوجل یفرج عنکم بالقائم من ولدی اسمع هود، له سمت و سکینه و وقار یشبهنی فی خَلْقی و خُلُقی، و سیهلك الله اعدائکم عند ظهوره بالریح، فلم یزالوا یرقبون هوداً علیه السّلام و ینتظرون ظهوره، حتی طال علیهم الامد، و قست قلوب اکثرهم، فإظهر الله تعالی ذکره نبیه هوداً عند الیأس منهم. و تنهای البلاء بهم و اهلك الاعداء بالریح العقیم، الثی وصفها الله تعالی ذکره فقال: (ما تذر من شیء أنت علیه الا جعلته کالرمیم) ثم وقعت الغیبه به بعد ذلك الی ان ظهر صالح علیه السّلام. القائم عجل الله فرجه الشریف قد بشر بظهوره بعد

غيبته بجميع تلك الخصوصيات كل واحد من آبائه الكرام عليهم الصلوات والسلام. هود عليه السلام اهلك الله عزوجل الكافرين به بالريح العقيم، كما قال تعالى: (فارسلنا عليهم الريح العقيم ما تذر من شيء أنت عليه الا جعلته كالرميم). القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف سيهلك الله تعالى جمعاً من الكافرين به بريح سوداء مظلمه. [٢]. سورة ذاريات آيه ٤١ و ٤٢.

نگذشت مگر آنکه آن را همچون استخوان خاک شده ساخت. آنگاه غیبت بر او واقع شد تا اینکه صالح علیه السّلام ظاهر گشت (۱).

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز با تمام خصوصیات، پدران بزرگوارش مژده داده اند و غیبت و ظهورش را بیان فرموده اند که پاره ای از آنها گذشت.

خداوند عزوجل کافرین را به وسیله هود علیه السلام هلاک کرد و باد عظیم را بر آنها فرستاد، چنانکه خداوند می فرماید: {إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ آتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالزَّمِيمِ} (۲) که بر آنان تندبادی بی باران فرستادیم که بر هیچ چیزی نگذشت

مگر آنکه آن را همچون استخوان خاک شده ساخت.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است که خداوند متعال به وجود او جمعی از کافران را به وسیله باد سیاهی نابود می کند.

ص: ۶۸

۱- . کمال الدین: ۱/۱۳۵.

۲- . سوره ذاریات آیه ۴۱ و ۴۲.

صالح علیه السلام از قومش غایب شد و پس از آنکه به سوی آنها بازگشت، عده کثیری او را انکار کردند، چنانکه در کمال الدین از امام صادق علیه السلام مروی است که فرمود: صالح علیه السلام مدتی از قومش غایب شد، روزی که از آنان غیبت یافت، میانسال و خوش هیكل و خوش اندام بود؛ ریش انبوه و شکم خفته ای داشت؛ گونه هایش سبک و در میان مردمان میان قد بود. هنگامی که به قومش بازگشت او را به صورتش نشناختند، و آنها را بر سه طایفه دید؛ یک طایفه منکر و کافر، و طایفه دیگر اهل شک و تردید بودند و طایفه سوم یقین و ایمان داشتند. اول، آن طایفه که اهل

ص: ۶۹

۱- باب شبهات بصالح علیه السلام صالح علیه السلام غاب عن قومه فلما رجع اليهم انكره كثير منهم. روى فى كمال الدين عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان صالحاً عليه السلام غاب عن قومه زماناً وكان يوم عنهم كهلاً، مبدح البطن، حسن الجسم وافر اللحية، خميص البطن، حفيف العارضين مجتمعاً رُبْعَهُ من الرجال. فلما رجع الى قومه لم يعرفوه بصورته فرجع اليهم وهم على ثلاث طبقات طبقه جاحده لا ترجع ابداً وأخرى شاكة فيه وأخرى على يقين فبدء عليه السلام حيث رجع بطبقه الشكاك، فقال لهم انا صالح فكذبوه وشموه وزجروه، وقالوا: برىء الله منك ان صالحاً كان فى غير صورتك. قال عليه السلام فاتى الجهاد فلم يسمعوا منه القول ونفروا منه اشد النفور، ثم انطلق الى الطبقة الثالثة، هم اهل اليقين، فقال لهم: انا صالح فقلوا: اخبرنا خبراً لا نشك فيه انك صالح، فانا لا نمترى ان الله تبارك وتعالى الخالق ينقل ويحول فى اى صورته شاء، وقد اخبرنا وتدارسنا فيما بيننا بعلامات القائم اذا جاء، وانما يصح عندنا اذا اتى الخبر من السماء. فقال لهم صالح انا صالح الذى آتيتكم بالناقه، فقالوا: صدقت، وهى التى نتدارس، فما علامتها؟ فقال: (لها شرب ولكم شرب يوم معلوم) قالوا: آمنا بالله وبما جئتنا به فعند ذلك قال الله تبارك وتعالى (ان صالحاً مرسل من ربه) فقال اهل اليقين: (انا بما ارسل به مؤمنون) وقال الذين استكبروا وهم الشكاك والجهاد: (انا بالذى آمنتكم به كفرون) قلت: هل كان فيهم ذلك اليوم عالم؟ قال عليه السلام: الله اعلم من ان يترك الارض بلا عالم يدل على الله عزوجل ولقد مكث القوم بعد خروج صالح سبعة ايام على فتره لا يعرفون اماماً غير انهم على ما فى ايديهم من دين الله عزوجل كلمتهم واحده، فلما ظهر صالح عليه السلام اجتمعوا عليه، وانما مثل القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف مثل صالح.

شک و تردید بودند را دعوت کرد، و به آنان گفت: من صالح هستم. آنها او را تکذیب کردند، و دشنام دادند، و راندند، و گفتند: خداوند از تو بیزار است؛ صالح به صورت تو نبود. سپس نزد منکرین و کافرین آمد، و آنها را دعوت فرمود، ولی از او نپذیرفتند و به بدترین وجهی از او رمیدند. آنگاه نزد طایفه سوم آمد و گفت: من صالح هستم. گفتند: نشانه ای بگو که بدانیم تو صالح هستی، چون که ما تردید نداریم که خداوند تعالی آفریدگار است؛ هر کس را به هر شکل بخواهد در می آورد، ما در میان خودمان نشانه های قائم را به یکدیگر اطلاع داده و بررسی کرده ایم تا اینکه هر گاه بیاید برای ما معلوم باشد و صحت آن به وسیله یک خبر آسمانی بر ما محقق گردد.

صالح علیه السلام فرمود: من همان صالح هستم که شتر را برای شما آوردم.

گفتند: راست می گویی؛ همین مطلب را ما با هم بررسی می کردیم؛ نشانه های آن چیست؟ فرمود: یک روز او آب می آشامید و روز دیگر شما. گفتند: ما به خداوند و آنچه تو از جانب او آورده ای ایمان داریم. اینجا است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (إِنَّ صَالِحًا مُرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ) (۱)

همانا صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده است.

و اهل یقین و ایمان گفتند: (إِنَّ بِنَا أَرْسَلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ) (۲) ما به آنچه او فرستاده شده ایمان داریم.

و کسانی که تکبیر کردند - که شک کنندگان باشند - گفتند: (إِنَّا بِالذِّی آمَنَّا بِهِ كَافِرُونَ) (۳) ما به آنچه شما ایمان آورده اید کفر ورزیده ایم.

راوی گوید: آیا آن زمان، میان آنها عالمی هم بود که به صالح آگاه باشد؟ امام می فرماید: خداوند عادل تر از آن است که زمین را بدون عالمی بگذارد که مردم را به سوی خداوند رهبری کند، آن مردم تنها هفت روز پس از خروج صالح از میان آنها، در حال حیرت که امامی را نمی شناختند به سر بردند، که در همان حال هم دین خدای عزّ و جلّ را در اختیار داشتند و با هم

ص: ۷۰

۱- .سوره اعراف آیه ۷۵.

۲- .سوره اعراف آیه ۷۵.

۳- .سوره اعراف آیه ۷۶.

متحد بودند، و چون صالح عليه السلام ظاهر شد، پیرامونش جمع شدند، و همانا مثل قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف نیز مثل صالح است (۱).

ص: ۷۱

۱- . کمال الدین: ۱/۱۳۶.

١- باب شباہتہ بابرہیم علیہ السّلام ابرہیم علیہ السّلام خفی حملہ و ولادته القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف خفی حملہ و ولادته ابرہیم علیہ السّلام كان يشب في اليوم كما يشب غيره في الجمعه و يشب في الجمعہ كما يشب غيره في الشهر، و يشب في الشهر كما يشب غيره في السنه كما ورد بذلك الروايه عن الصادق عليه السّلام القائم كذلك. ففي الخبر حكيمه رضى الله عنها المفصله قالت: فلما كان بعد اربعين يوماً دخلت دار ابي محمد صلى الله عليه وآله فاذا مولانا صاحب الزمان يمشى في الدار فلم أرَ وَجْهًا احسن من وجهه، و لا لغه افصح من لغته فقال لى ابو محمد صلى الله عليه وآله هذا المولود الكريم على الله عز وجل قلت له يا سيدى له اربعون يوماً و انا ارى من امره ما ارى فقال عليه السّلام: يا عمى اما علمت انا معشر الاوصياء نشوء في اليوم ما ينشؤ غيرنا في جمعه و نشوء في الجمعہ ما ينشؤ غيرنا في جمعه و نشوء في الجمعہ ما ينشؤ غيرنا في السنه. (ابراهيم) اعتزل الناس قال الله عز وجل نقلا عنه «واعترلكم و ما تدعون من دون الله». القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف اعتزل الناس ابراهيم عليه السّلام وقع له غيبتان القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف وقع له غيبتان (ابراهيم) بنى البيت، و وضع الحجر الاسود مكانه، قال الله عز وجل «واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت واسماعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم» وفي البرهان وغيره من عقبه بن بشير، عن احدهما، اى الباقر والصادق عليه السّلام قال: ان الله عز وجل امر ابراهيم ببناء الكعبه، وان يرفع قواعدها، و يرى الناس مناسكهم فبنى ابراهيم و اسماعيل البيت كل يوم ساقا حتى انتهى الى موضع الحجر الاسود، و قال ابو جعفر عليه السّلام فنادى ابو قبيس ان لك عندى وديعه فاعطيه الحجر، فوضعه موضعه. وفي الخرائج عن ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، قال: لما وصلت بغداد فى سنه سبع و ثلاثين و ثلاثمائه للحج و هى السنه التى رد القرامطه فيها الحجر فى مكانه الى البيت كان اكبر همى الظفر بمن ينصب الحجر لانه مضى فى اثناء الكتب قصه أخذه وانه لا يضعه فى مكانه الا الحجه فى الزمان كما فى زمان الحجاج وضعه زين العابدين عليه السلام مكانه. فاستقر، فاعتلت عله صعبه خفت منها على نفسى ولم يتهياً لى ما قصد له فعرفت ان ابن هشام يمضى الى الحرم فكتبت رقعته واعطيته اياها محتومه، اسال فيها من مده عمرى، وهل تكون الموته فى هذه العله ام لا؟ وقلت له: همى فى اىصال هذه الرقعته الى واضع الحجر فى مكانه واخذ جوابه وانما انه بك لهذا. قال: فقال المعروف بابن هشام: لما حصلت بمكه وعزم على اعاده الحجر بذلت لسدنه البيت جملة تمكنت معها من الكون بحيث ارى واضع الحجر فى مكانه واقمت معى منهم من يمنع عنى ازدحام الناس، فكلما عمد انسان لوضعه اضطراب ولم يستقم فاقبل غلام اسمر اللون حسن الوجه فتناوله فوضعه فى مكانه فاستقام كانه لم يزل عنه وعلت لذلك الاصوات، فانصرف خارجاً من الباب فنهضت من مكانى اتبعه، وادفع الناس عنى يميناً وشمالاً حتى ظن بى الاختلاط، والناس يفرجون له وعينى لا تفارقه حتى انقطع عن الناس، فكنت اسرع المشى خلفه وهو يمشى على تؤده السير لادركه، فلما حصل بحيث لا يراه احد غيرى وقف، والتفت الى فقال عليه السّلام هات ما معك. فناولته الرقعته فقال من غير ان ينظر اليهما: قل له: لا خوف عليك فى هذه العله ويكون ما لا بد منه بعد ثلثين سنه. قال: فوقع على الدمع حتى لم اطق حراكا وتركنى وانصرف. قال ابو القاسم فحضر فاعلمنى بهذه الجملة قال: فلما كان سنه ثلثين اعتلا بو القاسم، فاخذ ينظر فى امره بتحصيل جهاز قبره وكتب وصيته، فاستعمل الجد فى ذلك، فقيل له ماذا الخوف؟ ونرجو ان يتفضل الله بالسلامه؟ فما عليك مما تخافه هذه السنه التى خوفت فيها فمات فى علته ومضى. ابراهيم عليه السلام ابخيه

الله تعالى من النار، قال عزوجل في كتابه الكريم (قل يا نار كوني برداً وسلاماً على ابراهيم). والقائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يظهر مثل ذلك بكرامته. ففي بعض الكتب عن محمد بن زيد الكوفى، عن الصادق عليه السلام قال عليه السلام يأتى الى القائم حين يظهر رجل من اصفهان ويطلب عنه معجزة ابراهيم خليل الرحمن فيأمر عليه السلام ان توقد نار عظيمه ويقراء قوله تعالى. (فسبحان الذى بيده ملكوت كل شىء واليه ترجعون). ثم يدخل فى النار، ثم يخرج منها سالماً فينكر الرجل لعنه الله تعالى عليه ويقول هذا سحر. فيأمر القائم النار فتأخذة وتحرقه فيحترق، ويقول هذا جزء من انكر صاحب الزمان ووجه الرحمن، صلوات الله وسلامه عليه. (اسمعيل عليه السلام) انفجر له من الارض عين زمزم (القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف) ينفجر له من الحجر الصلب كما يأتى فى شباهته بموسى عليه السلام وقد نبع له من الارض مرارا. منها ما فى البحار عن كتاب تنبيه الخواطر حدثنى السيد الاجل على بن ابراهيم العريضى العلوى الحسينى عن على بن على بن على بن نما قال: حدثنا الحسن بن على بن حمزه الاقساسى، فى دار الشريف على بن جعفر بن على المدائنى العلوى، قال كان بالكوفة شيخ قصار، و كان موسوماً بالزهد، منخرطاً فى سلك السياحه مبتللاً للعباده، مقتضياً للآثار الصالحه، فاتفق يوماً انى كنت بمجلس والدى. به عنوان ملاقات ذكر كرد. وكان هذا الشيخ يحدثه وهو مقبل عليه قال: كنت ذات ليله بمسجد جعفى و هو مسجد قديم فى ظاهر الكوفه و قد انتصف الليل و انا بمفردى فيه للخلوه و العباده اذا اقبل علىّ ثلثه اشخاص فدخلوا المسجد فلما توسطوا صرحته جلس احدهم، ثم مسح الارض بيده يمنه و يسره، و خضخض اسماء و نبع، فاسبغ الوضوء، منه ثم اشار الى الشخصين الاخرين باسبغ الوضوء، فتوضأ ثم تقدم فضلى بهما اماما، فصليت معهم مؤتما به، فلما سلم و قضى صلوته بهرنى حاله، و استعظمت فعله، من انباع الماء، فسألت الشخص الذى كان منهما على يمينى عن الرجل، فقلت له من هذا؟ فقال لى: هذا صاحب الامر، ولد الحسن عليه السلام فدنوت منه و قبلت يديه، و قلت له: يا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تقول فى الشريف عمر بن حمزه هل هو على الحق؟ فقال: لا. و ربما اهتدى، الا انه لا يموت حتى يرانى فاستطرفنا هذا الحديث. فمضت برهه طويله فتونى الشريف عمر، و لم يسمع انه لقيه عليه السلام فلما اجتمعت بالشيخ الزاهد اذا كرت به بالحكايه التى كان ذكرها، و قلت له مثل الراد عليه: اليس كنت ذكرت ان هذا الشريف لا يموت حتى يرى صاحب الامر الذى اشرت اليه؟ فقال لى: و من أين علمت انه لم يره. ثم انى اجتمعت فيما بعد بالشريف ابى المناقب ولد الشريف عمر بن حمزه، و تفاوضنا احاديث والده، فقال انا كنا ذات ليله فى آخر الليل عند والدى، وهو فى مرضه التى مات فيه و قد سقطت قوته، و خفت صوته، و الابواب مغلقة علينا، اذ دخل علينا شخص هبناه، و استطرفنا دخوله، و ذهنا عن سؤاله فجلس الى جنب والدى، و جعل يحدثه ملياً، و والدى يبكى، ثم نهض، فلما غاب عن اعيننا، تحامل والدى، و قال اجلسونى، فاجلسنا و فتح عينيه، و قال: أين الشخص الذى كان عندى؟ فقلنا: خرج من حيث أتى فقال: اطلبوه، فذهبنا فى اثره فوجدنا الابواب مغلقة، و لم نجد له اثرا فعدنا اليه فاخبرناه، بحاله، و انا لم نجد، و سألناه عنه فقال: هذا صاحب الامر. ثم عاد الى ثقله فى المرض، و اغمى عليه.

ابراهیم علیه السّلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود.

حضرت ولی عصر نیز حمل و ولادتشان مخفی بود.

ابراهیم علیه السّلام در روز به قدری رشد می کرد که دیگران در یک هفته رشد می کنند و در یک هفته آنقدر رشد داشت که دیگران در یک ماه رشد می کنند و در یک ماه به مقداری که دیگران در یک سال رشد دارند، چنان که این مطلب از امام صادق علیه السّلام روایت شده است. (۱)

ص: ۷۴

۱- . بحار الانوار، ۱۲/۱۹.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین بود، چنانکه در خیر حکیمه رضی الله عنها آمده که گفت: پس از گذشت چهل روز به خانه حضرت ابو محمد، امام عسکری علیه السلام، وارد شدم که ناگاه مولایم صاحب الزمان را دیدم که در خانه راه می رود. از او زیاروی تر و فصیح تر ندیدم. حضرت ابو محمد علیه السلام به من فرمود: این است مولود گرامی نزد خداوند عزوجل. عرض کردم: ای آقای من! چهل روزه است و من این وضع را در او می بینم! فرمود: ای عمه من! مگر ندانستی که ما گروه اوصیا در یک روز به مقدار یک هفته دیگران و در یک هفته به مقدار یک ماه دیگران و در یک ماه به مقدار یک سال دیگران رشد می کنیم. (۱)

حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم عزلت گزیده، خداوند عزوجل به نقل از او فرموده: (واعترز لکم وما تدعون من دون الله)؛ (۲)

«و از شما و آنچه غیر خداوند می پرستید کناره می گیرم».

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از مردم اعتزال جسته است.

حضرت ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشته است.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دو غیبت داشته است.

ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا کرد و حجر الاسود را در جایش نصب فرمود. خداوند عزوجل می فرماید: (واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل ربنا تقبل منا انک السميع العليم)؛ (۳)

«و [به یاد آور] هنگامی که ابراهیم و نیز اسماعیل ستون های خانه [کعبه] را بالا بردند (و گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر که همانا تو شنوای دانایی هستی».

و در برهان و غیر آن، از عقبه بن بشیر، از یکی از دو امام (باقر و صادق علیه السلام) روایت است که فرمودند: خداوند عزوجل به ابراهیم دستور داد که خانه کعبه را بسازد و پایه های آن را بنا نماید و به مردم محل عبادت و مناسکشان را ارائه دهد. پس ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را هر

ص: ۷۵

۱- . بحار الانوار، ۵۱/۲۷.

۲- . مریم/۴۸.

۳- . بقره/۱۲۷.

روز به مقدار یک ساق می ساختند تا به جایگاه حجر الاسود رسیدند. حضرت باقر علیه السلام

فرمود: پس در اینجا کوه ابو قییس او را ندا کرد که تو نزد من امانتی داری.

آن گاه حجر الاسود را به ابراهیم داد و آن حضرت آن را در جای خودش نصب کرد. (۱)

در خرائج از ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه مروی است که گفت: در سال سیصد و سی و هفت به قصد تشرّف به حجّ به بغداد رسیدم. آن سال بنا بود قرامطه حجر الاسود را به جایگاهش باز گردانند و بیشترین کوشش من برای آن بود که به کسی که حجر الاسود را در جای خودش نصب می کند دست یابم؛ زیرا که در کتابها خوانده بودم که آن را جز حجت زمان کسی نمی تواند به جای خود نصب نماید - چنانکه در زمان حجّاج، امام زین العابدین علیه السلام آن را در جای خود قرار داد - ولی به بیماری شدیدی دچار شدم که از آن بر خود ترسیدم. و با آن حال نتوانستم به سفر خود ادامه دهم و می دانستم که ابن هشام به مکه سفر می کند.

لذا نامه ای نوشتم و آن را مهر کرده و به او سپردم. در آن نامه از مدت عمرم پرسیده بودم که آیا مرگ من در این بیماری است یا نه؟ و به ابن هشام گفتم: سعی من بر این است که این نامه به دست کسی که حجر الاسود را به جای خودش نصب می کند، برسد. من تو را برای این کار فرا خواندم.

ابن هشام گوید: وقتی به مکه رسیدم و موقع جایگذاری حجر الاسود فرا رسید، به خدام حرم پولی دادم که در آن وقت معین بگذارند جایی باشم که بینم نصب کننده آن کیست و آنها را با خود همراه کردم تا ازدحام جمعیت را از من دور سازند. دیدم هر کس خواست حجر را در جایش نصب کند، نمی توانست و حجر الاسود قرار نمی یافت و می افتاد.

پس جوانی گندمگون و خوش صورتی آمد، آن را گرفت و در جایش قرار داد. آن چنان بند شد که انگار اصلاً از آنجا کنده نشده بود، فریادهای مردم به خاطر آن بلند شد و آن جوان رفت که از درب خارج شود، من از جای خود برخاستم و به دنبالش رفتم، مردم را از راست و چپ کنار می زدم که خیال کردند دیوانه ام. مردم برای او راه می گشودند و من چشم از او نمی گرفتم تا از مردم جدا شد. من به سرعت می رفتم و او با تائی و آرامش می رفت، و چون به جایی رسید که غیر

ص: ۷۶

از من کسی او را نمی دید، به سمت من برگشت و فرمود: آنچه با خود داری پیش آور. من نامه را تقدیم کردم. بدون اینکه به آن نگاهی کند، فرمود: به او بگو که از این بیماری ترسی بر تو نیست و مرگی که چاره ای از آن نیست پس از سی سال می رسد. اشک در چشمم حلقه زد و نمی توانستم از جا حرکت کنم، مرا به حال خود گذاشت و رفت. ابو القاسم می گوید: این جریان را ابن هشام برایم گفت.

راوی می افزاید: پس از سی سال از آن ماجرا ابو القاسم بیمار شد، پس به امور خود رسیدگی کرد، وصیت نامه اش را نوشت و جدّیت عجیبی در این کار داشت. به او گفتند: این ترس چیست؟ امیدواریم خداوند به سلامت تو منت بگذارد! جواب داد: این همان سالی است که ترسانیده شده ام. و در همان بیماری در گذشت. خداوند رحمتش کند. (۱) خداوند حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد. خدای عزوجل در کتاب خود می فرماید: {قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم}؛ (۲)

«ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به همین ترتیب خواهد شد. چنانکه در بعضی از کتابها از محمد بن زید کوفی از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند، شخصی از اصفهان نزد آن حضرت می آید و معجزه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را تقاضا می کند. پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی برافروزند و این آیه را می خواند (فسبحان الذی بیده ملکوت کلّ شیء والیه ترجعون)؛ (۳) «پس منزّه است خداوندی که مالکیت و زمام همه چیز در دست اوست و به سوی او باز گردانده می شوید». سپس داخل آتش می شود و آن گاه به سلامت از آن بیرون می آید. آن مرد ملعون این معجزه را انکار می کند و می گوید: این سحر است. پس آن حضرت به آتش دستور می دهد مرد را می گیرد و می سوزاند و می فرماید: این جزای کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمان را انکار نماید.

ص: ۷۷

۱- الخرائج، باب ۱۳، جای این سؤال هست که چرا ابن قولویه - با همه جلالت قدر - تنها از تاریخ وفات خود می پرسد، از درگاه خداوند فرج امام و حلّ مشکلات عموم را خواهانیم. (مترجم)

۲- انبیاء/۶۹.

۳- یس/۸۳.

اسماعیل علیه السلام چشمه زمزم از زمین برایش جوشید.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آب از سنگ سخت برایش خواهد جوشید، چنانکه در بحث شبهات آن حضرت به موسی علیه السلام خواهد آمد و چندین بار نیز آب از زمین برای آن بزرگوار جوشیده است. چنانکه در بحار از کتاب تنبیه الخاطر از اجل علی بن ابراهیم عریضی علوی حسینی از علی بن علی فرزند نما منقول است که گفت: حسن بن علی فرزند حمزه ی اقساسی در خانه شریف علی بن جعفر، فرزند علی مدائنی علوی، برای ما تعریف کرد که: پیرمردی رخت شویی در کوفه بود که به زهد و پارسایی و عبادت و عزلت موصوف بود و پیوسته در پی آثار و اخبار نیکان می رفت.

در یکی از روزها که من در مجلس پدرم بودم، دیدم این پیرمرد برای پدرم سخن می گوید و پدرم خوب گوش می دهد. پیرمرد می گفت: شبی در مسجد جعفری - که مسجدی قدیمی و در بیرون کوفه است - بودم، شب به نیمه رسیده بود و من در آنجا برای عبادت خلوت داشتم که ناگاه سه نفر داخل مسجد شدند، چون به وسط حیاط مسجد رسیدند یکی از آنها به زمین نشست، سپس دست خود را به چپ و راست روی زمین کشید که آبی جوشید و از آنجا بیرون زد و آن دو نفر به او اقتدا کردند، من هم رفتم به او اقتدا کردم و نماز خواندم.

پس از آنکه نماز را سلام داد و آن را به جای آورد، وضع او مرا مبهوت کرد و آب بیرون آوردنش را بزرگ شمردم، از یکی از آن دو نفر که سمت راست من بود، پرسیدم: این کیست؟ به من گفت: این صاحب الامر فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، پیش رفتم و دست های مبارک حضرت را بوسیدم و عرضه داشتم: یا بن رسول الله! درباره شریف عمر فرزند حمزه چه می فرمایی؟ آیا او بر حق است؟ فرمود: خیر! ولی بسا که هدایت شود و پیش از مرگ مرا می بیند.

راوی می گوید: این حدیث جالب را نگاهشتم و مدتی از این قضیه گذشت تا اینکه شریف عمر فرزند حمزه وفات یافت و شنیده نشد که او امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیده باشد. روزی با آن پیرمرد زاهد در جایی ملاقات نمودم و جریانی که گفته بود را به یادش انداختم و از او به صورت ایراد - پرسیدم: مگر شما نگفتید: شریف قبل از مرگش حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را - که به او اشاره نمودی -

خواهد دید؟ پیرمرد گفت: از کجا دانستی که او آن حضرت را ندیده است؟ بعد از آن، روزی شریف ابوالمناقب پسر شریف عمر فرزند حمزه را دیدم و درباره پدرش با او گفتگو کردم.

شریف ابوالمناقب گفت: در یکی از شبهایی که پدرم در بستر مرگ قرار داشت نزد او بودم. آخر شب نیروی بدنی پدرم تحلیل رفته و صدایش ضعیف شده و درها به روی ما بسته بود. ناگهان مردی بر ما وارد شد که هیبت او ما را گرفت و آمدنش را با وجود بسته بودن درها هم تلقی کردیم؛ ولی توجهی نداشتیم که از وی سؤالی کنیم. آن مرد کنار پدرم نشست و مدتی آهسته با وی گفتگو کرد و پدرم گریست. سپس برخاست و رفت، و چون از دیدگان ما غایب شد، پدرم به سختی تکان خورد و گفت: مرا بنشانید، ما هم او را نشانیدیم، چشم های خود را باز کرد و گفت: این شخص که نزد من بود کجاست؟ گفتیم: از همانجا که آمده بود، بازگشت. گفت: دنبالش بروید. رفتیم ولی او را دیگر نیافتیم و درها بسته بود. نزد پدر بازگشتیم و جریان را به او گفتیم. سپس از او پرسیدیم: این شخص که بود؟ گفت: این صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. پس از آن بیماری اش عود کرد و بیهوش شد. (۱)

ص: ۷۹

شبهات به یوسف علیه السلام (۱)

یوسف علیه السلام مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند، پس آنان را شناخت در حالی که آنها او را نشناختند. (۲)

حضرت قائم ارواحنا فداه نیز از خلق غایب شده، در عین حالی که در میان آنها راه می رود و آنان را می شناسد ولی آنها او را نمی شناسند.

یوسف علیه السلام خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرمود که پادشاه مصر آن خواب را دید.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز خداوند متعال امرش را در یک شب اصلاح می فرماید. پس در آن یک شب یاران آن حضرت را از بلاد دور جمع می کند.

شیخ صدوق در کمال الدین از حضرت ابو جعفر، امام باقر علیه السلام، روایت کرده که فرمود: در صاحب این امر شبهاتی از یوسف علیه السلام هست و آن اینکه خداوند عزوجل در یک شب امر او را اصلاح می فرماید. (۳)

ص: ۸۰

۱- باب شبهات به یوسف علیه السلام یوسف علیه السلام غاب زماناً طویلاً «فدخل علیه اخوته فعرفهم وهم له منكرون» القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف غاب عن الخلق، وهو مع ذلك يسير فيهم و يعرفهم ولا يعرفونه. یوسف علیه السلام اصلاح الله تعالی امره فی ليله واحده حيث رأى فيها ملك مصر فى المنام ما رأى. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف يصلح الله تعالی امره فى ليله واحده فيجمع له فيها اعوانه من اقاصى البلاد. روى الصدوق (ره) فى كمال الدين عن ابى جعفر عليه السلام قال ان صاحب هذا الامر فيه شبهه من يوسف عليه السلام يصلح الله عز وجل امره فى ليله واحده و عن النبى (ص) قال: المهدى منا اهل البيت، يصلح الله له امره فى ليله يوسف عليه السلام ابتلى بالسجن قال: «رب السجن احب الى مما يدعونى اليه» القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مر فى حديث ابى جعفر عليه السلام انه قال: فى صاحب هذا الامر سنه من موسى و سنه من عيسى، و سنه من يوسف، و سنه من محمد صلى الله عليه وآله الى ان قال: و اما من يوسف فالسجن والغيبه. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فى كمال عن الباقر عليه السلام فى بيان شبهاته بجمع من الانبياء قال عليه السلام و اما شبهاته من يوسف بن يعقوب عليه السلام فالغيبه من خاصته و عامته و اختفاؤه من اخوته و اشكال امره على ابى يعقوب النبى صلى الله عليه وآله مع قرب المسافه بينه و بين ابىه و اهله و شيعته.

۲- . يوسف / ۸۸.

۳- . كمال الدين، ۱/۳۲۹.

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند: حضرت مهدی از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند. (۱)

یوسف علیه السّلام دچار زندان شد، وی گفت: (پروردگارا زندان برایم خوش تر از چیزی است که اینان مرا به آن فرامی خوانند). (۲)

قائم علیه السّلام نیز در حدیثی که از حضرت امام باقر علیه السّلام آوردیم، چنین آمده که فرمود: در صاحب این امر سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله هست - تا آنجا که فرمود - و اما سنت یوسف، زندان و غیبت است. (۳)

در کمال الدین از حضرت امام باقر علیه السّلام در بیان شباهت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به جمعی از پیغمبران چنین آمده است؛ و اما شباهت او به یوسف بن یعقوب علیه السّلام، غیبت از خاص و عام و مخفی بودن از برادران و پوشیده شدن امر او از پدرش، یعقوب پیغمبر، با وجود نزدیک بودن مسافت بین آن حضرت با پدر و خاندان و پیروانش می باشد. (۴)

ص: ۸۱

۱- بحار الانوار، ۵۲/۲۸۰.

۲- یوسف/۳۳.

۳- کمال الدین، ۱/۳۲۹.

۴- کمال الدین، ۱/۳۲۷.

١- باب شبهاته بالخضر عليه السلام الخضر عليه السلام طول الله عز وجل عمره، وهذا ثابت عند الفريقين (الشيعة و السنة) و يدل عليه اخبار كثيره. منها ما فى البحار عن المناقب عن داود الرقى، قال قال: خرج اخوان لى يريدان المزار، فعطش احدهما عطشا شديداً، حتى سقط من الحمار و سقط الاخر فى يده، فقام فصلى و دعا الله و محمداً (ص) و امير المؤمنين عليه السلام و الاثمه عليه السلام كان يدعو واحداً بعد واحد حتى بلغ الى آخرهم جعفر بن محمد (ص) فلم يزل يدعوه و يلوذ به، فاذا هو برجل قد قام عليه، وهو يقول يا هذا ما قصتك؟ فذكر له حاله، فناوله قطعه عود، و قال: ضع هذا بين شفثيه ففعل ذلك فاذا هو قد فتح عينيه و استوى جالسا، ولا عطش به، فمضى حتى زار القبر. فلما انصرف الى الكوفه، اتى صاحب الدعاء المدينه، فدخل على الصادق عليه السلام فقال له اجلس ما حال اخيك؟ اين العور؟ فقال يا سيدى انى لما اصبت باخى اغتممت غماً شديداً فلما رد الله عليه روحه نسيت العود من الفرحة فقال الصادق عليه السلام اما انه ساعه صرت الى غم اخيك اتانى اخى الخضر، فبعثت اليك على يديه قطعه عود من شجره طوبى ثم التفت الى خادم له فقال: على بالسفط فاتى به ففتحه، واخرج منه قطعه العود بعينها، ثم اراها اياه حتى عرفها، ثم ردها، الى السقط القائم طول الله عمره، بل يظهر من بعض الاحاديث، ان الحكمة فى تطويل عمر خضر عليه السلام ان يكون دليلاً على طول عمر القائم. روى الصدوق عليه السلام فى كمال الدين فى حديث طويل، عن الصادق عليه السلام انه قال و اما العبد الصالح الخضر عليه السلام فان الله تبارك و تعالى ما طول عمره لنبوه قدرها له و لا للكتاب ينزله عليه و لا لشريعته ينسخ بها شريعته من كان قبله من الانبياء و لا امامه يلزم عباده الاقتداء بها و لا لطاعه يفرضها له، بلى ان الله تبارك و تعالى كما لما كان فى سابق علمه ان يقدر من عمر القائم ما يقدر من عمر الخضر و ما قدر فى ايام غيبته ما قدر و علم ما يكون من انكار عباده بمقدار ذلك العمر فى الطول طول عمر العبد الصالح من غير سبب يوجب ذلك الالعه الاستدلال به على عمر القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و ليقطع بذلك حجه المعاندين لثلا يكون للناس على الله حجه. وفى كمال الدين ايضاً عن الرضا عليه السلام قال: ان الخضر عليه السلام شرب من ماء الحيوه فهو حى لا يموت حتى ينفخ فى الصور، وانه لياتينا فيسلم علينا، فيسمع صوته و لا- يرى شخصه وانه ليحضر حيث ما ذكر، فمن ذكره منكم فليسلم عليه و انه ليحضر الموسم كل سنه، فيقضى جميع المناسك و يقف بعرفه، فيؤمن على دعائى المؤمنين و سيونس الله به و حشه قائمنا فى غيبته و يصل به و حدته. الخضر عليه السلام اسمه بلى و قيل غير ذلك سمي خضراً لانه كان لا يجلس على خثبه يابسه الا اخضرت كما عن الصدوق عليه السلام و قيل لانه كان اذا صلى اخضر ما حوله و قيل لانه كان فى ارض بيضاء فاذا هى تهتز خضراء من خلفه. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف روى فى نجم الثاقب انه لا ينزل بارض الا اخضرت و اعشوشبت، و نبع منها الماء فاذا ارتحل غار الماء و صارت الارض كما كانت. الخضر عليه السلام كان مامورا بعلم الباطن و لهذا قال لموسيس: انك لن تستطيع معى صبراً و كيف تصبر على ما لم تحط به خيرا القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ايضاً مأمور بعلم الباطن. (راجع الى المكياى المكارم ج ١ ص ٨٤) الخضر عليه السلام يحضر الموسم كل سنه فيقضى مناسك الحج. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يحضر الموسم كل سنه فيقضى مناسك الحج. و يعجبني هنا نقل روايه لطيفه و حكايه شريفه فيها فوائد عظيمه و موائد جسيمه. روى الصدوق (ره) فى كمال الدين باسناده عن ابى نعيم الانصارى و رواه الفاضل المجلسى (ره) فى البحار عن كتاب الغيبه

للشيخ الطوسي (ره) باسناده عن ابي نعيم احمد بن محمد الانصارى قال كنت حاضراً عند المستجار بمكة و جماعه زهاد ثلثين رجلا لم يكن منهم مخلص غير محمد بن القسم العلوى فيينا نحن كذلك فى اليوم السادس من ذى الحجه سنه ثلث و تسعين و ماتين اذ خرج علينا شاب من الطواف عليه ازاران محرم بهما و فى يده نعلان فلما رأيناه قمنا جميعا هيبه له و لم يبق منا احد الاقام فسلم علينا و جلس متوسطا و نحن حوله. ثم التفت يمينا و شمالا ثم قال اتدرون ما كان ابو عبد الله عليه السلام يقول فى دعاء الاحلال قلنا و ما كان يقول؟ قال عليه السلام كان يقول: اللهم انى اسلك باسمك الذى تقوم به السماء و به تقوم الارض و به تفرق بين الحق و الباطل و به تجمع بين المتفرق و به تفرق بين المجتمع و به احصيت عدد الرمال و زنه الجبال وليك البحار ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجعل لى من امرى فرجاً و مخرجاً. ثم نهض و دخل الطواف فقمنا لقيامه حتى انصرف و نسينا ان نذكر امره و ان نقول من هو؟ و اى شىء هو؟ الى الغد فى ذلك الوقت فخرج علينا من الطواف فقمنا له كقيامنا بالامس و جلس فى مجلسه متوسطاً ثم نظر يمينا و شمالاً و قال اتدرون ما كان يقول امير المؤمنين عليه السلام بعد صلوه الفريضة؟ قلنا و ما كان يقول؟ قال عليه السلام كان يقول «اللهم اليك رفعت الاصوات و دعيت الدعوات، ولك خضعت الرقاب و اليك التى كم فى الاعمال، يا خير من سئل و يا خير من اعطى يا صادق يا بارئ يا من لا يخلف الميعاد يا من امر بالدعاء و تكفل بالاجابه يا من قال (ادعوني استجب لكم) يا من قال: (و اذا سئلك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوه الداع اذا دعان فليستجيبوا لى و ليؤمنوا بى لعلمهم يرشدون). يا من قال: «يا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً انه هو الغفور الرحيم. لبيك و سعديك ها انا ذا بين يديك، المسرف و انت القائل «لا تقنطوا من رحمه الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً. ثم نظر يمينا و شمالاً بعد هذا الدعاء فقال عليه السلام اتدرون ما كان امير المؤمنين عليه السلام يقول فى سجده الشكر؟ قلنا و ما كان يقول؟ قال: كان يقول: (يا من لا يزيده كثره العطاء الاسعه و عطاء، يا من لا يزيده الحاح الملحين الا جوداً و كرمأ يا من لا- ينفد خزائنه يا من له خزائن السموات والارض، يا من له خزائن مادق و جل لا- يمنعك اسائتى من احسانك، انى اسئلك ان تفعل بى ما انت اهله، فانت اهل الجود و الكرم و العفو و التجاوز يا رب يا الله لا تفعل بى الذى انا اهله فانى اهل العقوبه و قد استحققتها لا حجه لى و لا عذر لى عندك ابوء لك بذنوبى كلها و اعترف بها كى تعفو عنى و انت اعلم بها منى بؤت اليك بكل ذنب اذنبته و بكل خطيئه اخطاتها و بكل سيئه عملتها يا رب اغفر لى و ارحم و تجاوز عما تعلم انك انت الاعز الا-كرم. فقال لنا ابو على محمودى: يا قوم اتعرفون هذا؟ هذا والله صاحب زمانكم فقلنا: و كيف علمت يا ابا على؟ فذكر انه مكث سبع سنين يدعو ربه و سيله معاينه صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف. قال فيينا نحن يوماً عشيه عرفه و اذا بالرجل بعينه يدعو بدعاء و عيته فسألته ممن هو؟ فقال عليه السلام من الناس قلت: من اى الناس؟ قال من عربها قلت من اى عربها قال من اشرفها قلت و من هم؟ قال: بنو هاشم قلت من اى بنو هاشم؟ قال: من اعلاها ذروه و اسناها رفعه قلت ممن؟ قال ممن فلق الهام و اطعم الطعام و صلى بالليل والناس نيام. قال فعلمت انه علوى فاحببته على العلويه ثم افتقدته بين يدي فلم ادر كيف مضى فى السماء ام فى الارض؟ فسئلت القوم الذين كانوا حوله اتعرفون هذا العلوى فقالوا نعم: يحج معنا فى كل سنه ما شياً فقلت سبحان الله و الله ما ارى به اثر مشى. قال فانصرفت الى المزدلفه كئيباً حزيناً على فراقه و نمت فى ليلتى تلك فاذا انا برسول الله (ص) فقال: يا محمد رأيت طلبتك؟ فقلت و من ذاك يا سيدى فقال عليه السلام الذى رأيت فى عشيتك هو صاحب زمانك قال فلما سمعنا ذلك منه عاتبناه عليه ان لا يكون اعلمنا ذلك فذكر انه كان ناسيا امره الى وقت ما حدثنا به.

خداوند عمر حضرت خضر را طولانی نمود. این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد، از جمله:

در بحار به نقل از مناقب از داود رقی روایت شده که گفت: دو تن از برادرانم به قصد زیارت مسافرت کردند، یکی از آن دو از شدت تشنگی بی تاب شد به طوری که از الاغ خود به زمین افتاد، و دیگری نیز دچار زحمت گردید، ولی از جای برخاست و نماز خواند و به درگاه خدا و

ص: ۸۴

پیغمبر و امیرالمؤمنین و امامان (ع) استغاثه کرد و یک یک آنها را نام برد تا به نام جعفر بن محمد علیه السّلام رسید، و شروع کرد به صدا زدن آن حضرت، که ناگاه مردی را دید به بالینش ایستاده و می گوید: جریان تو چیست؟ ماجرای خود را برایش بازگو کرد. آن مرد قطعه چوبی به او داد و گفت: این را بین دو لب او (دوست از حال رفته) بگذار. همین کار را کرد ناگهان دید او چشمش را گشود و برخاست نشست و اصلاً تشنگی احساس نمی کند، رفتند تا قبر مطهر را زیارت کردند.

چون به سوی کوفه مراجعت کردند، آن کس که دعا کرده بود به مدینه سفر کرد و بر امام صادق علیه السّلام وارد شد، آن حضرت فرمود: بنشین، حال برادرت چگونه است؟ آن چوب کجاست؟ عرض کرد: ای آقای من! وقتی برادرم به آن حال افتاد خیلی غمناک شدم و هنگامی که خداوند روح او را باز گرداند از خوشحالی چوب را فراموش کردم.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ساعتی که تو در غم برادرت فرو رفتی، برادرم خضر نزد من آمد، به دست او برای تو قطعه چوبی از درخت طوبی فرستادم. سپس آن حضرت به خادم خود رو کرد و فرمود: برو آن عطردان را بیاور، خادم رفت و آن را آورد. حضرت آن را گشود و همان قطعه چوب را بیرون آورد و به آن شخص داد تا آن را شناخت، سپس دوباره آن را به جای خود باز گرداند. (۱)

شیخ صدوق (ره) در کتاب کمال الدین در حدیثی طولانی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که فرمودند: و اما خداوند به بنده صالح، خضر علیه السّلام، عمر طولانی عنایت فرمود نه به خاطر نبوتی که برایش تقدیر کرده باشد یا کتابی که بر او نازل فرماید و نه آیینی که شرایع دیگر رانسخ نماید و نه برای امامتی که بندگان خود را به اقتدای او ملزم سازد و نه اطاعتی که بر او فرض فرماید، بلکه چون در علم خداوند تبارک و تعالی گذشته بود که عمر حضرت قائم علیه السّلام در دوران غیبت طولانی خواهد شد تا آنجا که بندگان او باور نکنند و آن عمر طولانی را انکار نمایند، خداوند عمر بنده صالح، خضر، را بدون سبب طولانی نساخت مگر به علت استدلال به وسیله آن بر عمر

ص: ۸۵

حضرت قائم «ارواحنا فدا» و تا اینکه دلیل و برهان معاندین را قطع نماید که مردم را بر خداوند حجّتی نباشد. (۱)

نام خضر علیه السّلام بلیا است و بعضی اسمهای دیگری گفته اند. علت اینکه خضر نامیده شده - چنانکه از شیخ صدوق آمده - این است که بر چوب خشکی نمی نشست مگر اینکه سبز می شد، و نیز گفته شده که هرگاه نماز بگذارد اطرافش سبز می شود. (۲) و گفته اند برای اینکه او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورد و از پی او سبز شد. (۳)

حضرت خضر هر سال در مراسم حج شرکت می کند و تمام مناسک را انجام می دهد.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هر سال در مراسم حج شرکت می کنند و مناسک را به جای می آورند.

در اینجا حکایت لطیف و روایت شریفی آورده می شود که فواید و عواید بسیاری در آن هست. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سند خود از ابو نعیم انصاری و نیز علامه مجلسی در بحار از کتاب غیبت شیخ طوسی به سند خود از احمد بن محمد انصاری روایت کرده است که گفت:

همراه با جماعتی از زُهّاد که تعدادشان به سی نفر می رسید و در میان آنها فرد مخلصی جز محمد بن قاسم علوی عقیقی نبود، در مکه کنار مستجار بودم که روز ششم ذی الحجه سال دویست و نود و سه، ناگهان جوانی از میان طواف نزد ما آمد که با دو پارچه احرام بسته بود و نعلینی در

ص: ۸۶

۱- . بحار الانوار، ۴۷/۱۳۸.

۲- . کمال الدین، ۲/۳۹۱.

۳- باب شباهته بالیاس النبی (ص) الیاس علیه السّلام رفعه الله تعالی الی السماء كما روی عن ابن عباس. القائم رفعه الله الی السماء، كما مر فی شباهته بادریس. الیاس علیه السّلام قیل: انه یغیث المهلوفین، المضطربین، الضالین: فی البراری و الفیافی، و یهدیهم، و الخضر یعینهم و یرشدهم، فی جزایر البحار، نقله المجلسی (ره) فی حیوه القلوب القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یغیث المهلوفین، و یهدی الضالین، و یجیب المضطربین، فی البر و البحر، بل فی الارض و السماء، و ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء.

دست داشت، چون چشم ما به او افتاد، همگی از هیبتش برخاستیم و هیچ یک از ما باقی نماند مگر اینکه از جای برخاست و بر او سلام کرد.

سپس نشست و به سمت چپ و راست متوجه شد، آن گاه فرمود: آیا می دانید حضرت صادق علیه السلام در دعای الحاح چه می گفت؟ پرسیدیم: چه می گفت؟ فرمود: او چنین می گفت:

پروردگارا! من از تو می خواهم به حقّ اسم تو که آسمان به آن برپا و زمین به آن برجاست و با آن بین حق و باطل جدا می کنی و به آن پراکنده را جمع می نمایی، و به آن جمع شده را پراکنده می کنی، و با آن عدد شنها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را شماره کردی، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در کار من فرج و راه خلاصی قرار دهی.

سپس برخاست و در طواف داخل شد، ما هم برخاستیم، ایستادیم تا رفت. ولی فراموش کردیم که از او بپرسیم که کیست، تا فردا همان وقت که از میان طواف به سوی ما آمد. ما نیز - همانند روز قبل - به احترام او از جای برخاستیم، او در وسط نشست، و به راست و چپ نگاهی انداخت و فرمود: آیا می دانید که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نماز فریضه چه می گفت؟ گفتیم: چه می گفت؟ فرمود: چنین می گفت:

پروردگارا! صداها به سوی تو بلند و دعاها به جانب تو خوانده می شود، و چهره ها [و سرها] برای تو فرود آمده و گردنها در برابر تو خضوع یافته، و داوری اعمال به دست تو است، ای بهترین خواننده شدگان و بهترین عطاکنندگان! ای راستین! ای پدیدآورنده! ای آنکه خلف وعده نمی کنی! ای آنکه به دعا کردن فرمان داده ای و اجابت را عهده دار شده ای! ای خدایی که فرمودی: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم! ای آنکه فرموده ای: و هرگاه بندگانم از من بپرسند، پس همانا من نزدیکم، دعای خواهنده را هرگاه مرا بخواند اجابت نمایم، پس باید که مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند، باشد که راه رشد را بیابند.

ای آنکه فرموده ای: ای بندگانم که بر خود زیاده روی کرده اید از رحمت خداوند ناامید نشوید که البته خداوند همه گناهان را می آمرزد و همانا اوست بسیار آمرزنده مهربان، تو را اجابت می کنم و بسیار یاری ات نمایم، اینک منم در پیشگاه تو که زیاده روی کننده ام، و تویی آن خدایی که فرموده ای: از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می آمرزد.

آنگاه بار دیگر پس از این دعا به سمت راست و چپ نگریست. سپس فرمود: آیا می دانید امیرالمؤمنین در سجده شکر چه می گفت: گفتیم: چه می گفت؟ فرمود: او می گفت:

ای آنکه اصرار الحاح کنندگان جز بخشندگی او را نیفزاید! ای آنکه گنجینه های آسمانها و زمین را داری! ای خدایی که گنج های کوچک و بزرگ از آن توست! بدی من، تو را از نیکی نمودنت نسبت به من باز نمی دارد، من از تو درخواست می کنم که با من آنچه شایسته توست رفتار نمایی که تو اهل بخشندگی و بزرگواری و گذشت هستی، ای پروردگار! ای خداوند! با من چنان رفتار کن که شایسته تو می باشد. تو بر کیفر توانایی و من آن را سزاوارم و هیچ دلیل و عذری به درگاه تو برایم نیست، با تمام گناهانم به سوی تو روی می آورم و به آنها اقرار می کنم تا از من بگذری در حالی که تو بهتر از من آنها را می دانی، به تو روی می آورم با هر گناهی که مرتکب شده ام و هر خطایی که انجام داده ام و هر بدی که کرده ام، پروردگار! مرا بیامرز و رحم آور و از آنچه می دانی بگذر که همانا تو ارحم الراحمین و گرامی ترین هستی.

محمودی به ما گفت: آیا این شخص را می شناسید؟ گفتیم: نه! گفت: به خدا قسم! این صاحب الزمان شما است. گفتیم: ای ابا علی! چگونه دانستی؟ یاد آور شد که او هفت سال است از خدای عزوجل می خواهد و دعا می کند که صاحب الزمان را ببیند.

می گوید: در عصر روز عرفه ناگهان همان مرد را دیدم که دعایی می خواند که آن را درک و حفظ کردم. از او پرسیدم: از کجا هستید؟ فرمود: از مردم. گفتم: از کدام نژاد مردم؟ فرمود: از عرب آنها. گفتم: از کدام تیره عرب؟ فرمود: از شریف ترین و بزرگوارترین آنها. عرض کردم: شریف ترین و بزرگوارترین آنها کیانند؟ فرمود: بنی هاشم. گفتم: از کدام خاندان بنی هاشم؟ فرمود: از صاحب برترین مقامها و عالی ترین مراتب. عرض کردم: آنها کدامین از بنی هاشم اند؟ فرمود: از آنها که سرها را شکافتند و مردم را اطعام می کنند و در دل شب که مردم در خوابند نماز می خوانند.

می گوید: دانستم او علوی است و به خاطر این که علوی بود او را دوست داشتم، ولی یکباره از دیدگانم غایب شد و ندانستم که به آسمان بالا رفت یا در زمین فرو شد. از کسانی که اطرافم بودند، پرسیدم: آیا این علوی را می شناسید؟ گفتند: آری! هر سال با ما پیاده به حج می آید. گفتم: سبحان الله! به خدا قسم! آثار راه رفتن در او نمی بینم. سپس با اندوه و غم فراوان به سوی مزدلفه

رفتم و در آن شب خوابیدم که در خواب رسول خدا (ص) را دیدم. به من فرمود: ای محمد! مطلوب خود را دیدی؟ عرض کردم: او کیست ای آقای من؟

فرمود: آنکه امشب دیدی صاحب الزمان شما بود.

وقتی این مطلب را به ما گفت، او را سرزنش کردیم که چرا زودتر به ما نگفتی، جواب داد که تا آن وقت فراموش کرده بودم. (۱)

می گویم: بین روایت شیخ صدوق در کمال الدین و روایت فاضل مجلسی در بحار به نقل از غیبت شیخ طوسی مختصر تفاوتی در بعضی الفاظ بود به طوری که در معنی تأثیری نمی گذاشت مابین این دو روایت را جمع کردیم، توفیق از خداست.

ص: ۸۹

ذو القرنين از قومش غيبت طولانی داشت.

ص: ۹۰

۱- باب شبهاته بذی القرنین ذو القرنین - لم یکن نبیا و لكنه دعا الی الله تعالی و امر بتقوی الله جل شأنه. القائم لیس نبیاً اذ لا نبی بعد نبینا محمد المصطفی (ص) و لكنه یدعوا الی الله و یأمر بتقوی الله. ذو القرنین کان حجه علی الناس. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حجه علی جمیع اهل العالم. ففي کمال الدین باسناده عن جابر الانصاری قال: سمعت رسول الله (ص) یقول: ان ذا القرنین کان عبداً صالحاً جعله الله عزوجل حجه علی عباده فدعی قومه الی الله و امرهم بتقویه فضربوه علی قرنه فغاب عنهم زماناً، حتی قیل مات او هلك باى واد سلکک؟ ثم ظهر و رجع الی قومه، فضربوه علی قرنه الاخر، و فیکم من هو علی سنه و ان الله عزوجل مکن لذی القرنین فی الارض و جعل له من کل شیئ سبباً و بلغ المغرب و المشرق و ان الله عزوجل سیجرى سنته فی القائم من ولدی، فیبلغه شرق الارض و غربها حتی لا یبقی منهلاً و لا موضعاً من سهل او جبل و طئه ذو القرنین الا- و طئه، و یتظهر الله عزوجل له کنوز الارض، و معادنها، و ینصره بالرعب و یملاً الارض به عدلاً و قسطاً، كما ملئت جوراً و ظلماً. ذو القرنین ملک ما بین المشرق و المغرب. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یملك ما بین المشرق و المغرب. ذو القرنین ركب السحاب. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یركب السحاب و یدل علیه ما ذکرنا ما رواه الصفار والفاضل المجلسی عن البصائر و الاختصاص باسنادهما عن عبد الرحیم عن ابی جعفر علیه السلام قال: اما ان ذا القرنین قد خیر السحابین فاختر الذلول و ذخر لصاحبکم الصعب قال الراوی: قلت: و ما الصعب؟ قال: ما کان من السحاب فیہ رعد و صاعقه او برق فصاحبکم یرکبه - اما انه سیرکب السحاب، و یرقی فی الاسباب: اسباب السموات السبع والارضین السبع، خمس عوامر، و اثنتان خرابات . و فی البصائر الدرجات باسناده عن سوره عن ابی جعفر علیه السلام مثله. و باسنادهما عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الله خیر ذا القرنین السحابین الذلول و الصعب فاختر الذلول وهو ما لیس فیہ برق و لا رعد، و لو اختار الصعب لم یکن له ذلك لان الله اذ خر للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز غیبتش طولانی است، و در حدیث احمد بن اسحاق از امام عسکری علیه السلام آمده که احمد گفت: چه سنتی از خضر و ذو القرنین در او جاری است؟ فرمود: طول غیبت ای احمد.

حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور خواهد بود. در کتاب کمال الدین به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: ذو القرنین بنده صالحی بود که خداوند او را بر بندگان حجت قرار داده بود، پس قوم خود را به سوی خدا و تقوا فرا خواند. آنها بر شاخ او زدند که از نظرشان مدتی غایب شد تا اینکه درباره اش گفتند: هلاک شد یا در کدام بیابان رفت؟ سپس ظاهر شد و به سوی قومش بازگشت، ولی آنها بر شاخ دیگرش زدند، و در میان شما (امت مسلمان) نیز کسی هست که بر سنت و روش او است و به درستی که خداوند عزوجل، ذو القرنین را در زمین مکتب داد و برای او از هر چیزی سببی عنایت فرمود تا به شرق و غرب زمین رسید. خداوند تبارک و تعالی سنت او را در قائم از فرزندانم نیز جاری خواهد ساخت تا به شرق و غرب زمین دست یابد تا جایی که هیچ آبگاه و جایگاهی از آن - هموار و ناهموار، کوه و دشت - باقی نماند مگر اینکه زیر پاهای او قرار دهد. و خداوند عزوجل گنجینه های زمین و معادن آن را برایش آشکار می سازد. و او را به وسیله رعب یاری می کند، و زمین را به وسیله او پر از عدل و قسط می نماید، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد (۱). (۲)

ص: ۹۱

۱- باب شباهته بشعيب النبي (ص) شعيب عليه السلام دعا قوله الى الله، حتى كبر سنه و دق عظمه، ثم غاب عنهم ما شاء الله، ثم عاد اليهم شاباً. رواه الفاضل المجلسي (ره) من خامس البحار عن امير المؤمنين عليه السلام القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يظهر مع طول عمره في صورة شاب له دون اربعين سنه. و في البحار عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «ليس صاحب هذا الامر من جاز اربعين و في معناه اخبار عديدة.

۲- . کمال الدین، ۲/۳۹۴.

١- باب شبهاته بموسى عليه السلام اختفى الحمل به. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف اختفى الحمل به. موسى عليه السلام اخفى الله ولادته. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف اخفى الله تعالى ولادته. موسى عليه السلام كلمه الله تعالى فقال يا موسى «انى اصطفيتك على الناس برسالاتى وبكلامى فخذ ما آتيتك وكن من الشاكرين. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف كلمه الله تعالى حين رفع الى سرادق العرش كما فى البحار عن ابى محمد العسكري عليه السلام قال: لما وهب لى ربه مهدي هذه الامه، ارسل ملكين، فحملاه الى سرادق العرش حتى اوقفاه بين يدي الله عز وجل، فقال: مرحباً بك عبدى لنصره دينى واظهار امرى، و مهدي عبادى، آليت انى بك اخذ و بك اعطى و بك اغفر و بك اعذب. موسى عليه السلام غاب عن قومه و عن غيرهم، خوفاً من اعدائهم قال الله عز وجل: «فخرج منها خائفاً يتترقب» القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف غاب عن قومه و عن غيرهم خوفاً من اعدائهم. موسى (على نبينا وآله و عليه السلام) وقع قومه فى زمان غيبته فى غايه التعب و المشقه و الذله فان اعدائهم كانوا يذبحون ابنائهم و يستحيون نسائهم. قائم يقع شيعته و محبوه فى زمان غيبته فى غايه التعب و المشقه و الذله (ليمحص الله الذى آمنوا و يمحق الكافرين) ففى كمال الدين عن ابى جعفر عليه السلام فى بيان شبهاته بجمع من الانبياء، قال عليه السلام و اما سنه من موسى عليه السلام فدوام خوفه، و طول غيبته، و خفاء ولادته، و تعب شيعته من بعدهم ما لقوا من الاذى و الهوان الى ان اذن الله عز وجل فى ظهوره و نصره و ايده على عدوه و فى البحار عن النعمانى باسناده عن امير المؤمنين عليه السلام قال: لا تنفك هذه الشيعه حتى تكون بمنزله المعز لا يدرى الخابس على ايها يضع يده فليس لهم شرف - شرفونه . و فيه عن امالى الشيخ عن امير المؤمنين عليه السلام قال: لتملأن الارض ظلماً و جوراً حتى لا يقول احد، الله الا متخفياً ثم يأتى الله بقوم صالحين، يملؤها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. و فيه فى علامات زمان الغيبه عن الصادق عليه السلام فى حديث طويل و رأيت المؤمن محزوناً محتقراً ذليلاً و رأيت المؤمن لا يستطيع ان ينكر الا بقلبه، و رأيت من يحبنا يزور ولا يقبل شهادته، و رأيت السلطان يذل لكافر المؤمن . و عن امير المؤمنين عليه السلام فى بيان حال الشيعه فى هذا الزمان و طول زمان شدتهم و ابتلائهم قال: والله لا يكون ما تأملون حتى يهلك المبتلون و يضمحل الجاهلون، و يأمن المتقون و قليل ما يكون، حتى لا يكون لاحدكم موضع قدمه، و حتى تكونوا على الناس اهون من اعيتنه عنه صاحبها. و فى حديث آخر ان المؤمن يتمنى الموت فى ذلك الزمان صباحاً و مساءً والاخبار فى هذا المعنى كثيره جداً لكن الشده كل الشده فى زمان خروج السفينانى كما فى البحار عن كتاب الغيبه للشيخ الطوسى (ره) باسناده عن عمر بن ابان الكلبى عن ابى عبد الله عليه السلام قال: كأنى بالسفينانى او بصاحب السفينانى قد طرح رحله فى رحبتكم بالكوفه، فنادى مناديه من جاء برأس شيعه على عليه السلام فله الف درهم، فيشب الجار على جاره، و يقول هذا منهم، فيضرب عنقه، و يأخذ الف درهم، اما ان امارتكم يومئذ لا يكون الا لاولاد البغايا، و كأنى انظر الى صاحب البرقع، قلت: و من صاحب البرقع فقال عليه السلام رجل منكم، يقول بقولكم، يلبس البرقع، فيحوشكم، فيعرفكم، و لا يعرفونه، فيغمزكم رجلاً رجلاً اما أنه لا يكون الا ابن بغي. و عن الصادق عليه السلام قال: انك لو رأيت السفينانى رأيت اخبث الناس. اشقر، احمر، أرزق. و عن امير المؤمنين عليه السلام قال: يخرج ابن آكله الاكباد من الوادى اليابس، و هو رجل ربهه وحش الوجه، ضخم الهاته، بوجهه اثر الجدرى. و تفصيل هذه الوقايع المذكور فى البحار و غيره. موسى عليه السلام كانوا بنو

اسرائيل ينتظرون قيامه لانهم اخبروا بان فرجهم على يده. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف شيعته ينتظرونه لانهم اخبروا بان فرجهم على يده، جعلنا الله تعالى من شيعته، ومنتظريه، والذابين عنه والمحامين له. وفي البحار عن الشيخ الطوسي (ره) باسناده عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان اصحاب موسى ابتلوا بنهر، وهو قول الله تعالى «ان الله مبتليكم بنهر» وان اصحاب القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يبتلون بمثل ذلك موسى عليه السلام خصه الله تعالى بالعصا وجعلها معجزه له. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف خصه الله بتلك العصا بعينا. كما في كمال الدين عن ابي جعفر عليه السلام قال: كانت عصا موسى لآدم عليه السلام، فصارت الى شعيب عليه السلام ثم صارت الى موسى بن عمران وانهما لعندنا، وان عهدي بها آنفا وهي خضراء، كهيتها حين انتزعت من شجرتها، وانهما لتنطق اذا استنطقت، اعدت لقائنا يصنع بها ما كان يصنع موسى بن عمران وانما تصنع ما تؤمر، وانهما حيث القيت تلقف ما يأفكون باسنانها. ورواه الفاضل المجلسي (ره) في الثالث عشر من البحار عن كتاب بصائر الدرجات وفيه اعدت لقائنا، ليصنع كما كان موسى عليه السلام يصنع بها وانهما لتروع وتلقف ما يأفكون، وتصنع كما تؤمر وانهما حيث اقبلت تلقف ما يأفكون تفتح. وروى ثقة الاسلام الكليني (ره) في الكافي مثل هذا. موسى عليه السلام فر من مصر خوفاً قال الله عز وجل نقلا عنه: (ففررت منكم لما خفتكم). القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف فر من الامصار وسكن فيافي القفار، خوفاً عن الاشرار لكنه مع ذلك يأتي الناس، ويمشي فيهم ويطلع عليهم وهم لا يعرفونه. ويفر عند ظهوره ايضا من المدينة المنوره خوفاً عن السفيناني. ويدل على ذلك ما في البحار وغيره عن ابي جعفر الباقر عليه السلام في شرح حال السفيناني (لعنه الله عليه) قال ويبعث السفيناني بعثاً الى المدينة فيفر المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف منها الى مكة فيبلغ امير جيش السفيناني ان المهدي قد خرج الى مكة، فيبعث جيشاً على اثره فلا يدركه؛ حتى يدخل مكة خائفاً يترقب على سنة موسى بن عمران قال وينزل امير جيش السفيناني البيداء وفينادي مناد من السماء يا بيداء ابدي القوم فيخسف بهم فلا يفلت منهم الا ثلثة نفر يحول الله وجوهم الى اقيقهم وهم من كلب وفيهم نزلت هذه الآيه (يا ايها الذين اتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم من قبل ان نظمس وجوهاً فردها على ادبارها). موسى عليه السلام يخسف الله تعالى بعدوه الارض وهو قارون قال عز وجل (فخسفنا به وبدراه الارض). القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يخسف الله تعالى باعدائه الارض وهم جيش السفيناني. موسى عليه السلام انفجرت له من الحجر اثنتا عشرة عينا. وفي كمال الدين عنه عليه السلام قال: اذا خرج القائم من مكة ينادي مناديه: ألا لا يحملن احد طعاماً وشراباً وحمل معه حجر موسى بن عمران وهو وقر بعير ولا ينزل الا انفجرت منه عيون فمن كان جايعاً شبع ومن كان ظمآنًا ورويت دوابهم، حتى ينزلوا النجف من بطن الكوفة. موسى عليه السلام قتل فرعون لاجل اراده قتله خلقاً كثيراً وما ظفر بمراره، ووقع ما اراد الله تعالى. القائم قتل فراعنه زمان الاثمه عليه السلام لاجل اراده قتله خلقاً كثيراً من اولاد النبي (ص) كما في كمال الدين عن الصادق عليه السلام قال في حديث طويل، في بيان شباهته بموسى عليه السلام: ان فرعون كما وقف على ان زوال ملكه على يده أمر باحضار الكهنة فدلوه على نسبه، وانه يكون من بني اسرائيل، فلم يزل يأمر اصحابه بشق بطون الحوامل من نساء بني اسرائيل، حتى قتل في طلبه نيفاً وعشرين الف مولود، وتعذر عليه الوصول اليه وقتل موسى عليه السلام لحفظ الله تبارك وتعالى اياه كذلك بنوا اميه وبنوا العباس لما وقفوا على ان زوال ملك الامراء والجبابره منهم على يد القائم منا، ناصبونا العداوه، ووضعوا سيوفهم في قتل آل الرسول (ص) واباده نسله طمعاً منهم في الوصول الى قتل القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ويابى الله عز وجل ان يكشف امره لواحد من الظمه، الا ان يتم نوره ولو كره المشركون. موسى عليه السلام اصلح الله امره في ليله واحده. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يصلح الله امره في ليله واحده كما في كمال الدين عن ابي جعفر الثاني عليه السلام في حديث وصف القائم قال وان الله ليصلح له امره في ليله كما اصلح امر كليمه موسى عليه السلام اذ ذهب ليقبس ناراً فرجع وهو رسول نبي. موسى عليه السلام اخر الله تعالى ظهوره للقوم امتحاناً لهم

لكى يتبين من يعبد العجل عن يعبد الله عز وجل. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف اخر الله تعالى ظهوره لاجل هذه الجبهه
ايضاً.

خدای تعالی با حضرت موسی علیه السّلام تکلم فرمود.

حضرت قائم علیه السّلام نیز همین طور، خداوند متعال با او سخن گفت هنگامی که آن حضرت را به سراپرده عرش بالا بردند چنانکه در بحار از حضرت عسکری علیه السّلام آمده که فرمود: هنگامی که پروردگار من مهدی این امت را به من موهبت فرمود، دو فرشته فرستاد، او را به سراپرده عرش بردند تا اینکه او را در پیشگاه خداوند عزّ و جلّ نگه داشتند، از جانب خداوند خطاب آمد: مرحبا به تو ای بنده من! برای یاری دینم و آشکار نمودن امر و راهنمایی بندگانم [برگزیده شده ای]، سوگند خورده ام که به [خاطر] تو بگیرم و به [راه] تو بدهم و به تو ببخشایم و به تو عذاب کنم. (۱)

حضرت موسی علیه السّلام از قوم خود و از ترس دشمنانش غایب شد، خداوند عزّ و جلّ می فرماید: پس، از آن [دیار] ترسان و نگران بیرون رفت. (۲)

حضرت قائم علیه السّلام نیز از ترس دشمنان از قومش و غیر آنها غایب شد.

حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السّلام وقتی غایب شد، قومش در منتهای رنج و فشار و مشقت و ذلت واقع شدند، که دشمنانشان پسران آنها را می کشتند و زنانشان را زنده می گذاشتند.

حضرت قائم علیه السّلام نیز شیعیانش و دوستانش در زمان غیبتش در منتهای سختی و فشار و ذلت می افتند تا خداوند کسانی را که ایمان آورده اند پاک کند و کافرین را هلاک سازد. (۳)

ص: ۹۵

۱- . بحار الانوار: ۵۱/۲۷.

۲- . سوره قصص آیه ۲۱.

۳- . سوره آل عمران آیه ۱۴۱.

در کمال الدین از حضرت باقر علیه السلام در بیان شباهت حضرت قائم علیه السلام به جمعی از پیغمبران آمده است که فرمود: و اما روش موسی علیه السلام، طول غیبت و پنهان بودن ولادت و رنج و زحمت پیروانش بعد از او بر اثر آزار و خواری که از دشمنان بینند است، تا آنگاه که خدای عزّ وجلّ ظهور حضرتش را اجازه دهد و او را یاری کند و بر دشمن تأیید نماید. (۱)

و در بحار از شیخ نعمانی به سند خود از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: روزی بیاید که شیعه مانند بزهایی باشند که شیر درنده نداند روی کدامیک از آنها دست بگذارد، عزّت آنها از دست رفته و احترامی برایشان نمانده و تکیه گاهی نداشته باشند. (۲)

در همان کتاب در علامات زمان غیبت در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: و مؤمن را اندوهناک، ذلیل و خوار خواهی دید و بینی که دوستان ما را به دروغ نسبت دهند و شهادتشان را نپذیرند، و بینی که حکمران به خاطر کافر، مؤمن را خوار نماید. (۳)

و از امیر المؤمنین علیه السلام در بیان حال شیعیان در آن زمان آمده است:

والله آنچه آرزو دارید، نخواهد شد، تا اینکه باطل جویان، هلاک و جاهلان از هم گسیخته شوند و تقوی پیشگان در امان بمانند، (۴)

تا جایی که برای هر یک از شما جای پایی نماند، و تا آنجا که از مردار نزد صاحبش هم در نظر مردم بی ارزش تر شوید. (۵)

و در حدیث دیگری آمده که در آن روزگار، مؤمن هر شب و روز تمّئای مرگ خواهد کرد. (۶) اخبار در این باره بسیار است. ولی بدترین احوال، زمان خروج سفیانی است، که در بحار از کتاب غیبت شیخ طوسی به سند خود از عمر بن ابان کلبی از حضرت صادق علیه السلام آورده که فرمود: گویا سفیانی یا نماینده سفیانی را می بینم که در رجه کوفه رحل اقامت افکنده، و سخنگوی او در

ص: ۹۶

۱- . کمال الدین، ۱/۳۲۷.

۲- بحار الانوار: ۵۱/۱۱۴.

۳- . بحار الانوار: ۵۲/۲۵۷ و ۲۵۸.

۴- . منظور از هلاک و امان در اینجا در امر دین است نه دنیا (مترجم).

۵- . الزام الناصب، ۲۲۹ چاپ جدید: ۲/۳۰۳.

۶- الزام الناصب: ۲۲۹ چاپ جدید: ۲/۳۰۳.

میان مردم اعلام کند: هر کس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه دارد. پس همسایه بر همسایه خود حمله می برد و می گوید: این از آنها است و سر از بدنش جدا می کند و هزار درهم می گیرد، و البته امارت و حکومت شما در آن روز جز به دست زناکاران نخواهد بود، گویا من آن نقابدار را می بینم، عرض کردم: نقابدار کیست؟ فرمود: مردی از شما است که معتقدان شما را خواهان است، نقاب می پوشد و شماها را شناسایی می کند، به یک یک شما اشاره می کند تا دستگیر شوید، او نیست مگر زاده حرام. (۱)

و از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: اگر سفیانی را بینی، خبیث ترین مردم را دیده باشی، رنگش زرد و سرخ، و چشمش کبود است. (۲)

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمودند: پسر هند جگرخوار از وادی یابس خروج می کند، او مردی میان بال با صوت وحشتناک و جمجمه خیخم و آبله رو می باشد. (۳)

تفصیل مذکور در بحار و غیر آن مذکور است.

حضرت موسی علیه السلام، بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند، چون که به آنها خبر داده شد که فرج آنها به دست او است.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شیعیانش منتظرش هستند، زیرا که به آنها خبر داده اند که فرجشان به دست آن حضرت است.

خداوند تعالی ما را از شیعیان و منتظران و مدافعان و فدائیان آن حضرت قرار دهد.

و در بحار از شیخ طوسی به سند خود از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند: اصحاب موسی به نهری آزمایش شدند و این همان است که خداوند تعالی می فرماید: (همانا خداوند شما را به نهر آبی خواهد آزمود) (۴).

اصحاب حضرت قائم علیه السلام نیز به مانند آن مبتلا خواهند شد. (۵)

ص: ۹۷

۱- . بحار الانوار: ۵۲/۲۱۵.

۲- . بحار الانوار: ۵۲/۲۰۵.

۳- . بحار الانوار: ۵۲/۲۰۵.

۴- . سوره بقره آیه ۲۴۹.

۵- . بحار الانوار، ۵۲/۳۳۲.

موسی علیه السّلام خداوند متعال او را عصایی عنایت فرمود، و آن را معجزه آن جناب قرار داد.

حضرت قائم علیه السّلام هم به همان عصا اختصاص یافته است، چنانکه در کمال الدین از حضرت ابو جعفر باقر علیه السّلام آمده که فرمود: عصای موسی از آن آدم بود، سپس به شعیب رسیده بود و آنگاه به موسی بن عمران رسید، آن عصا نزد ما است و من آن را پیشتر دیده ام، سبز رنگ است به همان وضعی که از درختش گرفته شده، و اگر استنطاق شود سخن می گوید، برای قائم ما آماده شده، به وسیله آن همان کارها را انجام دهد که موسی انجام می داد، و هر چه مأمور شود انجام می دهد، و هر کجا افکنده شود با زبان خود، نیرنگهای دشمنان را برمی گیرد. (۱)

موسی علیه السّلام خداوند دشمنش - قارون - را به زمین فرو برد چنانکه خداوند عزّوجلّ می فرماید:

پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم. (۲)

حضرت قائم علیه السّلام نیز خداوند متعال دشمنانش - لشکر سفیانی - را به زمین فرو خواهد برد.

موسی علیه السّلام از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید.

در کمال الدین از آن حضرت (امام باقر علیه السّلام) آمده که فرمودند: چون حضرت قائم علیه السّلام از مکه خروج نماید، سخنگوی آن حضرت بانگ می زند: احدی خوردنی و آشامیدنی با خود بر ندارد، و با خود سنگ موسی بن عمران را برمی دارد که بار شتری است و هیچ منزلی فرود نیاید مگر آنکه از آن سنگ چشمه ها برآید، پس هر که گرسنه باشد سیر و هر که تشنه باشد سیراب خواهد شد، چهارپایانشان هم سیر و سیراب می شوند تا اینکه به نجف در پشت کوفه فرود آیند. (۳)

فرعون برای رسیدن به موسی علیه السّلام افراد بسیاری را کشت، ولی هر آنچه خدا خواست همان شد.

ص: ۹۸

۱- . کمال الدین: ۲/۶۷۳.

۲- . سوره قصص آیه ۸۱.

۳- . کمال الدین: ۲/۶۰۷.

حضرت قائم علیه السّلام نیز، فرعون های زمان ائمه اطهار علیه السّلام به منظور قتل حضرتش چه بسیار از فرزندان پیغمبر را کشتند، چنانکه در کمال الدین از امام صادق علیه السّلام ضمن حدیثی طولانی در بیان شباهت آن حضرت به موسی چنین آمده:

وقتی فرعون مطلع شد که زوال و نابودی حکومتش به دست حضرت موسی است، دستور داد کاهنان را حاضر کنند، پس آنها او را بر نسب براندازنده حکومتش دلالت کردند، و اینکه آن شخص از بنی اسرائیل است، پس پیوسته دستور می داد که شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند تا آنجا که بیست و چند هزار نوزاد را کشت ولی نتوانست به موسی دست یابد، زیرا که خداوند تبارک و تعالی او را حفظ کرد. همین طور بنی امیه و بنی العباس وقتی دانستند که سقوط سلطنت و ریاست امرا و جبارانشان به دست قائم ما خواهد بود، به دشمنی ما پرداختند و شمشیرهای خود را در کشتن آل رسول | و نابود کردن نسل آن حضرت به کار گرفتند به طمع اینکه به قتل قائم علیه السّلام دست یابند. البته خداوند عزّ و جلّ نمی پذیرد که امر خود را برای یکی از ستمکاران فاش نماید مگر اینکه نور خود را به کمال رساند هر چند که مشرکین را خوش نیاید. (۱)

موسی علیه السّلام خداوند در یک شب امرش را اصلاح فرمود.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خداوند در یک شب امرش را اصلاح خواهد کرد. چنانکه در کمال الدین از حضرت امام جواد علیه السّلام در وصف حضرت قائم روایت شده که فرمود: و به تحقیق که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد کرد، همچنان که امر کلیم خود، موسی، را در یک شب اصلاح فرمود که برای برگرفتن آتش برای خانواده اش رفت، ولی در حالی که به پیغمبری و رسالت مبعوث شده بود، بازگشت. (۲)

ص: ۹۹

۱- . کمال الدین: ۲/۳۵۴.

۲- . کمال الدین: ۲/۳۷۷.

شبهات به هارون علیه السلام (۱)

هارون علیه السلام از راه دور سخن حضرت موسی علیه السلام را می شنید. همچنان که حضرت موسی سخن هارون را از راه دور می شنید. این نکته را صاحب کتاب بدایع الزهور آورده است.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز؛ در روضه کافی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام آمده که فرمود: هنگامی که قائم ما پیا خیزد خداوند عزّ وجلّ در گوشها و چشمهای شیعیان ما خواهد افزود به طوری که بین آنها و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پیکی نخواهد بود، با آنها سخن می گوید و آنها می شنوند و به او نگاه می کنند در حالی که آن حضرت در جای خودش باشد. (۲)

ص: ۱۰۰

-
- ۱- باب شبهات به هارون هارون علیه السلام کان یسمع کلام موسی من مکان بعید و كذلك موسی یسمع کلام هارون من مکان بعید ذکره صاحب کتاب بدایع الزهور. روی فی روضه الکافی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان قائمنا اذا قام مد الله عز وجل لشیعنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لا یكون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو من مکانه .
- ۲- . روضه کافی: ج ۸، ص ۲۴۰.

۱- . باب شباہتہ بحزقیل علیه السلام حزقیل علیه السلام احیی الله تعالی له امواتاً، ففی روضه الکافی عن ابی جعفر علیه السلام و ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عز وجل (الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم). ان هؤلاء اهل مدینہ من مدائن الشام، و كانوا سبعین الف بیت و كان الطاعون یقع فیهم فی کل اوان فکانوا اذا احسوا به خرج من المدینہ الاغنیاء لقوتهم، و بقی فیها الفقراء لضعفهم فكان الموت یكثر فی الذین اقاموا و یقل فی الذین خرجوا فیقول الذین خرجوا لو كنا اقمنا لكثر فینا الموت، و یقول الذین اقاموا لو كنا خرجنا لقل فینا الموت. قال علیه السلام فاجتمع رأیهم جمیعاً انه اذا وقع الطاعون فیهم و احسوا به خرجوا کلهم من المدینہ، فلما احسوا بالطاعون خرجوا جمیعاً، و تنحوا عن الطاعون حذر الموت فساروا فی البلاء ما شاء اله ثم انهم مروا بمدینہ خربہ قد خلا اهلها عنها و افناهم الطاعون، فنزلوا بها فلما حطوا رحالهم و اطمأنوا، قال لهم الله عز وجل «موتوا جمیعاً» فماتوا من ساعتهم و صاروا رمیماً یلوح و كانوا علی الطريق المارہ فکنستهم المارہ فنحوهم و جمعوهم فی موضع، فمر بهم نبی من انبیاء بنی اسرائیل یقال له حزقیل فلما رأى تلك العظام بکی و استعبر، و قال: یا رب لو شئت لاحتیتهم الساعه كما اتمتهم، فعمروا بلاءک و ولدوا عبادک، مع من یبعدک من خلفک فاوحی الله تعالی الیه: افتح ذلك قال نعم یا رب فأحیهم. قال علیه السلام فاوحی الله عز وجل: ان قل کذا و کذا فقال الذی امره الله عز وجل ان یقله، فقال ابو عبد الله علیه السلام و هم الاسم الاعظم فلما قال حزقیل ذلك الکلام نظر الی العظام یتطیر بعضها الی بعض، فعادوا احیاء ینظر بعضهم، الی بعض یسبحون الله عز ذکره و یکبرونه و یهللونه، فقال حزقیل عند ذلك: اشهد و أن الله علی کل شیء قدير. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یحیی الله تعالی له امواتاً من المؤمنین و المنافقین و الکافرین و الاخبار الداله علی ذلك کثیره بل متواتره، فمنها ما فی روضه الکافی عن ابی بصیر، قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام قوله تبارک و تعالی «و اقساموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه حقاً ولكن اکثر الناس لا یعلمون. قال: فقال علیه السلام یا ابا بصیر ما تقول فی هذه الآیه؟ قال: قلت ان المشرکین یزعمون و یحلفون لرسول الله (ص) ان الله لا یبعث الموتی قال فقال علیه السلام تیباً لمن قال هذا سلهم هل كان المشرکون یحلفون بالله ام باللات و العزی؟ قال: قلت جعلت فداک فاوجدنیه قال: فقال علیه السلام یا ابا بصیر لو قد قام قائمنا بعث الله الیه قوماً من شیعتنا قباع سیوفهم علی عواتقهم فیبلغ ذلك قوماً من شیعتنا لم یموتوا، فیقولون بعث فلان و فلان من قبورهم و هم مع القائم فیبلغ ذلك قوماً من عدونا فیقولون: یا معشر الشیعه ما اکذبکم هذه دولتکم و انتم تقولون فیها الکذب: لا والله ما عاش هؤلاء و لا یعیشون الی یوم القیمه قال فحکی الله قولهم: «و اقساموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت.

خداوند متعال برای حزقیل، مردگانی را زنده کرد، چنانکه در روضه کافی از حضرت ابو جعفر باقر و ابو عبد الله علیه السلام درباره آیه؛ «آیا ننگری به کسانی که شمارشان هزاران تن بود و از بیم مرگ از دیار خود بیرون رفتند، پس خداوند به آنها فرمود: بمیرید سپس آنان را زنده کرد»^(۱).

فرمودند: اینها هفتاد هزار خانوار از اهل یکی از شهرهای شام بودند، گاه به گاه طاعون در آنها می افتاد، پس هرگاه احساس می کردند طاعون آمده ثروتمندان از شهر بیرون می رفتند ولی فقرا که توانایی سفر نداشتند در شهر باقی می ماندند، لذا مرگ در میان آنها می که در شهر مانده بودند بسیار و میان آنها می که از شهر بیرون رفته بودند کمتر واقع می شد، پس کسانی که مانده بودند گفتند: اگر خارج شده بودیم مرگ کمتر از ما را می گرفت. پس نظر همگی آنها چنین شد که هرگاه طاعون در میانشان واقع شد همگی از شهر خارج شوند؛ دانستند که طاعون آمده همگی از شهر خارج و از ترس مرگ از آنجا دور شدند و در شهرهای مختلف تا آنجا که خدا خواسته بود سیر کردند.

سپس به شهری گذرشان افتاد که خراب شده بود و مردمش را طاعون از پای درآورده بود، وقتی در این شهر فرود آمدند و قرار گرفتند، خداوند عزوجل به آنها فرمود: همگی بمیرید، همان ساعت همگی مردند و خاک شدند که برای بینندگان آشکار بود که اینها در میان راه مرده بودند، لذا عابری و مسافرین در آنجا منزل کردند و خاکهایشان را جاروب و یکجا جمع نمودند، پس پیغمبری از پیامبران بنی اسرائیل که نامش حزقیل بود بر آنها گذشت، و هنگامی که آن استخوانها را دید گریه کرد و گفت: پروردگارا! اگر اراده فرمایی آنها را همانطور که یکجا میرانده ای همین حالا زنده کنی که شهرها و بلاد تو را معمور سازند، و فرزندان که بندگان تو را انجام دهند از آنها متولد شوند. خداوند متعال به او وحی فرمود که: آیا تو این را دوست داری؟ عرض کرد: آری پروردگارا! آنها را زنده کن.

ص: ۱۰۲

حضرت فرمود: پس خداوند عزّ وجلّ وحی فرمود: که چنین و چنان بگو، و چون آنچه خداوند عزّ وجلّ به او فرموده بود که بگوید، گفت - امام صادق علیه السّلام فرمود: آن اسم اعظم بود - وقتی حزقیل آن سخن را به زبان آورد به استخوانها نگریست که به یکدیگر می پزند و بار دیگر زنده می شدند. به هم نگاه می کردند و سبحان الله، الله اکبر و لا اله الا الله می گفتند، در این هنگام حزقیل گفت: شهادت می دهم که به تحقیق خداوند به هر چیزی تواناست. (۱)

حضرت قائم علیه السّلام نیز، خداوند متعال برای او مردگانی را از مؤمنین و منافقین و کافرین زنده خواهد کرد. اخباری که بر این معنی دلالت دارد بسیار بلکه متواتر است، از جمله: در روضه کافی از ابو بصیر روایتی شده که گفت: به حضرت امام صادق علیه السّلام عرض کردم: اینکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «آنان به شدت به خداوند سوگندها یاد کردند که خداوند هرگز کسی را که بمیرد بر نمی انگیزد، آری این وعده حتمی خداوند است ولی بیشتر مردمان نمی دانند، منظور چیست؟ فرمود: ای ابو بصیر! در این باره چه می گویند؟ عرض کردم: مشرکین می پندارند و قسم می خورند برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خداوند مردگان را زنده نمی کند. حضرت فرمود: مرگ بر کسی که چنین سخنی می گوید، از آنها پرس که آیا مشرکین به الله قسم می خورند یا به لات و عزی؟ ابو بصیر می گوید: گفتم: فدایت شوم پس برایم بیان فرمای. فرمود: ای ابو بصیر هنگامی که قائم ما بیا خیزد؛ خداوند گروهی از شیعیان ما را برای او برمی انگیزد و زنده می کند که گیره های شمشیرشان بر روی شان هایشان است. چون این خبر به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند برسد به یکدیگر گویند: فلان و فلان و فلان از قبرهایشان برانگیخته شدند و آنها با حضرت قائم علیه السّلام هستند، این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد. می گویند: ای گروه شیعیان چقدر دروغگو هستید! این دولت و حکومت شما است و شما دروغ می گوید. نه والله اینها که شما می گوید زنده نشده و زنده نخواهند شد تا روز قیامت، پس خداوند گفتار آنها را حکایت کرده می فرماید: «آنان به شدت به خداوند سوگندها یاد کردند که خداوند....» (۲)

ص: ۱۰۳

۱- روضه کافی: ج ۸ ص ۱۹۸.

۲- روضه کافی: ج ۸ ص ۵۰.

داود علیه السلام خداوند آهن را برایش نرم کرد که در قرآن آمده «و آهن را برایش نرم ساختیم».

حضرت قائم علیه السلام نیز خداوند آهن را برایش نرم کرده است، چنانکه در بعضی از کتابها از محمد بن کوفی از امام صادق علیه السلام مروی است که فرمود: مردی از عمان به خدمت حضرت صاحب الزمان می آید و عرض می کند: آهن برای داود نرم شد، اگر تو هم مانند او (معجزه) بیاوری تصدیقت می کنیم. پس آن حضرت معجزه داود را به او نشان می دهد، ولی آن شخص منکر می شود، پس قائم عمود آهنینی به گردن او می اندازد که هلاک می شود و می فرماید: این سزای کسی است که آیات خدا را دروغ انگارد.

داود علیه السلام سنگ با او سخن گفت و صدا زد: ای داود! مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان.

ص: ۱۰۴

۱- . باب شبهات به داود علیه السلام داود علیه السلام ألان الله له الحديد قال عزوجل «و النّاه الحديد». القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ألان الله له الحديد. و فی بعض الكتب، عن محمد بن زید الكوفی، عن الصادق علیه السلام قال: ان رجلاً من عمان یأتی الی صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف و یقول ان الحديد قد لان لداوود فان اتیت بمثل ذلك صدقتك فیریه علیه السلام معجزه داوود فینكر ذلك الرجل، فیلقی القائم عجل الله تعالى فرجه علی عنقه عموداً من حديد، و یقول: هذا جزاء من كذب بآیات الله. داود علیه السلام ناداه الحجر، فقال: یا داوود خذنی فاقتل بی جالوت. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف ینادیه حین خروجه علمه فیقول: اخرج یا ولی الله فاقتل اعداء الله و ینادیه سیفه بمثل ذلك. روی جعیها الشیخ الصدوق (ره) عنه فی کمال الدین و تمام النعمه، و ینادی الحجر المؤمن فی زمان ظهوره حین یختفی تحته الکافر. فیقول: یا مؤمن ان تحتی کافراً فاقتله فیجیی المؤمن فیقتله کما فی الروایه. داود علیه السلام قتل جالوت. القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف یقتل الدجال و هو شر من جالوت.

حضرت قائم علیه السلام نیز، عَلم و شمشیرش او را صدا می کنند و می گویند: ای ولیّ خدا خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.

تمام این روایات را شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه آورده است. و نیز در روایت آمده که: سنگ در زمان ظهور آن حضرت هنگامی که کافری زیر آن پنهان می شود مؤمن را صدا می زند و می گوید: ای مؤمن! زیر من کافری هست او را بکش، پس مؤمن می آید و آن کافر را می کشد.

ص: ۱۰۵

داود، سلیمان علیه السلام را جانشین و خلیفه خود قرار داد که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود. در حدیثی از امام نهم، حضرت جواد علیه السلام، آمده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی به داود وحی فرمود که سلیمان را جانشین خود سازد در حالی که کودک بود و چوپانی گوسفندان می کرد. عیاد و علمای بنی اسرائیل این مطلب را انکار کردند. پس خداوند تعالی وحی فرمود که: عصاهای آن افراد را بگیر و عصای سلیمان را نیز بگیر و آنها را در اتاقی بگذار و در آن اتاق را به مهر

ص: ۱۰۶

۱- باب شبهات به سلیمان علیه السلام سلیمان علیه السلام جعله داوود خلیفه، و لم يبلغ الحلم: ففي الحديث عن ابي جعفر الثاني عليه السلام ان الله تبارك و تعالی اوحى الى داوود عليه السلام ان يستخلف و هو صبي یرعى الغنم، فانكر ذلك عباد بنی اسرائیل و علماءهم، فاوحى الله تعالی: ان خذ عصی المتكلمين و عصا سلیمان و جعلها فی بیت و اختم علیه بخواتیم القوم فاذا كان من الغد فمن كانت عصاه قد أورقت و اثمرت فهو الخلیفه، فاخبرهم داوود علیه السلام فقالوا قد رضينا و سلمنا. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جلعه الله عزوجل خلیفه و هو صبی له خمس سنین تقریباً و قد اجاب فی حیوه ابیه عن مسائل سعد بن عبد الله القمی. سلیمان علیه السلام قال: هب لی ملكاً لا ینبغی لاحد من بعدی من حیث کیفیه، فان ملك سلاطین العالم كما هو المتعارف المعتاد مشوب بالجور و الفساد و اراد سلیمان ان لا یكون ملكه كذلك، و ایضاً سلطنه ملوك الارض انما هو علی الانس و سلطنته كانت علی الجن و الانس و الطیر قال الله عزوجل: و حشر سلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر فهم یوزعون. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و هب الله تعالی له ملكاً لم یکن نظیر. لاحد من الاولین و الآخرین من حیث کیفیه و الكمیه اما الكمیه فلانه یملك ما بین الخافقین. و اما کیفیه: فلانه محض العدل، و عدل محض، و لان سلطنته تعم جمیع اهل السموات و الارضین. سلیمان علیه السلام سخر الله له الریح قال الله عزوجل «فسخرنا له الریح تجری بامرئ رخاء حیث اصاب. القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یسخر الله له الریح ففي اكمال الدین عن ابي عبد الله علیه السلام فی حدیث مر تمامه، قال فیبعث الله تبارك و تعالی، ریحاً فتنادی بكل واد: هذا المهدي یقضی بقضاء داوود و سلیمان و لا یرد علیه بینه.

خودشان مهر کن، و چون فردا شد عصای هر کس برگ در آورده و میوه داده بود او خلیفه است. پس داود این مطلب را به آنها خبر داد، گفتند: ما راضی و تسلیم شدیم. (۱)

حضرت قائم علیه السلام را خداوند عزوجل خلیفه قرار داد و حال آنکه کودکی تقریباً پنج ساله بود و در زمان حیات پدرش به سؤالات سعد بن عبد الله قمی پاسخ گفت.

سلیمان گفت: پروردگارا به من مملکتی عنایت کن که برای هیچ کس بعد از من شایسته نباشد.

از نظر کیفیت و چگونگی، چه اینکه سلاطین جهان - همان طور که متعارف است - حکومتشان آمیخته به جور و فساد است، ولی سلیمان می خواست حکومتش آن طور نباشد و نیز سلطنت و حکومت پادشاهان و امرای زمین تنها بر انسان ها است، ولی حکومت سلیمان بر جن و

انس و پرندهگان بود؛ خدای عزوجل می فرماید: و لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندهگان برایش گرد آمدند.

خداوند متعال به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مملکت و حکومتی عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین - از نظر کیفیت و کمیت - مانندش نبوده، اما کمیت: برای اینکه آن حضرت ما بین شرق و غرب را می گیرد. اما کیفیت: برای اینکه محض عدالت و عدالت محض است، و حکومت آن حضرت، تمام اهل آسمان ها و زمین ها را شامل می گردد.

خداوند متعال باد را در تسخیر سلیمان علیه السلام قرار داده بود، خدای عزوجل می فرماید: پس باد را در تسخیر او در آوردم تا به نرمی هر کجا خواهد به فرمان او جریان یابد.

حضرت قائم علیه السلام نیز خداوند، باد را در خدمتش قرار می دهد. چنانکه در حدیثی که در کمال الدین روایت شده امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند تبارک و تعالی بادی برانگیزد که در هر بیابان ندا کند: این حضرت مهدی است که به قضاوت داود و سلیمان علیه السلام قضاوت می کند و بینه نمی خواهد. (۲)

ص: ۱۰۷

۱- . کمال الدین: ج ۱، ص ۱۵۶.

۲- . کمال الدین: ج ۲، ص ۶۷۱.

شبهات به یونس علیه السلام

شیخ صدوق به سند خود از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: بر حضرت ابو جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام وارد شدم، می خواستم از قائم آل محمد از آن حضرت سؤال کنم که خود آغاز سخن کرد و فرمود: ای محمد بن مسلم! به درستی که در قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از پنج پیغمبر شبهات هست، یونس بن متی، و یوسف بن یعقوب، و موسی، و عیسی، و محمد صلوات الله علیهم، امّا شبهات به یونس بن متی اینکه پس از غیبت، در قیافه جوانی در سن پیری به سوی قومش بازگشت. (۱)

شبهات به یحیی علیه السلام

یحیی علیه السلام پیش از ولادت، به ولادت او مژده و بشارت داده شد.

حضرت قائم علیه السلام نیز بشارت و مژده تولدشان پیش از ولادت داده شد.

یحیی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت، چنانکه در حدیث از امام عسکری علیه السلام آمده که فرمود: روزی مریم بر مادر یحیی همسر زکریا وارد شد، ولی او برایش برنخاست، یحیی [در شکم مادر] ندا کرد: بهترین زنان عالم در حالی که بهترین مردان جهان را با خود دارد بر تو وارد می شود برایش برنمی خیزی؟ پس مادرش متنبه شده و از جای برخاست. (۲)

حضرت قائم علیه السلام نیز - چنانکه در روایت حکیمه آمده - در شکم مادر سخن می گفت و سوره قدر را قرائت می نمود. (۳)

ص: ۱۰۸

۱- . کمال الدین: ۱/۳۲۷.

۲- . بحار الانوار، ۱۴/۱۸۷.

۳- . کمال الدین، ۲/۴۲۸.

عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم کرده و تسبیح می گفت؛ چنانکه فاضل مجلسی در حاشیه مجلد پنجم بحار از ثعلبی از طریق عامه روایت کرده است.

قائم علیه السلام نیز - چنانکه گذشت - در شکم مادر سخن گفته است.

عیسی علیه السلام در کودکی در گهواره سخن گفت.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در کودکی سخن گفت، که چند روایت بر آن دلالت می کند از جمله در کمال الدین صدوق از حکیمه دختر امام محمد بن علی جواد علیه السلام آمده اینکه: حضرت حجّت علیه السلام بعد از ولادتش تکلم کرد و گفت: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله. سپس بر امیرالمؤمنین و امامان یک به یک درود فرستاد تا به پدرش رسید، آنگاه لب فرو بست تا اینکه روز هفتم به توحید سخن گفت و بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام درود فرستاد، سپس این آیه را تلاوت کرد:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، و ما می خواهیم بر آنان که در زمین به ضعف کشانده شده اند منت بگذاریم...»(۱)

همچنین در همان مدرک از دو کنیز؛ نسیم و ماریه نقل شده که: حضرت صاحب الزمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا از شکم مادر در حالی متولد شد که دو زانو زده و دو انگشت سیبیه اش را به سمت آسمان بلند کرده بود، سپس عطسه زد و گفت: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله، ظالمان پنداشته اند که حجّت الهی باطل شدنی است، اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود، شک و تردید زایل می گردد.(۲)

عیسی علیه السلام خداوند حکمت و ویژگی های نبوت را در کودکی به او عنایت فرمود.

ص: ۱۰۹

۱- کمال الدین: ۲/۴۲۵؛ سوره قصص آیه ۵.

۲- کمال الدین: ۲/۴۳۰.

حضرت قائم علیه السلام نیز خداوند حکمت و ویژگی های امامت را در کودکی به حضرت عنایت کرد چنانکه قبلاً بیان شد.

عیسی علیه السلام مردم درباره اش اختلاف کردند.

حضرت قائم علیه السلام نیز مردم درباره اش اختلاف کردند.

عیسی علیه السلام فرمود: «من به شما خبر می دهم آنچه در خانه هایتان ذخیره کنید»^(۱).

حضرت قائم علیه السلام نیز بر تمام احوال و کارهای ما مطلع است و دلیل بر آن، اخبار و روایات بسیاری است که درباره علم ائمه معصومین علیه السلام وارد شده است.

شبهات به خاتم النبیین صلی الله علیه وآله

شبهات به خاتم النبیین صلی الله علیه وآله^(۲)

سخن جامع در این باب، فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه وآله می باشد که فرمود: مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من، و کنیه اش کنیه من،

از نظر خَلْق و خُلُق شبیه ترین مردم به من است.

در واقع از نظر علم و عصمت هیچ تفاوتی بین پیغمبر اکرم(ص) و حضرت ولی عصر ارواحنا فداه وجود ندارد.

زید شحام می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردن: امام حسن علیه السلام افضل و برتر است یا امام حسین علیه السلام؟ آن حضرت فرمود: فضل اولین ما ملحق به فضل آخرین ما می شود و فضل

ص: ۱۱۰

۱- .سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲- . باب شبهات بجده خاتم الانبیاء(ص) والکلمه الجامعه فی هذا الباب قول رسول الله(ص) المهدی مِنْ ولدی اسمه، اسمی، و کنیته کنیتی، اشبه الناس بی خُلُقاً و خُلُقاً. حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اجازه نیافته که علم خود را آشکار کند تا روز وقت معین، چنانکه در باره حضرتش روایت شده: هنگام ولادت بر زانو قرار گرفت و دو انگشت سبابه اش را به سوی آسمان بلند کرده و عطسه ای زد و گفت: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله؛ ستمگران پنداشته اند که حجت الهی باطل و نابود است، و حال آنکه اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود، شک از بین می رود.

آخرین ما ملحق به فضل اولین ما می گردد و برای هر یک از ما همان فضیلت وجود دارد. زید می گوید: عرض کردم: فدایتان شوم! توضیح بیشتری برایم بدهید.

حضرت فرمودند: ما از شجره طیبه و پاکی هستیم که خدای تعالی ما را از طینت واحدی خلق نموده است؛ فضیلت ما از خدا و علم ما از جانب خداست و ما امین های خدای تعالی بر خلقش و دعوت کنندگان به دینش و واسطه بین او و خلقش می باشیم. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا توضیح بیشتری برایت بدهم ای زید؟ عرض کردم: بلی! آن حضرت فرمودند: خلقت ما یکی است و علم ما یکی است و فضیلت ما یکی است و ما همه در نزد خدای تعالی یکی هستیم. سپس عرض کردم: مرا از تعدادتان مطلع فرمایید، آن حضرت فرمودند: ما دوازده تا با این اوصاف بودیم که در ابتدای خلقتمان اطراف عرش پروردگار بودیم، اول ما محمد، وسط ما محمد و آخر ما محمد است. (۱)

ص: ۱۱۱

از نوای غریبانه استغاثه امام حسین علیه السلام سالها و قرنهای می گذرد که انعکاس آن را می توان در لحظه لحظه تاریخ به گوش جان شنید. این فریاد نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز رساتر و پرمصلابت تر خروش و جوشش آزادگان عالم را افزوده است.

گویا امام حسین علیه السلام، سالها و قرنهای چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته است تا امام عصر ندایش را پاسخ گوید و پرچم بر زمین مانده اش را به دوش گیرد و آرمانهای بلندش را لباس تحقق بپوشاند. روز ظهور، هنگام پاسخ به استغاثه مظلومانه امام حسین علیه السلام است و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاسخ دهنده آن.

در این گسترده بی انتها و افق های دور آن، کسی به خروش و التهاب فرزندش که برای رسیدن آن روز، گذر آرام آرام و جانکاه لحظه ها را به تماشا می نشیند و روزها و سالها را با چشمان منتظرش بدرقه می کند، توجهی ندارد.

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقم است. در توضیح علت برگزیده شدن این لقب برای آن حضرت، مطالب زیادی در سخنان اهل بیت علیه السلام وارد شده است. از جمله گفته شده است که از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردند: به چه مناسبت فقط به آخرین حجت الهی «قائم» گفته می شود؟ امام باقر علیه السلام در پاسخ فرمودند: «چون در آن ساعتی که دشمنان جدم امام حسین علیه السلام را به قتل رساندند، فرشتگان با ناراحتی در حالی که ناله سر داده بودند، عرض کردند: پروردگارا! آیا از کسانی که فرزند برگزیده تو را ناجوانمردانه شهید کردند در می گذاری؟»

خداوند در پاسخ آنان فرمود: ای فرشتگان من! سوگند به عزت و جلالم که از آنان انتقام خواهم گرفت، هرچند پس از زمانی زیاد باشد.

آن گاه خداوند متعال نور فرزندان امام حسین علیه السّلام را به آنان نشان داد و پس از اشاره به یکی از آنان که در حال قیام بود، فرمود: با این قائم از دشمنان امام حسین علیه السّلام

انتقام خواهم گرفت»^(۱).

از دیدگاه قرآن، ارتباط محکمی میان رهبر نهضت عاشورا و رهبر نهضت آخر الزمان برقرار است و این ارتباط در قالب مفاهیم مختلف در آیاتی چند بیان شده است؛ مانند آیه ۲۳ سوره اسراء که از امام حسین علیه السّلام با صفت مظلوم و از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با صفت منصور و خونخواه امام حسین علیه السّلام یاد کرده است؛

«ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً؛ و آنکه مظلوم کشته شده، برای ولی اش تسلطی قرار داده ایم، اما در قتل اسراف نکند. قطعاً او یاری شده است».

امام رضا علیه السّلام در روایتی می فرماید: «آیه {وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً} درباره امام حسین و حضرت مهدی نازل شده است»^(۲).

سلام بن مستنیر می گوید: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «ومن قتل مظلوماً» فرمودند: «هو الحسین بن علی علیه السّلام قتل مظلوماً ونحن اولیاءه والقائم منا اذا قام طلب بئار الحسین علیه السّلام»^(۳).

مراد آیه، حسین بن علی علیه السّلام است که مظلوم کشته شد. و ما اولیای دم اویم، چون قائم ما قیام کند، به خونخواهی حسین علیه السّلام برآید.

و در آیه دیگر آمده است: {أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ} ^(۴)؛ به آنان که جنگ بر آنان تحمیل گشت، (رخصت جنگ داده شد)، چرا که ستم دیده اند و قطعاً خدا بر یاری آنها قادر است». امام صادق علیه السّلام ذیل این آیه شریفه می فرماید: «انّ العامه

ص: ۱۱۴

۱- . طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۹، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۰، به نقل از ره توشه راهیان نور، (محرم و صفر، ۱۴۲۵).

۲- . فدوزی، ینابیع الموده، ص ۵۹۰، کافی، ج ۸، ص ۲۵۵، به نقل از همان، ص ۹۴.

۳- . این روایت به طور متواتر بیان شده است، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۴- . سوره حج / ۳۹.

يقولون نزلت في رسول الله صلى الله عليه وآله لما اخرجته قريش من مكة وانما هي القوائم عليه السلام اذا خرج يطلب بدم الحسين؛ (۱) اهل سنت می پندارند این آیه درباره پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است، آن گاه که کفار قریش حضرت را از مکه بیرون کردند؛ ولی چنین نیست. بلکه مراد، قوائم آل محمّد عجل الله تعالی فرجه الشریف است که برای خونخواهی حسین علیه السلام قیام می کند».

در روایات آمده است که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، ما بین رکن و مقام برای مردم خطبه می خوانند، در مهم ترین قسمت از این خطبه به صورت مکرر با نهایت اندوه و تأثر، شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام را مورد اشاره قرار خواهند داد، از جمله خواهند فرمود: «ای مردم جهان! منم امام قائم، منم شمشیر انتقام الهی که همه ستمگران را به سزای اعمالشان خواهد رساند و حق مظلومان را از آنان باز پس خواهم گرفت. ای اهل عالم! جدم حسین بن علی علیه السلام را تشنه به شهادت رساندند و بدن مبارک او را به صورت عریان روی خاک رها کردند. دشمنان از روی کینه توی جدم حسین علیه السلام را ناجوانمردانه کشتند...» (۲).

در حقیقت، این گونه عبارات، نوید انتقام خون به ناحق ریخته امام حسین علیه السلام را به جهانیان می دهد. در دعای ندبه نیز به این حقیقت با این تعبیر تصریح شده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء؛ کجاست آن عزیزی که پس از ظهورش، خون شهید مظلوم کربلا را از دشمنان باز پس گیرد...».

همچنین روایات فراوانی رسیده که شعار یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، جمله بسیار الهام بخشی است و آن جمله عبارت است از؛ «یا لثارات الحسين عليه السلام» (۳).

ای طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام و منظور از آن اشاره به این معناست که هنگام انتقام خون پاک امام

ص: ۱۱۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۴۷.

۲- یزدی حائری پور، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۲۸۲، به نقل از فصلنامه انتظار، ص ۱۸۰.

۳- نجم الثاقب، ص ۴۹۹، به نقل از پور سید آقایی، مسعود، عاشورا و انتظار، ص ۱۷.

حسین علیه السلام فرا رسیده است، کسانی که می خواهند از دشمنان آن حضرت انتقام خون به ناحق ریخته الهی را بگیرند، باید مهیا شوند.

طول عمر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم شیخ صدوق به بعد مطرح بوده که چگونه ممکن است حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این قدر یا بیشتر عمر کنند؟! از نظر علمی، برخی زیست شناسان می گویند: «انسان باید سیصد سال عمر کند اینکه انسان هفتاد یا هشتاد سال عمر می کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند»^(۱).

آزمایشی که دانشمندان روی حشرات و سلولها و گیاهان انجام داده اند نشان می دهد که گاهی عمر آنها را به صدها و بلکه به هزارها برابر رسانده اند. اما از نظر دین، در روایات مذهبی می خوانیم که حضرت خضر علیه السلام، و حضرت عیسی علیه السلام هنوز زنده اند و در قرآن می خوانیم که: مدت زمانی که حضرت نوح در میان قومش، مشغول تبلیغ بود، ۹۵۰ سال است. بنابراین از نظر عملی و دینی عمر طولانی ثابت شده است. پس هیچ مانعی نیست در اینکه خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و با دفع و رفع آنان عمر طولانی نمایند.^(۲)

فرمایش امام حسین علیه السلام درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت حسین بن علی علیه السلام می فرماید: دوازده امام از ما هستند؛ علی بن ابی طالب اول آنان و آخرشان نهمین فرزند من و قائم به حق می باشد، خدا به برکت وجود وی زمین مرده را زنده و آباد می کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند، اگرچه مشرکین کراهت داشته باشند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مدتی از نظرها غائب می گردد. در زمان غیبت، گروهی از دین خارج

ص: ۱۱۶

۱- کریم شاهی بیدگلی، حسین، فرهنگ موعود، ص ۱۵۱.

۲- حضرت مهدی، فروغ...، ص ۸۲، به نقل از کریمشاهی بیدگلی، حسین، فرهنگ موعود، ص ۱۵۲.

می شوند، اما گروهی دیگر ثابت قدم خواهند ماند و از این راه اذیت ها خواهند دید. از باب سرزنش به آنان گفته می شود:

اگر عقیده شما صحیح است، پس امام موعود شما کی قیام می کند؟! ولی بدانید که هر کس در ایام غیبت، آزار و تکذیب دشمنان را تحمل کند، مانند کسی است که در کنار رسول خدا(ص) با شمشیر جنگ نموده است.^(۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حارث اعور به امام حسین علیه السلام عرض کرد: یابن رسول الله! جعلت فداک! اخبرنی عن قول الله فی کتابه «والشمس وضحیها» قال: ویحکک یا حارث! ذلک محمد رسول الله صلی الله علیه وآله قلت: جعلت فداک! قوله: «والقمر اذا تلیها» قال: ذلک امیر المؤمنین علی بن ابی طالب یتلوا محمداً. قال: قلت «والنهار اذا جلیها» قال: ذلک القائم من آل محمد، یملاً الأرض قسطاً وعدلاً؛^(۲) ای زاده رسول خدا! فدایت شوم. مرا از معنای آیه شریفه «والشمس وضحیها»؛ «سوگند به خورشید و گسترش نور آن» مطلع ساز. حضرت فرمود: مراد از خورشید، رسول الله صلی الله علیه وآله می باشد. پرسیدم: فدایت شوم! منظور از آیه شریفه «والقمر اذا تلیها»؛ «سوگند به ماه چون پشت سر آن بیاید» چیست؟ فرمود: منظور از ماه امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است که بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله می باشد. گفتم: مقصود از آیه شریفه «والنهار اذا جلیها»؛ «سوگند به روز چون آن را روشن سازد» چیست؟ فرمود: مقصود از روز، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمین را پر از قسط و عدل می کند».

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف القاب مبارکی دارند که بعضی از آنها مستقیماً با عاشورا در ارتباط است و بعضی از لقب های مقدس آن حضرت بر زبان جد بزرگوارشان علیه السلام جاری شده است.

عیسی الخشاب می گوید: از محضر امام حسین علیه السلام سؤال شد: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «لا ولكن صاحب الامر الطرید الشرید الموتور بأیبه، المکنی بعمه، یضع السیف عاتقه ثمانیه اشهر؛^(۳)

نه! من نیستم! بلکه صاحب این امر کسی است که از میان مردم کناره گیری

ص: ۱۱۷

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، اثبات الهدی، ج ۲، ص ۳۳۳ و ۳۳۹، به نقل از امینی، ابراهیم، داد گستر جهان، ص ۵۶.

۲- تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲، به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۶۸.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.

می کند و چون پدرش بر زمین می ماند و کنیه او کنیه عمویش خواهد بود. آن گاه شمشیر برمی دارد و هشت ماه تمام شمشیر بر زمین نمی گذارد».

«طرید» و «شرید» که هر دو به یک معنا است؛ از القاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می آید، این دو عبارت در زبان امام معصوم علیه السّلام نیز به کار رفته و معنای آن «کنار زده» و «رانده شده» است. حاجی نوری (ره) در معنای «شرید» می گوید: «رانده شده از مردمی که حضرت را نشناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکرگذاری و مقام حقش برنیامدند، بلکه پس از اینکه از دست یافتن بر او ناامید شدند، به قلع و قمع ذریه طاهره ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم، سعی بر بیرون راندن نام و یاد او از قلوب و اذهان مردم کردند».^(۱)

علامه مجلسی (ره) درباره این حدیث می فرماید: «الموتور بأبیه» یعنی کسی که پدرش را کشته اند و طلب خونش را نکرده اند. مراد از او، «والد»، امام حسن عسکری علیه السّلام یا امام حسین علیه السّلام و یا جنس والد است که شامل همه ائمه می شود و «مکّنی بعمّه» شاید کنیه برخی از عموهای حضرت، ابو القاسم باشد، یا اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کنیه اش ابو جعفر، ابی الحسن و یا ابی محمد باشد. بعید نیست علّت تصریح نکردن به اسم حضرت و آوردن کنیه، به جهت خوف از عموی^(۲) حضرت باشد و قول وسط ظاهر تر است.^(۳)

ص: ۱۱۸

۱- . نجم الثاقب، ص ۷۸، به نقل از فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۹۹.

۲- . منظور از عمو، جعفر کذاب است.

۳- . بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷.

غیبت حضرت هود علیه السلام

علی بن سالم از پدرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: چون وفات حضرت نوح فرا رسید، شیعیانش را فرا خواند و به آنها فرمود: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها ظاهر خواهند شد و خدای تعالی به واسطه قائمی از فرزندان من فرج شما را می رساند. اسم او هود است و خوش سیما (۱).

و با طمأنینه و باوقار است. او در شمایل و اخلاق، شبیه من است. خداوند هنگام ظهور او دشمنان شما را با طوفان هلاک خواهد ساخت.

آنها پیوسته، چشم به راه هود علیه السلام بودند و منتظر ظهور او، تا آنکه مدت طولانی شد و دل بیشترشان سخت گردید و خدای تعالی هنگام یأس و ناامیدی، پیامبرش هود را ظاهر ساخت و گرفتاری آنان پایان پذیرفت. دشمنان را با باد عقیمی که ذکرش را فرموده است نابود ساخت. این باد بر هرچه گذشت آن را خاکستر کرد. سپس، بعد از آن بار دیگر غایب شد تا آنکه حضرت صالح علیه السلام ظاهر گشت. (۲)

غیبت حضرت صالح علیه السلام

زید بن شمام از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: صالح زمانی از میان قوم خود غیبت کرد و روزی که غایب شد مردی کامل خوش اندام و انبوه ریش و لاغر میان و سبک گونه و در میان مردم متوسط القامه بود و چون نزد قومش برگشت، او را از صورتش نشناختند. او به سوی قومش برگشت در حالی که مردم سه دسته بودند: منکرانی که هرگز برنگشتند، کسانی که اهل شک و تردید بودند، و دیگرانی که اهل ایمان و یقین بودند.

ص: ۱۱۹

۱- . قصص الانبیاء، قطب الدین راوندی، ص ۹۲.

۲- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۰.

صالح علیه السّلام هنگامی که برگشت ابتدا به دعوت اهل شک و تردید پرداخت و به آنها گفت: من (صالح) هستم اما او را تکذیب کردند و دشنام دادند و راندند و گفتند: خدا از تو بیزار باد، صالح علیه السّلام به شکل تو نبود، فرمود: آن گاه که به نزد منکران آمدم، آنان نیز سخن من را نشنیدند و به سختی از من دوری کردند. سپس به نزد دسته سوم رفت که اهل ایمان و یقین بودند و به آنها گفت: من (صالح) هستم. گفتند: برای ما خبری بازگویی تا شک ما مرتفع شود و ما شکی نداریم که خدای تعالی خالق است که هر کسی را که بخواهد به هر شکلی در می آورد و به ما خیر داده اند و نیز در میان خود نشانه های قائم را بررسی کرده ایم و صحت آن به وسیله یک خبر آسمانی محقق می شود.

صالح گفت: من صالح هستم که ناقه را برای شما آوردم. گفتند: راست گفتی! این همان است که ما بررسی کرده ایم. این شتر چه نشانه هایی داشت؟ صالح علیه السّلام فرمود: یک روز او آب می نوشید و یک روز شما، گفتند: به خدا و آنچه آورده ای، ایمان آوردیم. در چنین حالی است که خدای تعالی فرموده است: {أَنَّ صَالِحاً مَّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ} و اهل یقین گفتند: ما به آنچه فرستاده شده ایمان آوردیم و مستکبران که همان شک کنندگان و منکران بودند، گفتند: ما به کسی که شما بدان ایمان آوردید، کافریم.

راوی می گوید: گفتم: آیا در آن روز در میان آنها عالمی غیر از صالح بود؟ فرمود: خدا عادل تر از آن است که زمین را بدون عالم گذارد که مردم را به خدای تعالی راهبری کند و آن قوم بعد از خروج صالح علیه السّلام تنها هفت روز در حال بلا تکلیفی به سر بردند که امامی را نمی شناختند؛ ولی آنها به همان دین خدای تعالی که در دستشان بود، عمل می کردند و با هم متحد بودند و چون صالح علیه السّلام ظاهر شد، دور او جمع شدند و همانا مَثَلُ حَضْرَتِ قَائِمِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ مَثَلُ صَالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ است. (۱)

ص: ۱۲۰

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: پدر ابراهیم علیه السلام منجم نمرود بن کنعان بود. نمرود بدون مشورت با او کاری نمی کرد. شبی از شبها در ستاره ها نگریست و چون صبح شد گفت: دیشب امر شگفتی دیدم. نمرود گفت: چیست؟ گفت: مولودی را دیدم که در این سرزمین متولد می شود و هلاکت ما به دست اوست و به همین زودی مادرش به او باردار می شود. نمرود از آن خبر تعجب کرد و گفت: آیا زنان به او باردار شده اند؟ گفت: خیر! و در علم خود یافته بود که آن مولود را در آتش می سوزانند؛ اما نمی دانست که خدای تعالی او را نجات خواهد داد. فرمود: «نمرود زنان را از مردان دور ساخته و زنان را در میان شهرها، محبوس ساخت تا مردی به زنی دسترسی نداشته باشد».

اما پدر حضرت ابراهیم علیه السلام با زنش مواجهه کرد و آن زن باردار شد و پنداشت که این همان مولود است. پس به دنبال زن قابله فرستاد که هرچه در رحم ها بود، تشخیص می دادند و در مادر حضرت ابراهیم علیه السلام

نگریستند و خدای تعالی آنچه در رحم بود، به پشت چسبانید و قابله ها گفتند: ما چیزی در شکم او نمی بینیم. و چون مادر حضرت ابراهیم علیه السلام او را به دنیا آورد، پدرش خواست تا او را به نزد نمرود ببرد، زن گفت: فرزندت را به نزد نمرود مبر که او را خواهد کشت. اجازه بده تا او را به یکی از غارها ببرم و او را آنجا گذارم تا اجلش فرا رسد و تو فرزندت را نکشته باشی، گفت: اجازه داری.

زن، فرزند را به غاری برد و او را شیر داد و بر در غار سنگ نهاد و برگشت و خدای تعالی نیز روزی وی را در انگشت شست او قرار داد و از شست خود شیر می مکید و رشد او در هر روز مانند رشد دیگران در یک هفته، و رشد هفتگی او مانند رشد ماهانه دیگران، و رشد ماهانه وی، مانند رشد سالانه دیگران بود و به اراده خداوندی در آنجا ماند. سپس روزی مادر به پدر ابراهیم علیه السلام گفت: آیا اجازه می دهی که به سراغ آن کودک بروم و او را ببینم؟

پدر گفت: برو و مادر به غار آمد و ناگهان حضرت ابراهیم علیه السلام را دید که چشمانش مانند دو چراغ می درخشد، او را گرفت و به سینه خود چسبانید و شیرش داد و برگشت. پدرش از حال کودک پرسش کرد و مادر گفت: او را به خاک سپردم و مدتی به بهانه حاجت بیرون می رفت و

خود را به ابراهیم علیه السلام می‌رسانید و او را در آغوش می‌کشید و شیر می‌داد و برمی‌گشت. و چون حضرت ابراهیم علیه السلام به راه افتاد، مادرش آمد و همان کارها را کرد؛ اما چون خواست برگردد، حضرت ابراهیم جامه او را گرفت. مادر گفت: چه می‌خواهی؟

گفت: مرا با خود ببر و او گفت: بگذار تا از قدرت اجازه بگیرم. (۱)

و پیوسته حضرت ابراهیم در غیبت بود و خود را نهان می‌داشت و امرش را مکتوم می‌کرد تا وقتی که ظهور کرد و فرمان خدای تعالی را آشکار نمود و خداوند قدرت خود را درباره او نمایان ساخت. سپس دوباره غایب گشت و آن وقتی بود که پادشاه او را از شهر بیرون کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: از شما و آنچه جز خدا می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگار خود را می‌خوانم و امیدوارم با خواندن پروردگارم بدبخت نباشم و خدای تعالی فرمود: چون از آنها و آنچه که غیر خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، (۲) به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را پیامبر قرار دادیم.

غیبت حضرت یوسف علیه السلام

غیبت حضرت یوسف علیه السلام بیست سال به طول انجامید و در این مدت حضرت یعقوب، روغن بر گیسوان نزد و سرمه نکشید و عطر استعمال نکرده و به زنان نزدیک نشد تا آنکه خدای تعالی پیرشانی یعقوب را برطرف کرد و یوسف و برادرانش و پدر و مادر و خاله اش را به یکدیگر جمع کرد. سه روز این غیبت را در چاه بود و مدتی هم در مصر برده بود و پس از آن، امیر مصر شد.

یوسف در مصر بود و حضرت یعقوب در فلسطین و بین آنها نه روز مسافت بود و در دوران غیبتش احوال مختلفی بر وی عارض شد؛ برادرانش اتفاق کردند او را بکشند، ولی او

را به چاه عمیقی انداختند. آن گاه او را به بهای اندکی که چند درهم محدود بود، فروختند. بعد از آن در اثر

ص: ۱۲۲

۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۶.

گرفتاری مربوط به زنِ عزیز مصر، چندین سال در زندان به سر بُرد و سپس امیر مصر گردید و خدای تعالی اوضاع پریشان او را سامان داد و تأویل خوابش را به وی نمایاند. (۱)

روایت:

هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: یک اعرابی به نزد یوسف آمد تا از او طعامی بخرد و چون از آن کار فارغ شد، یوسف به او گفت: منزلت کجاست؟ او گفت: در فلان مکان! یوسف به او گفت: چون به فلان وادی رسیدی، بایست و فریاد کن! ای یعقوب! مرد بزرگوار نیکومنظر و تنومند و خوش چهره ای خواهد آمد، به او بگو: من در مصر مردی را ملاقات کردم که به شما سلام رسانید و گفت: امانت تو نزد خدای متعال ضایع نشده است.

اعرابی رفت و به آن موضع رسید و به غلامانش گفت: شترها را نگه دارید، سپس فریاد زد: ای یعقوب! ای یعقوب! مرد نابینای بلندقامت و نیکومنظری در حالی که دستش به دیوار بود، پیش آمد. مرد به او گفت: آیا تو یعقوبی؟ گفت: آری؛ آن گاه پیام یوسف را به او رسانید.

یعقوب بی هوش بر زمین افتاد و چون به هوش آمد، گفت: ای اعرابی! آیا از خدای تعالی حاجتی داری؟ گفت: آری! من مردی ثروتمندم و زنم دختر عموی من است و تا کنون فرزندی برایم نزاییده است. دوست دارم دعا کنی تا

خداوند فرزندی به من عطا کند. فرمود: یعقوب وضو ساخت و دو رکعت نماز گذارد. سپس به درگاه خدای تعالی دعا کرد و زنش چهار بار یا شش بار حامله شد و هر بار نیز دو قلو زایید. (۲)

یعقوب می دانست که یوسف نمرده و زنده است و خدای متعال او را پس از یک دوره غیبت به زودی ظاهر می سازد. یعقوب به فرزندانش می گفت: من از جانب خداوند چیزی را می دانم که شما نمی دانید و خاندان و خویشانش به واسطه اینکه یوسف را یاد می کرد، گفته های او را خرافات می پنداشتند تا وقتی که بوی یوسف را استشمام کرد و گفت: من بوی یوسف را می فهمم اگر مرا کم عقل و نادان ندانید. گفتند: به خدا سوگند که تو در گمراهی قدیمی خود هستی. چون بشیر آمد،

ص: ۱۲۳

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۲، باب ۵؛ انوار النعمانیه، نعمت الله جزایری، ج ۲، ص ۲۵.

(بشیر همان یهودا، پسر یعقوب بود و پیراهن یوسف را به رویش انداخت و دوباره بینا گردید،(۱))

گفت: آیا به شما نگفتم که من از جانب خدا چیزی را می دانم که شما نمی دانید؟ «إِنِّي لأجد ریح يوسف لولا-ان تفندون».(۲)

غیبت حضرت موسی علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت می کنند که آن حضرت فرمودند: وقتی موقع وفات حضرت یوسف علیه السلام فرا رسید، پیروان و خاندان خود را جمع کرد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس به آنها فرمود: سختی شدیدی به شما خواهد رسید که در آن مردانتان را بکشند و شکم زنان باردار را پاره کنند و کودکان را سر ببرند تا آن زمان که خداوند حق را در قیام که از فرزندانِ لامویِ یعقوب است ظاهر سازد. او مردی گندمگون و بلندقامت است و صفات او را نیز برشمارد.

بعد از مدتی، غیبت و شدت بر بنی اسرائیل واقع شد و آنها مدت چهارصد سال منتظر قیام قائم بودند، تا آنکه ولادت او را بشارت دادند و علامت های ظهورش را مشاهده نمودند و سختی بر آنها شدت یافت و با سنگ و چوب به آنها حمله می کردند و فقیهی داشتند که به احادیث او آرامش می یافتند؛ اما تحت تعقیب قرار گرفت و مخفی شد. با او نامه نگاری کرده و گفتند: ما در گرفتاری ها به کلام تو آرامش می یافتیم، پس فقیه، آنها را به بیابانها برد و با آنها حدیث قائم و صفات او و نزدیکی ظهور او را می گفت و آن شب، شبی مهتابی بود که در این هنگام بود حضرت موسی علیه السلام به صورت یک نوجوان از سرای فرعون به پشتِ گردشگاه بیرون آمد و از موکب خود کناره گرفت و در حالی که سوار بر قاطری بود و طیلسان خزی بر دوش داشت به نزد آنها آمد.

وقتی که آن فقیه او را دید از صفاتش او را شناخت. برخاست و بر قدم او افتاد و بر آن بوسه داد و گفت: سپاس خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه تو را به من نشان داد و وقتی که

ص: ۱۲۴

۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲- . یوسف / ۹۵.

پیراهنش را این گونه دیدند دانستند که او صاحب آنهاست و به شکرانه خدای تعالی بر زمین افتادند و موسی علیه السلام جز این نگفت که: امیدوارم خداوند در فرج شما تعجیل کند و بعد از آن غایب شد و به شهرمدین رفت و سالیانی را در نزد حضرت شعیب سکنا گزید.

این غیبت دوم از غیبت اولی بر آنها سخت تر بود، و آن پنجاه و چند سال به طول انجامید و گرفتاری آنها شدت یافت و آن مرد فقیه نیز مخفی شد. کسی را نزد او فرستادند و گفتند: ما بر استتار تو طاققت نداریم. فقیه به سمت بیابانی بیرون رفت و آنها را نیز خواست و به آنها اعلام کرد که خدای تعالی به او وحی کرده است که پس از چهل سال فرج او را خواهد رساند. همگی گفتند: «الحمد لله»، خدای تعالی وحی فرمود که: به آنها بگو به خاطر «الحمد لله» که بر زبان جاری کردید، آن را به سی سال تقلیل دادم. گفتند: «کَلَّ نَعْمَه فَمِنْ اللَّهِ؛ هر نعمتی از جانب خداوند است».

وحی آمد که به آنها بگو: آن را به بیست سال کاهش دادم. گفتند: «لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ؛ این خداست که خیر جاری می کند». وحی آمد که به آنها بگو آن را به ده سال کاستم. گفتند: «لَا يَعْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ؛ این خداوند است که بدی را دور می سازد». خداوند متعال به آن فقیه وحی کرد که به آنها بگو: از جای خود حرکت نکنید که اذن فرج شما را دادم. در این میان حضرت موسی علیه السلام در حالی که سوار بر الاغی بود، ظاهر شد و فقیه خواست که او را به پیروانش معرفی کرده و باعث استبصار آنها شود.

حضرت موسی علیه السلام آمد و فقیه پرسید: فرزند که هستی؟ گفت: فرزند عمران. گفت: عمران فرزند کیست؟ گفت: فرزند قاهش فرزند لوی فرزند یعقوب، گفت: چه آورده ای؟ گفت: رسالت از جانب خدای متعال. سپس فقیه برخاست و دستورات حضرت موسی علیه السلام را به آنها ابلاغ کرد و آنها متفرق شدند و از این زمان تا فرج موسی علیه السلام که به غرق فرعون منجر شد، چهل سال فاصله شد. (۱)

ص: ۱۲۵

غیبت حضرت دانیال علیه السلام

حضرت دانیال علیه السلام نود سال در دست بخت النصر اسیر بود؛ چون فضل او را دید و شنید که بنی اسرائیل در انتظار ظهور او هستند و امید دارند که با ظهور او و به دست او فرج حاصل شود، دستور داد او را در چاه بزرگ و وسیعی انداختند و شیری را همراه او کردند تا او را بخورد؛ اما آن شیر نزدیک او نرفت.

وی دستور داد به او خوراک ندهند، ولی خدای تعالی به دست پیامبری از پیامبرانش به او خوردنی و نوشیدنی می رسانید و دانیال روزها روزه می گرفت و شبها با خوراکی که به دستش می رسید افطاری می کرد. بعد از آن، بلا و گرفتاری بر پیروانش و کسانی که منتظر او و ظهورش بودند شدت گرفت و بیشتر آنها بر اثر طول غیبت دچار شک گردیدند و چون گرفتاری دانیال علیه السلام و قومش به نهایت رسید، بخت النصر در خواب دید که گروهی از ملائکه به چاهی که دانیال در آن بود، فرود آمدند و به او سلام کرده و مژده فرج دادند و چون صبح شد از آنچه بر سر دانیال آورده بود، پشیمان شد و دستور داد او را از چاه درآوردند و چون او را آوردند، از شکنجه ای که به او داده بود عذرخواهی کرد، سپس تدبیر بر امور مملکت و داوری بین مردم را به او سپرد و معتقدین به فرج، گرد دانیال اجتماع کردند. چیزی نگذشت که دانیال وفات کرد و امارت بعد از خود را به عزیز علیه السلام واگذار نمود. (۱)

غیبت حضرت عیسی علیه السلام

وقتی که حضرت مسیح علیه السلام متولد شد، خدای تعالی ولادتش را مخفی ساخت. زمانی که مریم علیها السلام باردار شد، او را به مکان دوری کشانید و در پی آن زکریا و خاله اش به جستجوی او پرداختند و وقتی به او رسیدند که وضع حمل کرده بود و می گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و مرا فراموش کرده بودند. خدای تعالی زبان مسیح علیه السلام را گشود تا حجت مریم ظاهر گردد و چون این اتفاق افتاد، گرفتاری و تعقیب بنی اسرائیل شدت گرفت و سرکشان و طاغوتها بر آنها

ص: ۱۲۶

فشار آوردند تا جایی که کار مسیح علیه السّلام به جایی رسید که خدای تعالی از آن خبر داده است و شمعون بی حمون و پیروان پنهان شدند و در جزیره ای از جزایر دریا مستتر گشتند و در آن اقامت گزیدند.

خداوند متعال چشمه های گوناگون را بر آنان جاری ساخت و برایشان میوه های گوناگونی آفرید و گاو و گوسفند فراوانی بر آنان عرضه کرد و یک نوع ماهی که به آن «قَمَیدی» می گفتند، نصیب آنها کرد که نه گوشت داشت و نه استخوان، بلکه صرفاً پوست و خون بود. و از دریا بیرون افتاد و خدای تعالی به زنبور عسل دستور داد که بر آن بنشیند و نشست و زنبورها به آن جزیره آمدند و بر درختان نشستند و کندو ساختند و عسل فراوان تولید کردند و آنها بر همه اخبار مسیح در این جزیره آگاهی داشتند. (۱)

غیر از این غیبت، شیخ صدوق در کمال الدین ذکر می کند که حضرت عیسی علیه السّلام چندین غیبت داشت (برای حضرت عیسی علیه السّلام چندین غیبت بود که ناشناس در زمین می گشت و پیروانش خبری از او نداشتند..). اما احوال غیبت را ذکر نکرده اند. (۲)

غیبت کبرای حضرت عیسی علیه السّلام

اشاره

در مورد عروج و رفعت عیسی علیه السّلام به طرف خداوند متعال، بین مسلمانان و مسیحیان اختلاف نیست با این تفاوت که، مسلمانان جریان صلیب را بنا بر نص صریح کتاب آسمانی خود یعنی قرآن مجید امری غیرقابل قبول می دانند و آن را از انحرافات موجود در عقاید مسیحی می دانند و لکن مسیحیان به وقوع یک چنین مرگی اعتقاد دارند. اما نکته اشتراک این دو دین بزرگ الهی در این است که هر دو معتقد به زنده بودن فعلی حضرت مسیح می باشند؛ اما مسلمانان مرگی برای این پیامبر بزرگ الهی قائل نیستند، ولی مسیحیان ابتدا جریان صلیب را مطرح و بعد از سه روز، زنده شدن او را از قبر عنوان می کنند.

ص: ۱۲۷

۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵ - ۳۱۴.

۲- . همان، ج ۱، ص ۳۱۸، الانوار النعمانیة، نعمت الله جزایری، ج ۲، ص ۳۱ - ۳۲.

حضرت عیسی علیه السلام در روز جمعه در مکانی به نام جلجنا، جان باخته است، او را در قبری که از سنگ تراشیده شده بود، گذاشته، سنگ بر قبر او غلطانیدند.

در صبح یکشنبه وقت طلوع آفتاب، مریم مجدلیه که به دست عیسی هدایت یافته بود و مریم مادر یعقوب، برای تدفین عیسی با هنوط بر سر قبر آمدند، اما قبر را خالی یافتند. حضرت عیسی علیه السلام از قبر برخاسته و دوباره زنده شده بود و پس از اندک زمانی به آسمان صعود کرده، به دست راست خداوند نشست. (۱)

مثل همین مضمون در کتاب در آمدی بر مسیحیت آمده است: بعد از مرگ، جسدش را در قبر گذاشته و سنگ بزرگی در جلوی آن نهادند و پیروانش مبهوت و ترسان بودند. اما نویسندگان اناجیل بیان می دارند که سه روز بعد از مرگش قبر خالی بود، و بعضی گفته اند: پیروانش جسد را دزدیده اند و ادعا می کنند که عیسی علیه السلام از میان مردگان برخاسته است، اما پیروانش می گفتند که این کار را نکرده اند؛ بلکه واقعاً حضرت عیسی علیه السلام از میان مردگان برخاسته است. (۲)

«... البته این صعود حضرت عیسی علیه السلام می تواند برگشت به حالت سابق ایشان قبل از حیات دنیوی باشد، نه اینگونه که حضرت عیسی علیه السلام را خداوند رفعت داده تا به مرتبه الهی برساند؛ بلکه عیسایی را که قبل از نزول، در عالم سماوی بود، خداوند به همان عالم برگردانده است. البته یوحنا نسبت به این نزول تصریحاتی دارد و صعود آسمانی او را وجود علقه ای می داند که از قبل از حیات دنیوی بوده است که البته مطالب موجود در افسس (۳) و رساله رومیان (۴)

خلاف قول یوحنا می باشد. البته پولس می کوشد تا اثبات کند که این صعود یک مقام آسمانی بوده است که خداوند به عیسی علیه السلام داده است که فوق این آسمانها است». (۵)

ص: ۱۲۸

- ۱- . مرقس، ۱۶.
- ۲- . در آمدی به مسیحیت، مری جو و پور مترجم حسن قنبری، ص ۷۱.
- ۳- . افسس، ۲: ۳۴، مرقس، ۱۶: ۱۹.
- ۴- . رومیان، ۴: ۹ - ۱۰.
- ۵- . معجم الاهوت الکتابی، ص ۴۷۷، کولیان، ۲: ۱۵، افسس، ۱: ۲، مزمور، ۱۸: ۱۹۸.

قرآن مجید با عقیده یهودیان و مسیحیان مخالف است و قبول ندارد که عیسی علیه السلام به دار آویخته شده و کشته شده است، چنانکه آیه زیر می فرماید:

{وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ}؛ (۱)

«و سخن آنها که گفتند: مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا را کشتیم [مطلب کذب است بلکه] او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ ولی برای آنها [امر] مشتبه شد و کسانی که در مورد قتل او اختلاف کردند از آن در شک هستند و علم به آن ندارند، تنها از گمان پیروی می کنند، یقیناً او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد». (۲)

البته نویسندگان کتاب معجم الاهوت الکتابی، با برداشتی که خودش از آیات دارد؛ استدلال به فرزند بودن حضرت عیسی می کند و کلمه توفی که در آیه ۵۵ آل عمران آمده است را تفسیر می کند. او می گوید: به دنبال بحث در سوره نساء داریم که خداوند می فرماید: {وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا}؛ «هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر اینکه قبل از مرگش به او [یعنی عیسی] ایمان می آورد و روز قیامت بر آنها گواه است»، اگر در آیه فوق، ضمیر «قبل موته» به اهل کتاب برگردد، معنای آیه فوق این است که: همه اهل کتاب قبل از مردن به او ایمان می آورند زیرا او زنده است و در آخر الزمان نزول می کند و یهودیان و مسیحیان به او ایمان می آورند. این معنی با عموم آیه سازگار نیست؛ زیرا در این صورت فقط کسانی که در آخر الزمان زنده اند، به او ایمان می آورند. در حالی که آیه دلالت بر ایمان همه اهل کتاب دارد؛ امّا اگر ضمیر به عیسی برگردد، اشکال فوق را ندارد؛ زیرا مقصود این است که همه اهل کتاب، قبل از مردن عیسی به او ایمان می آورند. پس معلوم می شود که حضرت

ص: ۱۲۹

۱- نساء/ ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲- عیسی پیام آور اسلام، احمد بهشتی، ص ۳۰۱.

عیسی علیه السّلام هنوز زنده است و توفی، به معنی مرگ نیست؛ بلکه به معنای بازگشتن او از میان یهودیان ستمگر و خونخوار و نجات دادن او از شرّ ایشان است.

در روایات آمده است که: حضرت عیسی قبل از روز قیامت به دنیا نازل می شود و هیچ یک از ملت یهودی و غیر از آن باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگ حضرت عیسی علیه السّلام به او ایمان می آورد و حضرت عیسی علیه السّلام پشت سر حضرت ولی عصر نماز می خواند. (۱)

نویسنده در مورد صعود و رفعت حضرت عیسی می گوید: «راغب اصفهانی درباره آیه {إِنِّي متوفيك ورافعك إلی} می گوید: برخی گفته اند: مقصود توفی رفعت و اختصاص است، نه توفی به معنای مرگ.

سپس از ابن عباس نقل می کند که او گفته است: توفی موت است؛ زیرا خداوند عیسی را میراند، سپس زنده اش کرد. (۲)

اما ظاهراً آنچه از ابن عباس نقل شده، متأثر از عقیده یهودیان است در حالی که روایتی که راجع به نزول حضرت عیسی علیه السّلام در روزگار حضرت مهدی ارواحنفاذیه نقل کردیم، به آیه فوق نزدیک تر است؛ زیرا آیه از توفی و رفعت حضرت عیسی به سوی خدا سخن گفته و در روایت، از نزول وی قبل از روز قیامت و نماز خواندن پشت سر حضرت مهدی (۳) و ایمان اهل کتاب به او سخن می گوید، بنابراین رأی اوّل به صواب نزدیک تر است.

به علاوه در سوره نساء یک بار آمده است که: {ما قتلوه وما صلبوه} (۴) و کشته شدن و به دار آویخته شدن عیسی نفی شده؛ یعنی نه تنها او را نکشتند، بلکه به دار هم نیاویختند؛ اما اشتباهاً شخص دیگری که (شاید) از حواریون و شبیه حضرت عیسی علیه السّلام و خیانتکار بوده، به جای او به دار آویخته و کشته شده «ولکن شبه لهم» بدیهی است که به دار آویخته شدن، ملازم با کشته شدن نیست.

ص: ۱۳۰

-
- ۱- . المیزان، علامه طباطبایی، ج ۵، ص ۱۵۱.
 - ۲- . مفردات راغب، ماده وفی، ص ۷۹ - ۸۷۸.
 - ۳- . فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۳۹۰، به نقل از صواعق المحرقة ابن هجر، ص ۹۸، باب ۱۱، فصل اوّل.
 - ۴- . نساء/ ۱۵۷.

بار دیگر در همان آیات آمده است که: {وما قتلوه یقیناً بل رفعه الله الیه} (۱) مقتضای این عبارت قرآن این است که: اولاً مدعای یهودیان که فکر می کردند حضرت عیسی علیه السّلام را کشته اند، باطل است و ثانیاً حضرت عیسی علیه السّلام به مرگ طبیعی هم نمرده است، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برده است و اگر حضرت عیسی علیه السّلام به مرگ طبیعی مرده بود، باید گفته می شد {وما قتلوه یقیناً بلی مات} یقیناً او را نکشتند، بلکه او مرده است.

البته مقصود این نیست که حضرت عیسی هرگز نمی میرد؛ بلکه او نیز سرانجام می میرد، زیرا {کلّ نفس ذائقة الموت}؛ (۲)

«هر نفسی طعم مرگ را می چشد». و قرآن درباره حضرت عیسی علیه السّلام می فرماید: {وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا}؛ (۳)

«سلام بر من در آن روزی که زاده شدم و در آن روزی که می میرم و در آن روزی که زنده می شوم». این سه روز، آغاز سه مرحله از مراحل زندگی انسان است؛ روز زاده شدن آغاز زندگی دنیوی، و روز مردن آغاز زندگی برزخی، و روز برانگیخته شدن (قیامت) آغاز زندگی اخروی است. مقصود از این آیه شریفه، این است که عیسی علیه السّلام در هر سه مقطع حیات، از سلامت و امنیت برخوردار باشد و از بیم، به دور بماند.

معنی توفی: گواه روشن بر اینکه توفی به معنی میراندن نیست؛ بلکه به معنای گرفتن است، آیه ای است که درباره زنان بدکار سخن می گوید: {وَاللّٰتِي يَأْتِيْنَ الْفٰصِحٰتِهٖ مِنْ نِسَابِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِی الْبُیُوْتِ حَتّٰی يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا} (۴)

آنان را در خانه بازداشت کنید تا مرگ آنان را بگیرد، یا خدا برای آنان راهی قرار دهد. در این آیه فاعل «توفی» موت است و معنی {یتوفاهن الموت} همان {یاخذهن الموت} است و

ص: ۱۳۱

۱- . نساء/ ۱۵۷ - ۱۵۸.

۲- . عنکبوت/ ۵۷.

۳- . مریم/ ۳۳.

۴- . نساء/ ۱۵.

اگر «توفی» به معنای میراندن باشد، نتیجه این جمله می شود که: {یمیتهن الموت} که تعبیر نادرستی است. اکنون که روشن شد «توفی یک معنای جامعی دارد، در تعیین یکی از دو معنا نیاز به قرینه داریم که خدا حضرت عیسی علیه السّلام را به مطالب سه گانه ای مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید: {اذ قال الله یا عیسی انّی متوفیک ورافعک الیّ ومطهرک...} خطاب های «متوفیک» و «رافعک» و «مطهرک» به حضرت عیسی علیه السّلام است.

ناگفته پیداست که حضرت عیسی نام تنها روح و روان نیست؛ بلکه نام مجموع بدن و روح است و باید حامل این سه ویژگی، عیسای خارجی، یعنی بدن و روح باشد.

به عبارت دیگر، «عیسی» نام این موجود خارجی است و خطاب نیز به اوست. هر گاه متوفیک به معنی قبض و نجات عیسی از چنگال یهود باشد، در این صورت، هر سه ویژگی با عیسای خارجی قائم خواهد بود؛ یعنی خدا او را از دست مردم نجات داد و او را بالا برد و او را از اختلاط با کافران پاک گردانید.

ولی اگر مقصود از آن میراندن باشد، قهراً پس از مرگ، جسد او بالا نمی رود و تنها روح است که به پرواز در می آید. در این صورت ویژگی نخست حضرت عیسی قائم به بدن و روح بوده و حامل ویژگی دوم تنها روح او خواهد بود و معنی آیه چنین خواهد بود: ای عیسی تو را می میرانیم و روح را بالا می بریم.

این تفسیر مستلزم تفکیک در موصوف است: زیرا مسّی به عیسی تنها روح نیست، هر چند واقعیت او همان روح است؛ بلکه مسّی به عیسی همان موجود مادی قائم با روح است.

خطاب به اوست و باید این کار با آن قائم باشد. (۱)

از ذکر مطالب گذشته به سه نوع مطلب می رسیم:

الف) مطالبی که از نظر مسلمانان و مسیحیان قطعی می باشد؛

ب) مطالبی که از نظر مسلمانان قطعی می باشد؛

ج) مطالبی که از نظر مسیحیان قطعی می باشد.

مطالب قطعی مورد اتفاق مسلمانان و مسیحیان

ص: ۱۳۲

۱. عروج حضرت عیسی علیه السّلام به آسمان و عظمت مقام ایشان در نزد خداوند؛

۲. دشمنی یهود و تصمیم آنها بر قتل حضرت عیسی علیه السّلام.

مطالب قطعی مورد اتفاق مسلمانان

۱. عدم کشته شدن حضرت عیسی علیه السّلام به دست یهودیان؛

۲. نزول حضرت عیسی علیه السّلام در ایام ظهور حضرت مهدی به روی زمین.

مطالب قطعی مورد اتفاق مسیحیان

۱. به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السّلام توسط یهودیان؛

۲. زنده شدن دوباره حضرت عیسی علیه السّلام در قبر و صعود به آسمان.

نتیجه گیری

۱. از این اباحت که تاکنون ذکر شد، می شود نتیجه گرفت که حضرت عیسی علیه السّلام زنده است و در ایام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد.

۲. اگر خداوند حضرت عیسی علیه السّلام را به این مدّت طولانی می تواند زنده نگهدارد، برای امام زمان نیز این امکان پذیر است؛ لذا امام زمان ارواحنا فداه مثل حضرت عیسی علیه السّلام از ولادت تا امروز و تا وقت ظهور زنده است و مردم از وجود مقدّس ایشان بهره می برند.

اشتراک های غیبت انبیا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشتراک های غیبت حضرت هود علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. خبر غیبت حضرت هود علیه السّلام قبل از وقوع، از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بیان شده بود و آن پیامبر، حضرت نوح علیه السّلام بود. از حضرت امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمودند: وقتی وفات حضرت نوح علیه السّلام فرا رسید، پیروانش را فرا خواند و به آنها فرمود: بدانید که پس از من غیبتی

خواهد که در آن طاغوت ها ظاهر خواهند شد و خدای تعالی به واسطه قائمی از فرزندان من فرج شما را می رساند، اسم او «هود» است.

خبر غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه نیز قبل از وقوع آن از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السّلام بیان گردیده است.

۲. حضرت نوح علیه السّلام حضرت هود را به عنوان قائم ذکر فرمود (خدای تعالی به واسطه قائمی از فرزندان من فرج شما را می رساند)، در روایات حضرت مهدی را نیز به عنوان قائم یاد کرده اند.

امام صادق علیه السّلام از پدراناش از رسول خدا | روایت می کند که فرمود: پس از من دوازده امام اند که اوّل آنها علی علیه السّلام و آخر ایشان قائم است....(۱)

۳. عمر حضرت هود علیه السّلام مثل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طولانی بوده، حضرت هود علیه السّلام در سن هشتصد و هفت سالگی از دنیا رفت؛ اما امام مهدی ارواحنا فداه هنوز زنده هستند.

اشتراک های غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قبلاً ذکر شد که غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام از چند جهت به غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشتراک دارد. اکنون به بررسی این اشتراک ها می پردازیم:

۱. فلسفه غیبت هر دو بزرگوار یکی است، یعنی خوف و ترس از قتل.

۲. مدت غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام مشخص نبوده، مدت غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز معلوم نیست.

اشتراک های غیبت حضرت یوسف علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت حضرت یوسف علیه السلام از جهت های گوناگون به غیبت حضرت مهدی تشبیه شده است:

ص: ۱۳۴

۱. نخستین شباهت غیبت امام عصر به حضرت یوسف این است که غیبت حضرت یوسف علیه السلام از زمان کودکی ایشان آغاز گردید. قرآن این مطلب را این طور بیان می کند:

(وَجَاءَتْ سَيَّارَهُ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً

وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ)؛ (۱) «و در همین حال کاروانی فرا رسید و مأمور آب را در پی آب فرستادند، او دلو را در چاه افکند. [ناگهان] صدا زد: مژده باد این کودک است زیبا و دوست داشتنی!»

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از دوران کودکی شروع شد. در این ضمن از امام صادق علیه السلام روایت نقل شده است: قال رسول الله لا بد للغلام من غيبه فقيل له ولما يا رسول الله؟ قال يخاف القتل. (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ناچار برای آن کودک (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبتی خواهد بود. پرسیده شد: برای چه؟ فرمودند: از ترس کشته شدن. ولادت حضرت مهدی در سال ۲۵۵ هجری است و آغاز غیبت صغری در سال ۲۶۰ هجری بوده است. از این لحاظ در زمان غیبت عمر آن حضرت فقط ۵ سال بود.

۲. یکی از علت های غیبت حضرت یوسف علیه السلام ظلم و ستم برادران در حق او بود، خدای تعالی می فرماید: ﴿وَجَمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجَبِّ﴾؛ (۳)

«و تصمیم گرفتند وی را در نهان گاه چاه قرار دهند».

یکی از علت های غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز ظلم و ستم حاکمان و طاغوت های خون آشام در حق آن حضرت بود. زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از قیامش غیبتی دارد. عرض کردم: فدایت شوم: برای چه؟ حضرت با اشاره به شکم و گردن مبارکشان فرمود: (از کشته شدن) می ترسد. (۴)

ص: ۱۳۵

۱- . یوسف / ۱۹.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵؛ یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص ۹۹.

۳- . یوسف / ۱۵.

۴- . کمال الدین، ج ۲، ص ۱۵۷؛ یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص ۹۹.

۳. وقتی حضرت یوسف از پدر دور شد، حضرت یعقوب هرگز امید خود را از دست نداد و از رحمت الهی و بازگشت یوسف ناامید نشد و از خداوند درخواست می کرد که به زودی حضرت یوسف علیه السّلام را ببیند. {عسی الله أن یأتنی بهم جمیعاً}؛ (۱)

«امیدوارم خداوند، همه آنان را به من باز گرداند».

درباره غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخی که از هدایت الهی برخوردارند، با امید به فضل خداوندی، ظهور او را انتظار می کشند و هرگز از رحمت الهی ناامید نمی شوند. در دعای عصر غیبت که از ناحیه مقدسه رسیده است، چنین می خوانیم: «خدایا! یاد او، انتظارش، ایمان به او، باور شدید به ظهور، دعا برای او و توجه به او را در ما به فراموشی مسپار». (۲)

۴. حضرت یوسف علیه السّلام با توطئه های گوناگونی روبرو گشت؛ مثلاً به چاه افکندن، به بردگی رفتن... با وجود این توطئه مشیت الهی این بود که همه توطئه ها و نقشه های شوم، ناکام گردد.

دشمنان و حکمرانان عباسی نیز برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، توطئه های فراوان و نقشه های شومی برنامه ریزی کرده بودند؛ ولی اراده الهی بر رهایی او از همه فتنه ها و تجلی نور خدا تعلق گرفته است. امام صادق علیه السّلام درباره این توطئه ها می فرمایند: «بنی امیه و بنی عباس چون دریافتند که گردن کشان آنان به دست حضرت مهدی ما از میان می روند، با ما بنای دشمنی نهادند. آنان برای کشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نابودی نسل او، شمشیرهای خود را از نیام درآوردند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بکشند...». (۳)

۵. حضرت یوسف وقتی که غیبت اختیار کرد، از رسالتی که در برابر مردم برعهده داشت، غافل نشد. هنگامی که دو یار زندانی یوسف، خواب خود را برای او بیان کردند و تعبیر آن را از او خواستند، یوسف از فرصت به دست آمده استفاده کرد و پیش از بیان تعبیر خواب چنین گفت: {یا

ص: ۱۳۶

۱- . یوسف / ۸۳.

۲- . کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۹، باب ۴۵.

۳- . غیبت طوسی، ص ۲۹۳.

صَاحِبِ السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَّفَقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ {[\(۱\)](#)؛ «ای همراهان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!»

همچنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، لحظه ای از انجام رسالت خود (هدایت مردم) غفلت نمی ورزند و مردم از فیض او بهره مند می شوند.

۶. حضرت یوسف اهل مصر و برادران را از قحط سالی نجات داد؛ اگرچه برادران یوسف در حق وی ستم کردند. حضرت یوسف از این ظلم و ستم صرف نظر کرد و برای برادران آذوقه فراهم کرد. همچنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از شیعیانش مشکلات و بلا را دور می کند.

ظریف می گوید: به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شدم، ایشان فرمودند: آیا مرا می شناسی؟ عرض کردم: آری! فرمودند: من کی هستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید.

فرمودند: منظور این نبود. عرض کردم: فدایت شوم! منظورتان چیست؟ فرمودند: من آخرین اوصیا هستم و خداوند به خاطر وجود من، بلا را از اهل و شیعیانم برطرف می کند. [\(۲\)](#)

۷. طلوع خورشید رسالت (اتمام غیبت) اتفاق نمی افتاد مگر پس از رنج های فراوان که برادران حضرت یوسف علیه السلام به جان کشیدند و خون دلهایی که حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف علیه السلام خورد. خورشید وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز طلوع نمی کند مگر پس از رنج های فراوانی که مردم تحمل می کنند و در روایات آمده است، آن گاه امام ظهور خواهد کرد. و نیز حضرت علی علیه السلام می فرمایند که: یاری خداوند به سوی شما نخواهد آمد؛ مگر هنگامی که در چشم مردم از مرده، پست تر شوید و این، همان سخن خداوند در سوره یوسف است که فرمود: تا آن گاه که رسولان ناامید شدند و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است، در این هنگام، یاری ما به سراغ آنان آمد، آن گاه زمان قیام قائم ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. [\(۳\)](#)

ص: ۱۳۷

۱- . یوسف / ۳۹.

۲- . همان، ص ۲۴۶.

۳- . ینابیع الموده، ابراهیم قندوزی، ص ۴۲۴.

۹. حضرت یوسف علیه السّلام برای برادرانش آخرین پناهگاه بود، چون حضرت یوسف علیه السّلام آذوقه ای فراوان داشت که نزد دیگران پیدا نمی شد. از این رو، با اینکه میان یوسف و برادرانش نه روز فاصله بود،^(۱) آنان برای آذوقه این مسیر طولانی را می پیمودند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تنها کسی است که تمام نیازهای همه بشریت را برآورده می سازد. مهم ترین نیاز بشریت حکومت عدل است و این کار را جز آن حضرت کسی نمی تواند انجام دهد.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: ظهور رخ نخواهد داد؛ مگر هنگامی که همه گروهها بر مردم حکومت کردند و کسی نگوید: اگر ما حاکم بودیم، به عدالت رفتار می کردیم. پس از این وضعیت، قائم همراه با حق و عدالت، قیام خواهد کرد.^(۲) پس همان طور که آذوقه فقط نزد حضرت یوسف علیه السّلام بود، برپا کردن عدالت حقیقی فقط در دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. لذا آن حضرت آخرین پناهگاه بشریت هست.

اشتراک های غیبت حضرت موسی با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت حضرت موسی علیه السّلام از جهت های گوناگون به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشبیه شده است:

۱. خبر غیبت حضرت موسی علیه السّلام قبل از ولادت ایشان از زبان پیامبر آن زمان که حضرت یوسف علیه السّلام بود بیان شد، وقتی وفات حضرت یوسف فرا رسید، پیروان و خاندانش را جمع کرد و گفت: سختی آنها خواهد رسید که در آن مردانشان را بکشند و شکم زنان باردارشان را پاره کنند تا آن گاه خداوند حق را در قائم که از فرزندان لاوی بن یعقوب است ظاهر سازد.^(۳)

خبر غیبت

ص: ۱۳۸

۱- . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲- . غیبت نعمانی، ص ۲۸۲.

۳- . کمال الدین، ج ۱، ص ۸۹ - ۲۸۸.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز قبل از ولادت آن حضرت، از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بیان شده است. قال رسول الله صلی الله علیه وآله لابد للغلام من غیته فقیل له ولماذا یا رسول الله؟ قال یخاف القتل. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: ناچار برای آن کودک (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبتی خواهد بود. پرسیده شد: برای چه؟ فرمودند: از ترس کشته شدن.

۲. در غیبت حضرت موسی علیه السلام قومش نگران و پریشان بودند؛ اما از ظهور حضرت موسی مایوس نبودند؛ «غیبت و شدت بر بنی اسرائیل واقع شد و آنها مدت چهارصد سال منتظر قیام قائم بودند...» (۲)

در غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم نگران و حیران می شوند، اما مایوس نمی شوند؛ «در باره غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخی از هدایت الهی برخوردارند و با امید به فضل خداوندی، ظهور او را انتظار می کشند و هرگز از رحمت الهی ناامید نمی شوند. در دعای عصر غیبت که از ناحیه مقدسه رسیده است، چنین می خوانیم: خدایا! یاد او، انتظارش، ایمان به او، باور شدید به ظهور او، دعا برای او و توجه به او را در ما به فراموشی مسپار.» (۳)

۳. یکی از علت های غیبت حضرت موسی علیه السلام ظلم و ستم بزرگ ترین طاغوت زمان، فرعون، بود که می خواست حضرت موسی علیه السلام را به قتل برساند. یکی از علت های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم ظلم و ستم حاکمان وقت است.

زراره می گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: قائم پیش از قیامش غیبتی دارد. عرض کردم: فدایت شوم! برای چه؟ حضرت با اشاره به شکم و گردن مبارکش فرمودند: (از کشته شدن) می ترسد.» (۴)

۴. وقتی حضرت موسی علیه السلام برای غیبت کوتاه مدت (میقات رب) به کوه طور رفت، قوم را بدون رهبر نگذاشت؛ بلکه حضرت هارون را میان قومش جانشین خود قرار داد. همان طور وقتی

ص: ۱۳۹

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۸، باب ۴۵.

۴- همان، ج ۲، ص ۱۵۷.

که امام زمان ارواحنا فداه در پس پرده غیبت رفتند، مردم را حیران و سرگردان نگذاشتند؛ بلکه علما را برای هدایت مردم جانشین خود قرار دادند و حکم فرمودند که در زمان غیبت بر مردم واجب است که برای حلّ مشکل به علما مراجعه کنند.

۵. حضرت موسی علیه السلام دو غیبت داشت؛ بلندمدت و کوتاه مدت. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دو غیبت دارند؛ غیبت صغری و غیبت کبری، روایت شده است که برای حضرت قائم (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو غیبت است. (۱)

۷. در زمان غیبت، اگرچه حضرت موسی در میان فرعونیان و خانه فرعون بود؛ اما هیچ کس مقام معنوی ایشان را نمی شناخت. همان طور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت در میان مردم رفت و آمد می کنند؛ اما هیچ کس از مقام معنوی ایشان آگاه نیست و آن حضرت را نمی شناسد.

۸. در غیبت حضرت موسی علیه السلام بعضی به عنوان مصلح، قوم را گمراه می کردند مثل سامری، در غیبت امام زمان نیز بعضی هستند که خودشان را میان مردم مصلح نشان می دهند و در حقیقت مردم را گمراه می کنند. خلاصه این است که در غیبت حضرت موسی علیه السلام فقط یک سامری بود؛ اما در غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هزاران سامری به وجود آمده و می آیند.

اشتراک های غیبت حضرت خضر علیه السلام با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مکان سکونت حضرت خضر علیه السلام در زمین مشخص نیست مانند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲. حضرت خضر میان مردم رفت و آمد می کند؛ اما کسی آن حضرت را نمی شناسد (۲) همانند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳. یکی از ویژگیهای غیبت حضرت خضر علیه السلام طول عمر است و این شباهت نیز در وجود حضرت مهدی موجود می باشد و این یکی از شگفتیهای قدرت الهی محسوب می شود.

ص: ۱۴۰

۱- شرح الاخبار، فی فضائل الائمه الاطهار، ج ۳، ص ۳۱۳؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۶۴.

۲- قصص الانبیاء، ابن کثیر، ص ۴۷۸.

۴. حضرت خضر علیه السلام مانند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر سال در مراسم حج شرکت می کند. (۱)

اشتراک های غیبت حضرت دانیال علیه السلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. دشمن اصلی حضرت دانیال، حاکم وقت، بخت النصر بود و می خواست آن حضرت را بکشد. همان طور دشمن اصلی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم حاکمان وقت بودند و می خواستند امام را به قتل برسانند؛ اما در مقاصد پلید خود کامیاب نشدند. رشیق می گوید که: معتمد عباسی، مرا به همراه دو نفر برای قتل آن حضرت (امام حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مأمور کرده بود.... (۲)

۲. قوم حضرت دانیال علیه السلام در حال غیبت منتظر ظهورش بودند، پیروان حضرت ولی عصر نیز در حال غیبت منتظر ظهورش هستند.

۳. قوم حضرت دانیال علیه السلام در حال غیبت مبتلا به مصائب و آلام بودند. شیعیان حضرت ولی عصر نیز در زمان غیبت گرفتار بلا یا و مصایب هستند.

۴. بعضی ها در اثر طول غیبت حضرت دانیال علیه السلام در دین شک کردند و منحرف شدند.

همان طور به خاطر طول غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعضی ها شک کردند و گمراه شدند. مثلاً بعضی گفتند که: آن حضرت در زندگی پدرش مرده و

بعضی ها گفتند: امام حسن عسکری علیه السلام اصلاً فرزندی نداشت. (۳)

اشتراک های غیبت حضرت الیاس علیه السلام با غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. غیبت حضرت الیاس علیه السلام به دو قسم تقسیم می شود: (۱) کوتاه مدت؛ (۲) بلندمدت. غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بر دو قسمت تقسیم می شود: غیبت صغری و غیبت کبری.

ص: ۱۴۱

۱- . کمال الدین، ج ۲، ص ۸۹.

۲- . غیبت طوسی، ص ۲۴۸.

۳- . غیبت نعمانی، ص ۱۷۰.

۲. غیبت حضرت الیاس علیه السّلام به خاطر خوف و ترس از قتل و کشته شدن بود، غیبت حضرت مهدی نیز مانند حضرت الیاس علیه السّلام به خاطر خوف و ترس از کشته شدن بود.

۳. در زمان غیبت کبری حضرت الیاس علیه السّلام در زمین سکونت دارد؛ اما هیچ کس از مکان آن حضرت آگاه نیست مانند: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که هیچ کس از مکان آن حضرت آگاه نیست.

۸. مدت غیبت حضرت الیاس علیه السّلام نامعلوم است مانند حضرت مهدی.

۹. حضرت الیاس علیه السّلام در زمان غیبتش میان مردم رفت و آمد داشت؛ اما کسی او را نمی شناخت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در بین مردم رفت و آمد می کنند ولی مردم ایشان را نمی شناسند.

اشتراک غیبت حضرت یونس علیه السّلام با غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مدت غیبت حضرت یونس علیه السّلام اگرچه خیلی کم بود، لیکن مدّتش معین نبود، مانند غیبت حضرت ولی عصر که چند صد سال گذشته است؛ اما هنوز معلوم نیست آن حضرت چه موقع ظهور خواهند کرد.

۲. حضرت یونس علیه السّلام از قومش غیبت اختیار کرد و دوباره به سوی قوم بازگشت همان طور امام زمان نیز از مردم غیبت اختیار کردند و به سوی آنها باز خواهند گشت.

۳. درباره حضرت یونس علیه السّلام مردم یقین کردند که ایشان از دنیا رفته و در دریا غرق شده، دلیلش این است که وقتی یونس علیه السّلام به سوی نینوا حرکت کرد و چوپانی را دید، نزد او رفت و به او فرمود: «برو نزد مردم و به آنها خبر بده که یونس به سوی شما می آید».

چوپان به یونس گفت: «آیا دروغ می گویی؟ آیا حیا نمی کنی؟ یونس علیه السّلام در دریا غرق شد و از بین رفت».^(۱)

ص: ۱۴۲

۱- . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۰ - ۲۰۲.

درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، مردم می گویند: ایشان در زمان پدرش فوت کرده و بعضی می گویند امام حسن عسکری علیه السلام اصلاً فرزند نداشت. (۱)

اشتراک غیبت حضرت عیسی علیه السلام با غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. دشمن اصلی حضرت عیسی علیه السلام حاکمان و ظالمان وقت بودند؛ اینها مردم را برای قتل حضرت وادار می کردند. دشمن اصلی حضرت ولی عصر هم حاکمان و ظالمان وقت بودند. رشیق می گوید که: معتضد عباسی مرا به همراه دو نفر برای قتل آن حضرت مأمور کرده بود.... (۲)

۲. غیبت حضرت مسیح علیه السلام بر دو قسمت تقسیم می شود (صغری و کبری) مثل غیبت حضرت حجت. امام صادق علیه السلام فرمودند: برای قائم دو تا غیبت است، یکی کوتاه مدت و دومی بلندمدت.... (۳)

۳. مدت غیبت حضرت مسیح علیه السلام معلوم نیست مثل غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴. ظهور حضرت مسیح از یقینیات است مانند ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، لکن ظهور حضرت عیسی بعد از ظهور حضرت مهدی است. (۴)

۵. درباره حضرت مسیح علیه السلام اختلاف است بعضی گفته اند مرده است و بعضی می گویند زنده است مانند حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف که بعضی گفتند که حضرت در دوران زندگی پدرشان از دنیا رفته و بعضی می گفتند که امام حسن عسکری علیه السلام اصلاً فرزند نداشت. (۵)

ص: ۱۴۳

۱- . غیبت نعمانی، ص ۱۷۰.

۲- . غیبت طوسی، ص ۲۴۸.

۳- . تقریب المعارف فی الکلام، ص ۱۹۰؛ غیبت نعمانی، ص ۱۷۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴- . البیان فی اخبار صاحب الزمان، محمد شافعی، ص ۷۶.

۵- . غیبت نعمانی، ص ۱۷۰.

اشتراک های غیبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با غیبت امام حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. یکی از شباهت های غیبت رسول اکرم صلی الله علیه وآله با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که دشمنان رسول اکرم صلی الله علیه وآله بزرگان مکه (اهل حل و عقد) بودند. همانند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دشمنان ایشان نیز بزرگان یعنی حکمرانان وقت بوده اند.^(۱)

۲. وقتی امام مهدی برای غیبت، پس پرده رفتند، قوم را حیران و سرگردان نگذاشتند؛ بلکه نائین خاص را برای هدایت مردم جانشین خود قرار دادند. وقتی رسول اکرم صلی الله علیه وآله برای غیبت سه روزه از مکه خارج شدند، حضرت علی علیه السلام را برای هدایت مردم جانشین قرار دادند تا مردم در زمان غیبت گمراه نشوند.

۳. یکی از دشمنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله عموی ایشان ابو لهب بود که می خواست حضرت رسول صلی الله علیه وآله را به قتل برساند، مانند عموی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دشمن آن حضرت بود و دولت را بر علیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحریک می نمود و در نتیجه دولت، دو بار به خانه امام عسکری علیه السلام یورش برده و حمله نمود و به دنبال حضرت مهدی می گشتند ولی دسترسی پیدا نکردند.^(۲)

ص: ۱۴۴

۱- غیبت طوسی، ص ۷۰ - ۱۶۹.

۲- امام مهدی و غیبت صغری، سید محمد صدر، ترجمه امامی شیرازی، ج ۱، ص ۲۴۷.

از لحاظ فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می توانیم روایات را به چهار دسته، تقسیم کنیم:

۱- امتحان مردم

خدای تعالی در قرآن می فرماید: {أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ}؛ (۱)

«آیا مردم گمان کرده اند همین که بگویند: ایمان آوردیم؛ به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

خداوند حتماً بنده مؤمن را مورد ابتلا قرار خواهد داد و یکی از مصادیق این امتحان، غایب بودن حجت خدا از میان مردم است.

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای قائم (پیش از آنکه قیام کند) غیبتی است. سپس فرمود: «او منتظری است که مردم در ولادتش به شک و تردید می افتند و بعضی می گویند: زمانی که پدرش رحلت کرد، فرزندی برای او نبود و بعضی گویند: دو سال قبل از وفات پدرش متولد شده است. زیرا خداوند عزوجل، محققاً امتحان خلقش را دوست می دارد و در آن هنگام، باطل جویان، شک و تردید می کنند.» (۲)

این حدیث و احادیث دیگر علت غیبت را، امتحان مردم دانسته که عیناً مطابق با آیات و تعلیمات دینی است.

۲- تحت بیعت هیچ حاکمی نباشد

اسلام هیچ وقت نمی خواهد که مؤمن زیر بیعت حاکم جور زندگی کند؛ چون ظالم بر مؤمن هیچ حق بیعتی ندارد. اگر خداوند برای بنده مؤمن خود سزاوار نمی داند که زیر بیعت ظلم زندگی کند، چگونه خداوند برای حجتش راضی می شود که ایشان تحت بیعت ظالم زندگی کنند. در

ص: ۱۴۶

۱- . عنکبوت / ۲.

۲- . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

روایات آمده است که علت غیبت این بود که خدا نمی خواست و نمی خواهد که حجت او تحت بیعت هیچ حاکمی باشد.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که امام فرمودند: «حضرت قائم، قیام می کند در حالی که پیمان و بیعت هیچ کسی در گردنش نیست»^(۱).

۳. خالی شدن صلب های کافران از مؤمنان

ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که از ابا عبدالله پرسیدم: «چرا امیر المؤمنین علیه السّلام در ابتدای امر، با مخالفان خود کارزار و جنگ نکرد؟ فرمود: به جهت آیه ای که در کتاب خداوند عزّوجل وجود دارد که؛ {لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا}؛^(۲)

«اگر مؤمنان و کفار [در مکه] از هم جدا می شدند، همانا کافران را عذاب دردناکی می کردیم. عرض کردم مقصود از تَزَيَّلُوا، جداسدن چیست؟ فرمودند: مقصود نطفه های مؤمنانی است که در صلب های کافران به ودیعت گذاشته شده اند. همین طور حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف مادامی که ودایع خداوند عزّوجل آشکار نشده، ظهور نخواهد کرد، پس وقتی مؤمنان از صلب های کافران، آشکار شدند، او نیز ظهور می کند و بر دشمنان خداوند غلبه یافته و آنان را می کشد»^(۳).

۴. سرّ غیبت به نحو کامل معلوم نیست و فقط خدا می داند

وقتی ثابت شد که غیبت یکی از فعل های خداوند یعنی به دستور او است و فعل خدا همیشه حُسن دارد؛ لذا غیبت باید حُسن داشته باشد، اما بر ما واجب نیست که حُسن فعل خدا را مَفْصِلاً بدانیم، اگر این گونه باشد، بر ما واجب خواهد شد که همه حُسن فعل های خدا را مَفْصِلاً بدانیم. حالا که این، اجماعاً باطل است، پس ممکن است که در غیبت مصلحتی باشد که فقط خدای

ص: ۱۴۷

۱- کافی، مرحوم کلینی، ج ۱؛ کتاب الحجّه، باب فی الغیبه، ص ۳۸۴، ح ۲۷؛ مرآة العقول، علامه مجلسی، ج ۴، ص ۵۸، ح ۲۷.

۲- فتح/ ۲۵.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

متعال، عالم به آن مصلحت است و این مصلحت و سبب، غیر از آن باشد که علما ذکر می کنند. روایت هم این مطلب را اثبات می کند.

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «همانا صاحب این امر را غیبتی است که ناچار از آن است و هر باطل جویی در آن به شک می افتد».

گفتم: فدایت شوم! برای چه؟ فرمودند: به جهت امری که به ما اجازه نداده اند آن را بر شما آشکار سازیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت او است؟ فرمودند: حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت های پیش از او بوده است. وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، مثل وجه حکمت کارهای حضرت خضر علیه السلام - از شکستن کشتی و کشتن پسر بچه و به پا داشتن دیوار - که بر موسی علیه السلام روشن نبود....

ص: ۱۴۸

قاضی عبد الجبار معتزلی می گوید: «اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله او نقص ها جبران شود، چه فایده ای بر آن مترتب است، مانند اینکه اصلاً حجتی بر روی زمین نباشد، زیرا به صرف وجود امام، نقص ها برطرف نمی شود؛ بلکه به امام ظاهر است که نقص ها جبران می گردد».(۱)

همچنین تفتازانی می نویسد: «مسئله اختفای امام از مردم به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد، جداً بعید است و امامت او در اختفا، امری بیهوده است. چون غرض از امامت، حفظ شریعت، حفظ نظام، دفع جور و غیره است...».(۲)

۱. فواید عام:

همان طور که خداوند متعال رزق بنده مؤمن خویش را فراهم می کند برای کافر نیز این کار را می کند، چون همه مخلوق اویند. امام هم مظهر صفات خدا می باشد؛ همان طور که فیض خدا بر تمام مخلوقات سایه افکنده است، فیض امام نیز همین گونه است. لذا اگر به خوبی توجه و دقت کنیم، روشن می شود که وجود امام حتی در حال غیبت به همه مخلوقات فیض می رساند؛

۱) اگرچه آن حضرت از چشمان مردم پنهان هستند، اما وجود آن حضرت موجب «امان» برای اهل زمین است. این مطلب در روایات به صراحت بیان شده است؛ از جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اهل بیت من برای اهل زمین امان می باشند، اگر اهل بیت من نباشند، اهل زمین از بین می روند.(۳)

پس، از این روایت استفاده می شود که یکی از افراد اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله میان ما هست و وجود مقدس او اهل زمین را امان می بخشد. و این یکی از بارزترین فایده های وجود آن

ص: ۱۵۰

۱- . المغنی، عبد الجبار، ج ۱، ص ۵۷.

۲- . شرح مقاصد، تفتازانی، ج ۵، ص ۲۴۰.

۳- . ذخائر العقبی، محب الدین طبری، ص ۱۷؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۱۱۶.

حضرت می باشد و این فایده نیز به یک عده خاص تعلق نمی گیرد؛ بلکه کلّ انسانیت از این وجود بهره می برند.

۲) وجود مقدس امام، فرد کامل انسانیت و رابطه فیض میان مخلوق و خداست. اگر امام نباشد، خدا به حدّ کامل شناخته نمی شود. اگر امام نباشد، رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع می گردد. قلب مقدس امام به منزله منبع قوی و عظیمی است که افاضات پروردگار بر قلب امام نازل می گردد. لذا حضور و غیبت او، در ترتّب این آثار تفاوتی ندارد. (۱)

۲) فواید خاص:

اشاره

همانطور که خدای تعالی رحمان است یعنی نسبت به همه مخلوقات مهربانی دارد ولی نسبت به مؤمنین رحیم است یعنی محبت خاصی به آنها دارد، امام نیز چون مظهر صفات خدای تعالی است، بعضی از فیوضات آن حضرت (مانند رحیم بودن خداوند کریم) مخصوص به شیعیان است که دیگران از آن فیض محروم اند. که در زیر به دو مورد اشاره می شود:

۱) امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حال غیبت، به شیعیانشان عنایت خاصی دارند و برای آنان دعا می کنند و دعای آن حضرت در بارگاه احدیت رد نمی شود و اگر این دعای آن حضرت برای شیعیان نبود، ستمکاران هرگز اجازه نمی دادند که اینها زنده بمانند و همه را از بین می بردند. این لطف امام است که شیعیان در زمین با امن و امان زندگی می کنند و همین مطلب را حضرت در یکی از نامه هایشان برای شیخ مفید بیان فرموده اند:

«ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاها بر شما نازل می شد و دشمنان شما را نابود می کردند.» (۲)

۲) جابر بن عبدالله انصاری روایت نموده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که: آیا شیعیان از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در ایام غیبتش منتفع می شوند؟ فرمود: آری! سوگند به خدایی که مرا به پیامبری

ص: ۱۵۱

۱- . دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۵۴ - ۱۵۵.

۲- . الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳.

مبعوث نموده، به درستی که شیعیان از وجود ایشان منتفع می شوند و در زمان غیبت، از نور ولایتش بهره مند می گردند، مانند انتفاع از خورشید، هر چند که ابر آن را پوشانیده باشد. (۱)

وجه تشبیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید پشت ابر

این تشبیه به چند نکته اشاره دارد:

۱) وقتی که خورشید در زیر ابر پنهان گردید، خلایق با اینکه از او منتفع می شوند باز ساعت به ساعت انتظار می کشند که از زیر ابر درآید و ظاهر شود، برای اینکه انتفاع آنان از خورشید بیشتر گردد. همچنین در

ایام غیبت آن حضرت، مخلصان شیعیانش در هر وقت و زمان، انتظار ظهور و خروج او را می کشند و از ظهورش مأیوس و ناامید نمی شوند. (۲)

۲) منکر وجود شریفش با در دسترس بودن آثار متعدد و بسیار ظهور، مانند کسی است که وجود خورشید را انکار نماید در وقتی که پشت ابر پنهان است. (۳)

۳) گاهی پنهان شدن خورشید در زیر ابرها برای بندگان، اصلح و انفع است از ظاهر شدن آن، همچنین غیبت آن حضرت در این زمان اصلح است برای ایشان از ظهورش، از این جهت غایب گردیده اند. (۴)

۴) آن کسی که می خواهد به خورشید نظر کند، نمی تواند مستقیماً در حالتی که خورشید با درخشندگی کامل در وسط آسمان قرار دارد به آن نگاه کند و نظر بیافکند و اگر بخواهد قرص خورشید را نظر کند، باید در زیر پرده ای از ابر قرار گیرد و دیده ها با احتیاط به سوی آن نگاه کنند؛ زیرا که قوه باصره از احاطه نمودن به آن ضعف و عجز دارد.

همچنین است خورشید ذات مقدس آن حضرت، که ممکن است که ظهورشان به دیده دل‌های بندگان ضرر برساند و باعث کوری ایشان شود، از این رو تا ظرفیت‌ها بالا نرفته، این خورشید باید همچنان پشت ابر باقی بماند.

ص: ۱۵۲

۱- . بحار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲- . همان.

۳- . همان.

۴- . همان، ج ۵۲، ص ۹۳ - ۹۴.

۵) گاهی خورشید نیز از پشت ابر بیرون می آید و یکی به آن نگاه می کند و دیگری نگاه نمی کند؛ همچنین ممکن است آن حضرت در ایام غیبت برای بعضی ظاهر شوند و برای شخص دیگر ظاهر نگردند. (۱)

۶) همان گونه که خورشید در جای معین خود، ثابت و پشت ابرها در آسمان از دید ما پنهان است، ولی نورش بر همه چیز و همه جا احاطه دارد و مردم از نور آن استفاده می کنند؛ همچنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود مقدسشان در یکی از نقاط زمین است و شناخته نمی شود ولی روح مقدسشان بر همه چیز و همه جا احاطه دارد و ما می توانیم به او توسل پیدا کنیم و از او استفاده نماییم. (۲)

۷) همان گونه که در روز، خورشید اگر در پس ابر باشد، از گمراهی و ضلالت در بیابانها و از تجاوز سارقین و سایر ناراحتی هایی که در شب برای انسانها هست، در امان هستیم، همچنین خداوند وعده فرموده که به خاطر وجود مقدس آن حضرت که در بین انسان ها و روی زمین است، بشر مبتلا به فساد کلی و نابودی نمی شود و آنها را مانند امت های گذشته به عذاب های دسته جمعی و بلاهای آسمانی مبتلا نمی فرماید. (۳)

۸) همان گونه که خورشید پشت ابر، وجودش مسلم است و در بین افلاک در گردش است و در مسیر معین خود نیز حرکت می کند ولی برای افراد بشر مشخص نیست که چگونه می چرخد و در کجا و کدام وضعیت قرار دارد، همین گونه نیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم زندگی عادی دارد، زن و فرزند دارد، به زندگی معمولی خود ادامه می دهد؛ ولی او را کسی نمی بیند. (۴)

از روایات و احادیث و نکاتی که ذیل روایات بیان شده، استفاده می شود که یک سری فواید از وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در حال غیبت افاضه می شود که کسی نمی تواند آن فواید را انکار کند، مگر اینکه دیده و فهم و بصیرت خویش را به تمامه تاریک و کور کرده باشد.

ص: ۱۵۳

۱- . همان.

۲- . مصلح غیبی، سید حسن ابطحی، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۳- . همان، ص ۱۱۳.

۴- . همان.

تقدیم به بزرگ آقایی که گرمی وجودش را همچو خون در رگهایمان احساس می کنیم، امام دوست داشتنی و مهربان،
مهدی صاحب الزمان (روحی و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء)

ص: ۱۵۴

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی، ابو جعفر محمد بن محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- اعلام الهدایه، گروهی، مجمع جهانی اهل بیت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه.ق.
- امام مهدی و غیبت صغری، صدر، سید محمد، ترجمه محمد امامی شیرازی، جهان آراء، قم، بی تا.
- الآء الرحمن فی تفسیر القرآن، بلاغی، محمد جواد، احیاء التراث العربی، بی تا.
- الاصول فی ذریه بضعه البتول، آنس یعقوب الکلینی الحسینی، دار المجتبی مدینه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
- الزام الناصب فی اثباه الحججه الغائب، حائری، علی یزدی، م ۱۳۳۳ ه.ق، انتشارات مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه.ق.
- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام (المقنع)، علم الهدی، سید مرتضی، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- الانوار النعمانیه، جزائری، نعمت الله، م ۱۱۱۲ ه.ق، مؤسسه الاعلمی، بیروت، لبنان، بی تا.
- البیان فی اخبار صاحب الزمان شافعی، ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد، تحقیق: محمد هادی امینی، بی تا، چاپ سوم، تهران، ۱۴۰۴ ه.ق.
- البدایه والنهایه، ابن کثیر، عماد الدین ابو الفداء اسماعیل، م ۷۷۴ ه.، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق.

- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، هاشم حسینی، م ۱۱۰۷، مؤسسه البعثه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
- تاریخ اسلام، حسن ابراهیم حسن، دار اندلس، بیروت، لبنان، چاپ هفتم، ۱۹۶۴ م.
- تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ترجمه ابراهیم آیتی، انتشارات علمی فرهنگی تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.
- تاریخ انبیا از آدم تا خاتم، عمادزاده، عماد الدین اصفهانی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۳۴ ش.
- تاریخ الامم والرسول والملوک معروف به تاریخ طبری، طبری، محمد بن جریر بن یزید، مؤسسه الاعلمی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۹ ه.ق.
- تذکره الخواص، ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن، م ۶۵۴ ه.، مطبعه علمیه نجف، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ه.ق.
- تفسیر المراغی، المراغی، احمد مصطفی، دار الفکر، بیروت، لبنان، ۱۳۶۵ ه.ق.
- تفسیر کنز الدقائق، محمد مشهدی، ابن رضا بن اسماعیل جمال الدین، م ۱۱۳۵ ه.ق، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- تفسیر قمی، ابراهیم قمی، ابو الحسن علی بن ابراهیم، مطبعه نجف، ۱۳۸۷ ه.ش.
- تفسیر منشور جاوید، سبحانی، جعفر، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول، بی تا.
- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان و مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۲ ش.
- تفسیر الکبیر، فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، بی تا.
- تفسیر الصافی، فیض کاشانی، م ۱۰۹۱ ه.، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان، بی تا.
- تقریب المعارف فی الکلام، حلبی، تقی الدین بن نجم بن عبد الله، جامعه المدرسین، قم، چاپ اول، بی تا.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری، ابی جعفر بن حریر، دار المعرفه، بیروت، لبنان، بی تا.

- جماع الاسبوع، ابن طاووس، علی بن موسی، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه آفاق، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش، بی جا.
- الحاوی للفتاوی، سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه.ق.
- حیوه القلوب، مجلسی، محمدباقر، تحقیق: علی امامیان، انتشارات سرور قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
- خورشید
- مغرب، حکیمی، محمدرضا، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۷ ش.
- الخرائج والجرائح، قطب الدین، سعید بن هبه الله، مدرسه الامام المهدی، قم، چاپ اول، بی تا.
- داد گستر جهان، امینی، ابراهیم، انتشارات شفق، چاپ بیست و پنجم، قم، ۱۳۸۱ ش.
- دلائل الامامه، طبری، ابی جعفر محمد بن رستم، منشورات رضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ه.ق.
- الدر المنثور فی التفسیر المأثور، سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۲۰۰۰ م.
- روضه الواعظین، نیشابوری، محمد بن الفتان، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان، ۱۹۸۶ م.
- سیره النبی، ابن هشام، ابی محمد عبد الملک، مطبعه حجازی قاهره، بی تا.
- الغیبه، نعمانی، ابو زینب، انوار الهدی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۲ ه.ق.
- قصص القرآن، حفظ الرحمن، انتشارات غوثیه الله آباد، هند، ۱۴۰۲ ه.ق.
- قصه های قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- قصص الانبیاء یا سرگذشت پیامبران، جزائری، نعمت الله، ترجمه: یوسف عزیزی، انتشارات هاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
- قصه های قرآن، اشتهااردی، محمد محمدی، انتشارات نبوی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ه.ش.

- قصص الانبياء، ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل بن كثير شافعي، م ٧٧٤ هـ، دار ابن كثير، دمشق، چاپ هفتم، ١٤٢٣ هـ.ق.
- قصص القرآن يا تاريخ انبياء، هاشم محلاتي، رسول، انتشارات علميه اسلاميه.
- كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق، علي بن الحسين بن بابويه، ترجمه منصور پهلوان، دار الحديث، قم، چاپ اول، ١٣٨٠ ش.
- الكامل في التاريخ، ابن اثير، ابو الحسن علي بن عبد الواحد شيباني، م ٦٣٠ هـ، دار الفكر، بيروت، ١٣٩٨ هـ.ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق ابي جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه، دار المعارف، بيروت، لبنان، ١٤١١ هـ.ق.
- كشف الغمّه في المعرفه الاثمه، اربلي، علي بن عيسى، كتابفروشي اسلاميه، تهران، ١٣٨١ هـ.ق.
- كتاب الغيبه، شيخ الطائفه، ابي جعفر محمد بن حسن طوسي، م ٤٦٠ هـ، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، چاپ دوم، ١٤١٧ هـ.ق.
- مرآه العقول في شرح اخبار آل رسول، مجلسي، محمدباقر، تحقيق: هاشم رسولي، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ سوم، ١٣٧٠ ش.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسي، ابو علي الفضل بن الحسن، ترجمه علي كرمي، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، چاپ اول، ١٣٨٠ ش.
- معجم احاديث الامام المهدي، گروهی زیر نظر علي كوراني، مؤسسه معارف الاسلاميه، قم، چاپ دوم، ١٤٢١ هـ.ق.
- المعجم الوسيط، گروهی، مكتبه الاسلاميه، استانبول، تركيه، بی تا.
- معانی الأخبار، شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن حسين، مجمع البحوث الاسلاميه، آستانه قدس رضوي، مشهد، ١٤١٧ هـ.ق.
- مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهاني، ابو القاسم بن محمد، انتشارات ذوی القربى، قم، چاپ سوم، ١٤٢٤ هـ.ق.
- مفاتيح الجنان، قمی، عباس، مؤسسه انصاريان، قم، چاپ چهارم، ١٤٢٤ هـ.ق.

- من هو المهدي، تبریزی، ابوطالب تجلیل، نشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- منتخب الاثر، صافی، لطف الله، مطبعه حیدری، نجف، ۱۳۳۳ ش.
- موعود قرآن امام مهدی، رجالی، علی رضا، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۲۳ ه.ق.
- موسوعه
- الامام المهدي، صدر، محمد، دار التعاریف، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ ه.ق.
- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق، بی جا.
- المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، محمدحسین، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ه.ق، بی جا.
- نجم الثاقب، طبرسی نوری، میرزا حسین، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ ش.
- يوم الاخلاص فی ظلّ القائم المهدي، کامل سلیمان، دار الکتب اللبنانی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۲ ه.ق.
- ینایع الموده، ذوی القربی، حنفی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، م ۱۲۹۴، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان، بی تا.
- مجله انتظار، گروهی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۱ ش، ذی الحجّه، چاپ دوم.
- مجله انتظار، گروهی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۱ ش، شعبان المعظم، چاپ دوم.
- راه مهدی، صدر، محمد، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۲۸ ه.ق.
- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، افتخار زاده، سید حسن، تهران، چاپ دوم، انتشارات نیک، معارف، ۱۳۷۴ ش.
- بررسی مسائل کلی امامت، امینی، ابراهیم، انتشارات شفق، قم، خرداد ۱۳۶۱ ش، چاپ هشتم.
- داد گستر جهان، امینی، ابراهیم، انتشارات شفق، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲ ش.
- مقاله عاشورا و انتظار، پور سید آقایی، مسعود، فصلنامه انتظار، ش ۳، قم، چاپ دوم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، بهار ۱۳۸۱ ش.

- عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها، ره یافت‌ها)، پور سید آقایی، مسعود، قم، چاپ دوم، انتشارات حضور، ۱۳۸۲ ش.
- خورشید مغرب، حکیمی، محمد رضا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
- تشیع و انتظار، خلجی، محمد تقی، انتشارات میثم تمار، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
- ره توشه راهیان نور (ویژه محرم الحرام و صفر المظفر)، ۱۳۸۲ ش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- الخصائص الحسينیه، شوشتری، شیخ جعفر، اشک روان بر امیر کاروان، ترجمه سید محمدحسین شهرستانی، قم، چاپ سوم، دار الکتب جزائری، ۱۳۷۵ ش.
- اصول کافی، شیخ کلینی، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات علمیه.
- تفسیر المیزان، طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه: استاد محمدرضا صالحی کرمانی و استاد سید محمد خامنه‌ای، بنیاد علمی، فرهنگی علامه طباطبائی، با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران.
- بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، بیروت، چاپ سوم، مؤسسه الوفاء البیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.
- مهدی موعود، علامه مجلسی (ره)، مترجم: علی دوانی، چاپ بیشت و ششم، خورشید، ۱۳۷۳ ش.
- مقاله حسین و مهدی، فؤادیان، محمدرضا، فصلنامه انتظار، ش ۲، قم، چاپ اول، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، زمستان ۱۳۸۰ ش.
- قیام مهدی (از دیدگاه جامعه‌شناسی نهضت‌ها)، قائمی، علی، تهران، انتشارات قیام.
- بررسی و مقایسه غیبت انبیا با غیبت امام زمان علیه السلام، ذیشان حیدر، ۱۳۸۴ ش، قم.
- قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، مطهری، مرتضی، چاپ بیستم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.
- نشریه حوزه (ویژه حوزه‌های دینی)، چاپ دوم، ۱۳۷۱ - ۷۲ ش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جزوه دو دریا، دو تلاطم، یک ساحل، قم، خرداد ۱۳۸۳ ش، فاطمه آشنا و حکیمه متقی فر.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

